

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عدالت، آزادی- جمهوری شورایی!

طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها

برنامه سیاسی پیشنهادی به پیشروان کارگران، روشنفکران جناح چپ طبقه متوسط، و عموم آزادیخواهان

اکبر تک دهقان

انتشار اول، 8 شهریور ۱۳۸۵-30 اوت ۲۰۰۶
انتشار دوم، ۸ آذر ۱۳۸۸-۲۹ نوامبر ۲۰۰۹

تقدیم به مردمی که بحساب نمی آیند!

همانگونه که در موعد انتشار اول این طرح اعلام گردید، متن تاکنونی در بخشهای مختلفی، شکلی همچنین محتوایی، تکمیل شده، با انجام تصحیحات انشایی ضروری، بعنوان انتشار دوم، در اختیار علاقمندان قرار میگیرد. پیرامون برخی تغییرات با اهمیت مضمونی، در انتهای متن توضیح داده شده است. امید که تلاش به انجام رسیده، موضوع توجه و مطالعه شما، قرار گیرد.

" طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها "، به اعضاء خانواده رفقای جانباخته از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- اقلیت، در روز ۴ بهمن سال ۱۳۶۴ در مقر رادیو صدای فدایی (روستای گاپیلون در کردستان عراق) و حوادث مربوط به آن، تقدیم میگردد.

در این روز هولناک، با بروز یک درگیری مسلحانه درونی، رفقای در نزدیکیترین رابطه سیاسی و انسانی، خون یکدیگر را بر زمین ریختند و پس از آن، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- اقلیت، به تجزیه و انحلال کامل، کشانده شد. بحران حاد در سازمان فدایی- اقلیت، بر زمینه شکست انقلاب بهمن، قتل عام دهها هزار نفر از مبارزین، از آن میان، اکثریت قریب به اتفاق رهبران، اعضاء و فعالین سازمان، و عدم توانایی و تمایل کمیته مرکزی محفلی و عمدتاً انتصابی، برای پاسخگویی به معضلات سیاسی و تشکیلاتی در این شرایط سخت، شکل گرفته بود.

این حادثه نبود کننده، در نتیجه شکل گیری یک دسته بندی ارتجاعي در سازمان، در یکطرف باند عباس توکل- حسین زهری (بهرام، مسنول انتصابی کمیته خارج سازمان)، و در طرف دیگر، باند مصطفی مدنی- حماد شیبانی (جناح شورای عالی)، به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - اقلیت، تحمیل شد. عباس توکل و مصطفی مدنی، در پی تجزیه های پس از آن در خارج از کشور، محافل جدیدی، تحت عنوان " سازمان فداییان- اقلیت"، و جریانی اکثریتی یعنی " اتحاد فداییان خلق ایران"، و حسین زهری (بهرام) با روحیاتی جنایتکارانه و عامل افراطی در زمینه سازی درگیری نیز، دسته ای باند سیاهی، سرتاپا مشکوک و تبهکارانه، تحت عنوان گمراه کننده: "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" را به راه انداختند.

دسته جات نامبرده بالا، از طریق عناصر دیگری در مقرات سازمان، فعالانه مورد حمایت واقع شدند، که آشکارا، هدف انحلال سازمان و زندگی در خارج، و یا روی آوری به فعالیتهای قومی را دنبال میکردند. این گروه، در انشعابات بعدی در کردستان عراق و اروپا، محافل راست شبه اکثریتی، منفعل و انحلال طلب، تحت عنوان " هسته

اقلیت" (از جناح " کمیته مرکزی"، مدافع افراطی انحلال سازمان)، و جریان قومی " اتحاد فداییان کمونیست" (یدی شیشوانی از جناح شورای عالی) را تأسیس کرده، با عوامفربیی، دروغ و مظلوم نمایی، تبهکاری خود را برده پوشی کرده، آن را به خیال خود، مضموم مرور زمان ساختند.

جانباختگان این رویداد دردناک و حوادث بعدی، پدران، مادران و بستگانی داشتند، که در منازعات ارتجاعی قدرت در یک محفل بسته، به آنان فکر نشد، و در هیچ بزرگداشت و تحلیل سیاسی نیز، از آنان یاد نشد. اما آنها، با دنیایی از شور و عشق، به حضور فرزندان و بستگان خود در صفوف فدایی افتخار نموده، در آرزوی بازگشت پیروزمندانه آنان، روز شماری میکردند. نگارنده این سطور که با برخی از رفقای جانباخته در این روز و رویدادهای مربوط به آن- در شرایط مختلف - در رابطه فعالیت سیاسی قرار داشته است، به قلب بزرگ، اعتماد و علاقه بستگان آنان به سازمان- از خانواده های زحمتکش و بعضاً بسیار محروم- و امید پرشور آنها به بازگشت فرزندان فدایی خود، درود میفرستد. از این رو، تلاش به سرانجام رسیده را- که نتیجه همه زندگی سیاسی من است- از صمیم قلب، به اعضاء خانواده رفقای جان باخته خود در این روز تلخ و حوادث مربوط به آن، به نجابت و نزاکت مردمی، به صبوری، سکوت و تحمل اندوه فروخورده، به متانت، خطا پوشی و گذشت احترام برانگیز آنان، تقدیم مینمایم.

جانباختگان درگیری روز ۴ بهمن سال ۱۳۶۴ در روستای گاپیلون (کردستان عراق)، و حوادث مربوط به آن:

- ۱- رفیق کیکاووس درودی (عباس کامیاری، عباس پرولتر)، مسنول شاخه کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- اقلیت. او در جناح معترضین، یعنی "شورای عالی" قرار داشت.
 - ۲- رفیق سعادت محمدی (هادی)، از مسنولین نظامی تیم پیشمرگان در شاخه کردستان، و از فعالین سابق سازمان در یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد. او در جناح معترضین به جناح توکل قرار داشت.
 - ۳- رفیق کاوه، عضو سازمان در مقر رادیو صدای فدایی و از فعالین سابق سازمان در کرمانشاه.
 - ۴- رفیق اسکندر، نیروی سازمان از مقر رادیو صدای فدایی، و از فعالین سابق سازمان در لرستان.
 - ۵- رفیق حسن، نیروی سازمان از مقر رادیو صدای فدایی، و از فعالین سابق سازمان در خارج از کشور.
- همچنین رفقای دیگری نیز، در پی این حادثه و در چنبره رقابتهای ارتجاعی درونی و یا حوادث تحمیلی، جان باختند:

۱- رفقا جمال و فواد، از پیشمرگان فدایی در مقر رادیو صدای فدایی (گاپیلون) و مقر شاخه کردستان (گللاه)، که در تهاجم عناصر مسلح حزب دموکرات کردستان عراق (" پارتی" و سابقاً: قیاده موقت)، در مناطق شمال کردستان عراق، جان باختند. هر دو رفیق، پس از درگیری ۴ بهمن، از پیوستن به دو جناح عامل این درگیری خودداری نموده، تلاش کردند، با اتکاء صرف به خود، از مناطق بسیار ناامن و کوهستانی شمال عراق، خارج شوند.

۲- رفقا نوید (از یاسوج) و اردشیر، از پیشمرگان فدایی که پس از درگیری ۴ بهمن، از پیوستن به دو جناح عامل درگیری خودداری نموده، تلاش کردند، از عراق خارج شوند. هر دو رفیق، در مناطق کوهستانی شمال عراق، از سوی افراد مسلح حزب دموکرات کردستان عراق، مورد حمله قرار گرفته و بازداشت شده، به مأمورین رژیم اسلامی، تحویل داده میشوند. رفقا نوید و اردشیر، پس از تحمل شکنجه های طاقت فرسا، در اواخر سال ۱۳۶۵ و یا اوائل سال ۱۳۶۶، در شهر سنندج در میان فریادهای بلند خود، " زنده باد سوسیالیسم"، به جوخه اعدام سپرده شدند.

۳- رفیق حسن لر، از پیشمرگان فدایی که پس از درگیری ۴ بهمن، به اتحادیه میهنی کردستان عراق (یه که تی، جلال طالبانی) و سپس، به کومله (در این تاریخ: سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) پیوست. او در سال ۱۳۶۵ در مقر کومله و در فضایی بشدت غیردوستانه علیه سازمان فدایی، در نهایت تنهایی و سرخورده گی ناشی از فروپاشی سازمان، با شلیک گلوله، به زندگی خود خاتمه داد.

۴- رفیق مریم از اعضاء سازمان در مقر رادیو صدای فدایی در مقر گاپیلون، که به جناح " کمیته مرکزی" (توکل، زهری، هسته اقلیت) پیوست، و در اواخر سال ۱۳۶۵، در اعتراض به عدم برگزاری کنفره دوم سازمان از سوی مسنولین این جریان، در محل زندگی افراد این جناح در یکی از شهرهای کردستان عراق، با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد. اعضاء این به اصطلاح سازمان، جنازه رفیق مریم را در یک گونی پیچیده، شبانه در کنار

ساختمان پزشکی قانونی شهر مذکور، رها کردند! طوری که مأمور بعضی پزشکی قانونی شهر، چند روز بعد شدت نزد دیگران - که برای اطلاع از موضوع، به محل مراجعه کرده بودند- دست به اعتراض میزند!

۵- رفقا انور و مصطفی از اعضای کمیته کردستان جناح " شورای عالی"، که در اواسط سال ۱۳۶۶، در پی تلاش برای یافتن محلی بمنظور انتقال مقر این گروه (جناح مدنی، شیبانی، یدی شیشوانی)، در منطقه ای کوهستانی در کردستان عراق، مورد حمله افراد مسلح ناشناس قرار گرفته، جان باختند.

۶- رفیق نیوشا فرهی از فعالین سازمان در آمریکا، که پس از درگیری ۴ بهمن، به همکاری جنبی با جناح " شورای عالی" پرداخته بود، در روز ۲۹ شهریور ۱۳۶۶- ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷، از طریق خودسوزی در برابر ساختمان سازمان ملل متحد، جان باخت. دلیل مشخص اقدام رفیق، اعتراض به حضور خامنه ای جنایتکار - رئیس جمهور وقت رژیم اسلامی- برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. انتخاب این روش اعتراض از سوی رفیق نیوشا، قبل از هر چیزی، به شرایط گسیختگی در صفوف سازمان، و تأثیر سرخورده گی بزرگ ناشی از رویداد ۴ بهمن ۶۴، مربوط است.

طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها (انتشار دوم)

به ضمیمه:

۱- جمهوری شورایی و مسائل قومی در ایران

۲- سیاست اقتصادی در جمهوری شورایی ایران

خواننده علاقمند!

مطمئنناً تلاش صورت گرفته در اینجا، کامل ترین و بهترین در نوع خود نیست. اگر در مطالعه این طرح، به مواردی برخورد نمودید، که ضرورت بهبود و تکمیل آنها وجود دارد، نگارنده را از مطلع شدن از نتیجه نظر نکته بین خود، محروم نسازید. این طرح در صورت ضرورت در آینده نیز، تحت عنوان انتشار سوم، از سوی نگارنده، منتشر خواهد گشت، که میتواند تصحیحات احتمالی و پیشنهادی شما را نیز، در بر بگیرد. نشانی تماس با نگارنده: pouyane50@yahoo.de

مقدمه و توضیحات

تجزیه و ضعف در صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- اقلیت، همچنین غلبه انفعال مزمن بر گرایشهای جریان انقلابی فدایی در داخل کشور، موضع گیری این نیروی اجتماعی پیشرو و سنت دار انقلابات در ایران، نسبت به تحولات سیاسی را، بسیار دشوار ساخته است. در شرایط کنونی اما، دستیابی به یک موضع واحد از سوی این طیف (در داخل کشور)، و حضور روشن سیاسی- برنامه ای در رویدادهای هر دم شتاب یابنده، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

بهترین و ساده ترین شکل بیان درخواستهای نیروی اجتماعی فدایی (در صورت وجود تشکل در صفوف آن)، طرح روشن و فرموله این مطالبات، بصورت قطعنامه هایی، در برابر کنگره شوراها کارگری و عمومی است. در اینجا، هم موارد پراهمیتی که به لحظات سرنگونی رژیم اسلامی مربوط بوده، و هم مطالبات مردم که پس از تشکیل کنگره شوراها را شامل میگردند، جای خواهند داشت. این روش معرفی اهداف برنامه ای جریان انقلابی فدایی، لزوماً بمعنای اعلام وجود شرایط قیام مسلحانه فوری، و امکان فراخوان کنگره شوراها در این لحظه، نیست. تنظیم بحث به شکل زیر را میتوان در عین حال نوعی تلاش، برای ایجاد هماهنگی حول اهداف مشخص، میان فعالین مستقل در درون طیف انقلابی فدایی و کارگران کمونیست در داخل کشور، محسوب نمود.

توضیح:

*- از دید این نگارنده هیچیک از گروههای کنونی در خارج، که تحت عنوان " فدایی"، به فعالیت گیاهی اشتغال دارند، در کمترین حدی قادر به جایگزینی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (سازمان اصلی ۱۳۴۹-۱۳۵۷) نشدند. موضوع " جریان انقلابی فدایی" در این برنامه، همواره بر سازمان اصلی و تنوری و پراتیک آن در دوران انقلاب بهمن (۱۳۴۹-۱۳۶۰)، ناظر است.

توضیحاتی در آغاز

۱- شماره قبل از عنوان اصلی در بالای هر بخشی، شماره بخش مذکور تلقی می‌گردد. برای مثال: " بخش ۱ - بیانیه های پایه ای کنگره شوراها "

شماره پس از آن و از سمت راست، شماره قطعنامه نامبرده است. برای مثال:

۱-۱، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران در داخل کشور برای تعیین سرنوشت خویش. در اینجا از راست به چپ: ۱ اول، شماره قطعنامه، و ۱ دوم، شماره بخش در بالا است.

۲- شماره های قبل از بخشها، عناوین قطعنامه ها و بندها، از راست به چپ، خوانده میشوند. برای مثال: ۱-۱، حق مردم ایران و فعالین سیاسی مبارز در کشور در اینجا از راست به چپ: ۱ اول، شماره بند ذیل قطعنامه، ۱ دوم شماره قطعنامه، ۱ سوم شماره بخش، محسوب میگردند.

۳- زیر- بندهای متعلق به یک قطعنامه و یا ذیل یک بند، که تنها با یک عدد، مشخص شده اند، در حقیقت به بخشی از اصل قطعنامه و نه بندهای مستقل و یا توضیح در آن رابطه، تعلق دارند. اما طولانی شدن یک قطعنامه، جدا سازی این اجزاء را ضروری ساخته، با یک شماره، مشخص گشته اند. نظیر موارد برشمرده در ذیل قطعنامه ۱ از بخش ۵: قطعنامه پیرامون: تأیید حقانیت جنبشهای انقلابی ..."

۴- فاصله دو بخش از طریق یک خط کامل (ورد-۱۴- درشت)، و فاصله دو قطعنامه در داخل یک بخش از طریق یک نیمه خط نقطه چین، مشخص می‌گردد. بین دو بند از یک قطعنامه، تنها یک فاصله آزاد قرار گرفته است.

۵- ترتیب خواندن بخشها، قطعنامه ها و بندهای مرتبط به یکدیگر، بقرار زیر است. برای مثال: " قطعنامه ۱ از بخش ۱، اعلام کنگره شوراها، بمثابة عالیترین ارگان قدرت سیاسی ..."، و یا " بند ۱، قطعنامه ۲ از بخش ۴، جدایی دین از دولت و سیستم آموزشی ..."

۶- برای ایجاد یکنواختی در کل متن، شماره ها و ارقام، همواره بکمک اعداد و نه حروف، آورده شده اند.

۷- موضوع و محتوای بندهای ذیل قطعنامه ها، بعضاً ارائه کامل مطالبات یک قطعنامه و تکمیل آن، و یا توضیح و استدلال برای مطالبه طرح شده از طریق قطعنامه را در بر میگیرد؛ از آنجا که تدوین توضیح و استدلال جداگانه برای هر قطعنامه، متن را از شکل یکدست، سلیس و قابل فهم آن خارج کرده، آن را برای خواننده معمولی، به متنی که مدام موجب گسست در مطالعه می‌گردد، تبدیل میساخت.

قطعنامه های زیر از سوی فراکسیون فدایی(فراکسیون جمهوری شورایی)، به کنگره شوراها ارائه میگردند.

کنگره شوراها یک کنگره عمومی است، که در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی، از تجمع نماینده گان شوراها، سندیکاها و اتحادیه ها، کمیته ها، نهادها و ارگانهای صنفی، دموکراتیک و مبارزاتی، همه اقشار و طبقات سهیم در سرنگونی رژیم اسلامی، در داخل کشور، تشکیل می‌گردد. این کنگره، از قدرت گیری مدافعین رژیم پهلوی و جریانات اسلامی، در درون و یا بیرون از رژیم اسلامی، ممانعت بعمل آورده، راه سوء استفاده از خلاء قدرت برای شروع کشمکشهای قومی، و توسل به تخریب و انتقام جویی را سد نموده، خطوط کلی نظام سیاسی آتی را روشن ساخته، و موعد انتخابات ارگانهای دائمی در کشور را معین میکند.

فهرست بخشهای " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها"

- ۱- بیانیه های پایه ای کنگره شوراها ۵- ۱۲
- ۲- خود- آگاهی انقلاب ایران ۱۲- ۱۲
- ۳- حقوق عمومی شهروندان در جمهوری شورایی ایران ۱۲ - ۱۵
- ۴- شیوه برخورد به بازار دلالی اسلامی و مذهب حاکم ۱۵ - ۲۰
- ۵- انحلال دستگاههای سرکوب ۲۰ - ۲۱
- ۶- آزادی بیان و حق آگاهی از اطلاعات و نظرات ۲۱ - ۲۳
- ۷- آزادی تشکل، فعالیت اتحادیه ها، انجمنها و احزاب ۲۴ - ۲۵

- ۸- برابر حقوقی زنان و مردان، نهاد دموکراتیک خانواده، حقوق کودک ۲۵- ۳۳
- ۹- مردم و قدرت سیاسی ۳۳- ۴۱
- ۱۰- تأسیس یک نظام قضایی دموکراتیک ۴۱- ۴۲
- ۱۱- مالکیت، اقتصاد، سیاست اقتصادی ۴۲- ۴۷
- ۱۲- تأمین اجتماعی و بیمه درمانی، بهداشت و تندرستی ۴۷- ۵۰
- ۱۳- آموزش و جوانان ۵۰- ۵۴
- ۱۴- مطالبات کارگری ۵۴- ۶۳
- ۱۵- شهرسازی روستاهای کشور ۶۳- ۶۵
- ۱۶- نوسازی نظام ارتش و خدمت نظامی ۶۵- ۶۷
- ۱۷- رفع تبعیضهای ناشی از توسعه ضد دموکراتیک سرمایه داری ۶۸- ۷۱
- ۱۸- حفظ محیط زیست ۷۲- ۷۳
- ۱۹- تضمین سلامت محیط سیاست ۷۳- ۷۷
- ۲۰- سیاست خارجی کشور ۷۷- ۸۰

ضمانم

- ۱- جمهوری شورایی و مسائل قومی در ایران ۸۱- ۸۲
- ۲- سیاست اقتصادی در جمهوری شورایی ایران ۸۲- ۸۸
- *تغییرات و موارد حذف شده در انتشار دوم ۸۸- ۹۰*

۱- بیانیه های پایه ای کنگره شوراها

- ۱-۱- قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران در داخل کشور ...
- ۱-۱-۱- حق مردم ایران و فعالین سیاسی مبارز در کشور ...
- ۱-۱-۲- حق مردم ایران و فعالین سیاسی مبارز در کشور، ...
- ۱-۱-۳- حق مردم ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم ...
- ۱-۱-۴- حق مردم ایران در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی ...
- ۱-۱-۵- حق مردم ایران در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی ...
- ۱-۲- قطعنامه پیرامون: اعلام کنگره شوراها بمتابیه عالی ترین ...
- ۱-۲-۱- کنگره شوراها، رهبری انقلاب و فرماندهی همه ...
- ۱-۲-۲- قطعنامه پیرامون: تشکیل نیروی مسلح کارگری؛ ...
- ۱-۲-۳- نیروهای مسلح، افراد و یا متعلق به سازمانهای ...
- ۱-۲-۴- فرامین کنگره شوراها در مقطع سرنگونی رژیم ...
- ۱-۳- قطعنامه پیرامون: اعلام سرنگونی رژیم ترور اسلامی، ...
- ۱-۳-۱- حق مردم ایران به مجازات همه سران و مسنولین ...
- ۱-۴- قطعنامه پیرامون: اعلام جمهوری در کشور؛ ...
- ۱-۵- قطعنامه پیرامون: تأیید حقیقت جنبشهای کارگری- ...
- ۱- انقلاب مشروطیت و رهبران چپ و آزادیخواه آن: ...
- ۲- مبارزات مردم در تداوم انقلاب مشروطیت، ...
- ۳- ادامه مبارزات انقلابی در سال ۱۲۹۹ شمسی، ...
- ۴- مقاومت دموکراتیک در طول دوران دیکتاتوری رضاشاه ...
- ۵- دولت خود مختار آذربایجان (۱۳۲۴- ۱۳۲۵)، اقدامات انقلابی ...
- ۶- اعتصابات و مبارزات کارگران از آغاز توسعه صنعت نفت، ...
- ۷- مبارزات و شورشهای دهقانی برای برچیدن نظام فئودالی ...
- ۸- پایداری انقلابی افسران کمونیست، رهبران و مبارزین کارگری، ...

- ۹- تلاشهای نخست وزیر مورد حمایت اکثریت مردم، محمد مصدق، ...
- ۱۰- مبارزات سازماندهان کارگری و نسل جوان روشنفکران انقلابی ...
- ۱۱- عملیات تاریخساز سیاهکل در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ ...
- ۱۲- مقاومت و مبارزات زندانیان سیاسی و بستگان آنان، علیه رژیم ...
- ۱۳- مقاومت و مبارزات توده های مردم کردستان، ... در سایر استانهای ...
- ۱۴- مبارزات و اعتصابات توده های کارگر و زحمتکش و سازماندهان ...
- ۱۵- مبارزات و آگاهگری روشنفکران و هنرمندان مردمی و ضدساتسور، ...
- ۱۶- مبارزات کارگری در مقطع توده ای شدن انقلاب بهمین؛ ...
- ۱۷- مبارزات انقلابی طبقات پیشرو و دموکراتیک جامعه، ...
- ۱۸- مبارزات کارگری و توده ای در سالهای پس از قیام بهمین، ...
- ۱۹- مقابله زنان آزادیخواه، علیه تثبیت قوانین ضد زن در آغاز استقرار ...
- ۲۰- مبارزات مسلحانه شهروندان کرد و ترکمن، مقاومت شهروندان عرب، ...
- ۲۱- مقاومت توده های مردم، مجاهدین، کمونیستها، آزادیخواهان، ...
- ۲۲- مقاومت انقلابی مبارزین جنبش کارگری علیه تثبیت شرایط پلیسی ...
- ۲۳- مقاومت و مبارزات زندانیان سیاسی، خانواده ها و بستگان آنان ...
- ۲۴- مقاومت و مبارزه توده های مردم و مبارزین از سال ۶۰ تا به امروز. ...
- ۲۵- مقاومت و مبارزات نویسندگان و هنرمندان، ...
- ۲۶- مبارزات ضد فنودالی زحمتکشان مناطق جنوب کشور، ...
- ۲۷- مبارزات و شورشهای بزرگ شهری در سال ۱۳۷۲، علیه فقر و ...
- ۲۸- خیزش شجاعانه نسل جدید دانشجویان کشور، در روز ۱۸ تیر سال ...
- ۲۹- مبارزات و مقاومت زنان و دانشجویان، علیه تبعیض و ستمگری ...
- ۳۰- مقاومت شهروندان مدافع سنت مذهبی بهائیت، در دفاع از حق ...
- ۳۱- مبارزات و مقاومت کارگران در دور جدید قدرت گیری جنبش کارگری، ...
- ۳۲- مبارزات مداوم معلمان و پرستاران، بویژه از آغاز دهه ۸۰ شمسی، ...
- ۳۳- خیزش مردم معترض و جوانان شهر اهواز علیه ترور و سرکوب مداوم ...
- ۳۴- خیزش سراسری زحمتکشان و جوانان شهرهای کردستان، ...
- ۳۵- مقاومت و اعتراضات مردم سیستان و بلوچستان و آذربایجان، ...
- ۳۶- مبارزات کارگران شرکت واحد تهران، برای دستیابی به حق تشکل مستقل ...
- ۳۷- توسل به مبارزات انقلابی از سوی مردم تهران و شهرهای مختلف کشور، ...
- ۱-۶، قطعهنامه پیرامون: تجلیل و حمایت از زندانیان سیاسی سابق ...
- ۱-۶-۱، ارانه امکانات وسیع مالی و قانونی، به شهروندانی ...
- ۱-۶-۲، ارانه امکانات وسیع و تأمین زندگی شایسته، ...
- ۱-۶-۳، تلاش حداکثر برای ادغام این بخش از شهروندان کشور ...
- ۱-۶-۴، جبران خسارات مالی و بازگشت به کار همه شهروندانی ...
- ۱-۷، قطعهنامه پیرامون: محکومیت دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا و ...
- ۱- سرنگونی قهر آمیز یک دولت ملی، طریق لگد مال ساختن حق مردم ایران ...
- ۲- کشتار صدها نفر از مبارزین، ...
- ۳- غارت منابع انرژی کشور از طریق بند و بست با دربار سرسپرده پهلوی، ...
- ۴- تبدیل ایران به بازار فروش سلاحهای کنسرنهای تخریب و آدمکشی ...
- ۵- استقرار دیکتاتوری پلیسی در کشور، تبعید، بازداشت، شکنجه و کشتار ...
- ۱-۸، قطعهنامه پیرامون: حق مردم ایران برای تشکیل یک نهاد حقوقی ...
- ۱-۹، قطعهنامه پیرامون: محکومیت سیاست قدرتهای امپریالیستی، ...
- ۱-۹-۱، خواست تأسیس یک نهاد حقوقی بین المللی، برای بررسی نقش دولتها ...

۱-۱، قطعهنامه پیرامون: حق مردم ایران در داخل کشور، برای تعیین سرنوشت خویش.

۱-۱-۱، حق مردم ایران و فعالین سیاسی مبارز در کشور، به تصمیم گیری و رهبری مبارزات روزمره خود.

۱-۱-۲، حق مردم ایران و فعالین سیاسی مبارز در کشور، به حفاظت از دست آوردهای مبارزات خود، در برابر تعرض دولتهای خارجی.

۱-۱-۳، حق مردم ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی، به مقابله با تحمیل یک دولت ارتجاعی بر سرنوشت کشور از نوع رژیمهای حاکم در عراق و افغانستان، و یا آلترناتیوسازی از سرسپرده گان قدرتهای غربی، نظیر اصلاح طلبان حکومتی، جمهوری خواهان دروغین، مدافعین رژیم پهلوی و جریانات اسلامی خارج از رژیم.

۱-۱-۴، حق مردم ایران در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی و تحت رهبری کنگره شوراها، به مقابله با اقدامات احتمالی و کودتاگرانه نیروهای ارتجاعی در اپوزیسیون رژیم اسلامی، بمنظور استقرار یک رژیم سرکوبگر از سوی جریانات فوق.

۱-۱-۵، حق مردم ایران در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی و تحت رهبری کنگره شوراها، به مقابله با تصمیمات خودسرانه و اقدامات ماجراجویانه گروههای قومی، بمنظور کشتادن کشور به سراسیمه کشمکشهای داخلی.

۱-۲، قطعهنامه پیرامون: اعلام کنگره شوراها بمثابة عالی ترین ارگان قدرت سیاسی در کشور، در مقطع سرنگونی رژیم اسلامی.

۱-۲-۱، کنگره شوراها، رهبری انقلاب و فرماندهی همه نیروهای مسلح را در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی، و تا موعد انتخاب ارگانهای دائمی کشور، وظیفه اصلی خود قلمداد مینماید. این کنگره، تجمعات و قدرت نمایی خیابانی و یا منطقه ای احزاب سیاسی، همچنین نهادهای گروهبندهای سیاسی در خارج از کشور را، بمثابة قدرتی فراتر از خود، برسمیت نمی شناسد.

۱-۲-۲، قطعهنامه پیرامون: تشکیل نیروی مسلح کارگری؛ در لحظات سرنگونی رژیم اسلامی و به دستور کنگره شوراها، در سراسر کشور، نهاد انقلابی " نیروی مسلح کارگری"، ایجاد میگردد. کلیه کارگران صنعتی در درون و اطراف شهرهای کشور، بلافاصله با تعطیل کارخانجات، دست به تشکیل نیروی مسلح کارگری زده، در دسته های نظامی تحت مسنولیت مستقیم شورا، سندیکا و یا کمیته کارخانه، سازماندهی میگردند. واحدهای نیروی مسلح کارگری، با حضور فوری در شهرها و مراکز عمومی، دست به مقابله با غارت و تخریب اماکن مسکونی، تجاری و عمومی زده، از رواج انتقام کشی خیابانی جلوگیری نموده، دست به بازداشت عوامل رژیم اسلامی زده، مانع از اقدامات ماجراجویانه دسته جات قومی گشته، و حفظ امنیت شهرها و مناطق حساس کشور را بر عهده میگیرند. این اقدام اضطراری در لحظات تعیین کننده، باید از تکرار سرنوشت عراق در مقطع فروپاشی رژیم صدام حسین، ممانعت نماید. هرگونه کارشکنی از سوی سرمایه داران، مدیران و کارمندان، با مصادره کارخانجات، محرومیت دائمی از کسب مشاغل دولتی و لغو حق تابعیت ایرانی، پاسخ خواهد گرفت. کلیه نیروهای مسلح، افراد و یا سازمانهای سیاسی، موظف به همکاری نزدیک با نیروی مسلح کارگری میباشند.

۱-۲-۳، نیروهای مسلح، افراد و یا متعلق به سازمانهای سیاسی در سراسر کشور، موظفند، بفوریت خود را تحت فرمان کنگره شوراها قرار داده، از انجام هر گونه اقدامات خارج از نظارت این کنگره، خودداری کنند.

۱-۲-۴، فرامین کنگره شوراها در مقطع سرنگونی رژیم اسلامی و تا تصویب قوانین دائمی، قوانین جاری در کشور محسوب میشوند.

۱-۳، قطعنامه پیرامون: اعلام سرنگونی رژیم ترور اسلامی، الغاء قانون اساسی فوق ارتجاعی آن، برجیدن همه قوانین ضد دموکراتیک اسلامی.

۱-۳-۱، حق مردم ایران به مجازات همه سران و مسئولین سرکوب و جنایت در رژیم ترور اسلامی؛ حتی اگر این، شامل دهها هزار نفر از سرکوبگران در رژیم اسلامی گردد. بدون مجازات همه جانباختگان، جامعه هر دم، در خطر انفجار ناشی از فروخوردن نفرت موجود از رژیم اسلامی، و رواج انتقام کشی خیابانی گشته، خطر جنگ داخلی، کشور را تهدید خواهد کرد. از این گذشته، عدم مجازات عاملین اینهمه تبهکاری علیه مردم، دستگاه دولتی و سرمایه داران را، از امتیاز بزرگ حفظ وضع موجود برخوردار نموده، عملاً دست آوردهای مبارزات و فداکاریهای مردم ایران را، به هیچ و پوچ مبدل خواهد ساخت. ایجاد یک نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، بدون مجازات کامل مسئولین و مجریان سرکوب، جنگ، شکنجه، قتل عامهای زندانیان سیاسی و نابودی ثروتهای کشور، بمعنای واقعی کلمه، امکانپذیر نیست.

۱-۴، قطعنامه پیرامون: اعلام جمهوری در کشور؛ جمهوری شورایی ایران، یک نظام دموکراتیک- شورایی است، که بر منافع اکثریت مردم و برابر حقوقی شهروندان، صرفنظر از جنسیت، زبان، مذهب، پیشینه قومی، پیشینه فردی و موقعیت اجتماعی، متکی خواهد بود. در جمهوری شورایی ایران، قوای قانونگذاری، اجرایی و قضایی از یکدیگر مجزا گشته، به دخالت دین در دولت و نظام آموزشی، پایان داده میشود. نظام دموکراتیک- شورایی، عموم شهروندان را از حق کار، امنیت شغلی و آزادیهای عمومی، برخوردار میسازد.

۱-۵، قطعنامه پیرامون: تأیید حقانیت جنبشهای کارگری- دموکراتیک در تاریخ معاصر ایران، و تجلیل از جانباختگان، فعالین و رهبران آزادیخواه مبارزات مردمی:

۱- انقلاب مشروطیت و رهبران چپ و آزادیخواه آن: ستارخان، حیدر عموغلو و دیگران، فداکاری و نقش توده های زحمتکش، و سوسیال دموکراسی انقلابی در این انقلاب.

۲- مبارزات مردم در تداوم انقلاب مشروطیت، برای سرنگونی سلطنت قاجار، استقرار نظام جمهوری در کشور و برای نجات دست آوردهای بتاراج رفته انقلاب مشروطیت؛ از این میان: تأسیس جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران (پایتخت موقت: رشت، ۱۲۹۹)؛ رهبران و فعالین این تلاش بزرگ، میرزا کوچک خان، حیدر عموغلو (حیدرخان)، احسان الله خان، جعفر پیشه وری، حزب عدالت ایران و سپس، حزب کمونیست ایران (عدالت)؛ توده وسیع کارگران و دهقانان مبارز در قفقاز و گیلان، و جناح دموکراتیک از افسار متوسط شهری در شمال کشور و آذربایجان.

۳- ادامه مبارزات انقلابی در سال ۱۲۹۹ شمسی، برای مقابله با دیکتاتوری امپریالیستی و کسب حقوق دموکراتیک مردم، به رهبری کلنل پسیان در خراسان و محمد خیابانی در آذربایجان.

۴- مقاومت دموکراتیک در طول دوران دیکتاتوری رضاخان (۱۳۰۰-۱۳۲۰)؛ مبارزات و مقاومت کارگران متشکل در اتحادیه های کارگری؛ مبارزات حزب کمونیست ایران و گروه ۵۳ نفر، تحت رهبری جعفر پیشه وری، تقی ارانی و رهبران اتحادیه ها.

۵- دولت خود مختار آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵)، اقدامات انقلابی- دموکراتیک آن، و دولت جمهوری مهاباد (۱۳۲۴-۱۳۲۵)؛ رهبران این دو جنبش دموکراتیک، جعفر پیشه وری، قاضی محمد و صدها هزار شهروند شهری و روستایی فداکار و دخیل در این مبارزات.

۶- اعتصابات و مبارزات کارگران از آغاز توسعه صنعت نفت، و برای ملی شدن این ثروت همگانی؛ مبارزات کارگری-دموکراتیک دهه ۲۰ تا اوایل دهه ۳۰ شمسی علیه رژیم پهلوی، علیه سلطه امپریالیستی بر منابع طبیعی کشور، بمنظور دفاع از حق مردم ایران در تعیین سرنوشت خویش (استقلال).

۷- مبارزات و شورشهای دهقانی برای برچیدن نظام فئودالی، و تقسیم زمین میان روستاییان زحمتکش در دهه های فوق، در سراسر کشور.

۸- پایداری انقلابی افسران کمونیست، رهبران و مبارزین کارگری، دانشجویی، دهقانی و روشنفکران و هنرمندان آزادیخواه، که علیه کودتای جنایتکارانه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، دست به مقاومت تا پای اخراج و تبعید، زندان و شکنجه و مرگ زدند. پایداری حسین فاطمی، وزیر امور خارجه کشور تا آخرین لحظه زندگی.

۹- تلاشهای نخست وزیر مورد حمایت اکثریت مردم در شرایط فوق، محمد مصدق، برای دفاع از حکومت قانون و انتخابات دموکراتیک، حق مالکیت جامعه بر نفت، دفاع از استقلال کشور در برابر دربار خیانتکار پهلوی و امپریالیسم انگلستان.

۱۰- مبارزات سازماندهان جنبش کارگری و نسل جوان روشنفکران انقلابی، پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، برای دفاع از دستاوردهای مبارزات گذشته، و ممانعت از سلطه کامل دیکتاتوری پلیسی در کشور.

۱۱- مقاومت بیاد ماندنی دانشجویان دانشگاه تهران، در جریان ورود ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به تهران، که با هدف حمایت از رژیم کودتایی محمدرضا پهلوی، و برای تضمین منافع امپریالیسم آمریکا در غارت ثروت نفت ایران، صورت گرفت. جان باختن سه دانشجوی شجاع: مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی. روز ۱۶ آذر، روز دانشجو، از سرچشمه های انقلاب بهمن و مبارزه برای سرنگونی رژیم سلطنتی گشت.

۱۲- عملیات تاریخساز سیاهکل در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، آغاز جنبش انقلابی-دموکراتیک و سرمنشأ انقلاب بهمن، برای سرنگونی رژیم سلطنتی؛ مبارزات مسلحانه از سوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، مبارزات و تلاشهای افراد، محافل و گروههای چپ و آزادیخواه سراسری و منطقه ای، علیه دیکتاتوری رژیم پهلوی.

۱۳- مقاومت و مبارزات زندانیان سیاسی و بستگان آنان، علیه نظام ترور و شکنجه ساواک، در جامعه و زندانها.

۱۴- مقاومت و مبارزات توده های مردم کردستان، حزب دموکرات کردستان ایران و محافل روشنفکران چپ در این استان، علیه دیکتاتوری در کشور؛ مبارزه برای کسب حق کاربرد و توسعه زبان مادری؛ کسب حق برابر حقوقی شهروندان در برابر نهادهای مرکزی؛ فرصتهای شغلی و اجتماعی برابر؛ حق اداره و توسعه دموکراتیک منطقه توسط توده های متشکل؛ مبارزات و مقاومت روشنفکران آزادیخواه در سایر استانهای کشور، نظیر: آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و مناطق مشابه، برای کسب حقوق دموکراتیک فوق.

۱۵- مبارزات و اعتصابات توده های کارگر و زحمتکش و سازماندهان تشکلهای، هسته ها و نهادهای مستقل کارگری، در طول دوران کودتا تا قیام بهمن سال ۱۳۵۷.

۱۶- مبارزات و آگاهگری روشنفکران و هنرمندان مردمی و ضدساتسور؛ بویژه پس از تأسیس قانون نویسندگان ایران، در دوران سلطه رژیم پهلوی.

۱۷- مبارزات کارگری در مقطع توده ای شدن انقلاب بهمن؛ مبارزات توده ای از پاییز سال ۱۳۵۶؛ قیام بزرگ مردم تبریز در بهمن ۱۳۵۶؛ بویژه اعتصابات بزرگ کارگران نفت در سال ۵۷؛ مبارزات زحمتکشان حاشیه شهرها.

۱۸- مبارزات انقلابی طبقات پیشرو و دموکراتیک جامعه، که شجاعانه، قیام مسلحانه ۲۲ بهمن سال ۵۷، و سرنگونی دیکتاتوری پهلوی را تحقق بخشیدند.

۱۹- مبارزات کارگری و توده ای در سالهای پس از قیام بهمن ۵۷، بویژه مبارزات و مقاومت سازماندهان شوراهای کارگری، علیه سرمایه داران و رژیم سرکوبگر اسلامی.

۲۰- مقابله زنان آزادیخواه، علیه تثبیت قوانین ضد زن در آغاز استقرار رژیم اسلامی، و انجام راهپیمایی بزرگ ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ در تهران، برای حفظ دستاوردهای مبارزات سالهای گذشته و جلوگیری از ادامه سلب حقوق اولیه خود در رژیم لیبرالهای غیرمذهبی، لیبرالهای اسلامی، و دستگاه مذهب فوق ارتجاعی خمینی.

۲۱- مبارزات مسلحانه شهروندان کرد و ترکمن، مقاومت شهروندان عرب، بلوچستانی و آذربایجانی، برای حفظ دست آوردهای انقلاب بهمن؛ مبارزه علیه تحقیر و اعمال تبعیض از سوی ناسیونالیسم ارتجاعی دولت مرکزی و نیروی اجتماعی وابسته به آن، و از سوی دستگاه دولت حاکم مذهب شیعه، نسبت به اکثریت شهروندان این مناطق.

۲۲- مقاومت توده های مردم، مجاهدین، کمونیستها، آزادیخواهان، احزاب سیاسی و مردم کردستان، برای جلوگیری از تثبیت رژیم ترور اسلامی در روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و پس از آن.

۲۳- مقاومت انقلابی مبارزین جنبش کارگری علیه تثبیت شرایط پلیسی در کارخانات، و مقابله با تسلط شوراهای اسلامی در محیطهای کار.

۲۴- مقاومت و مبارزات زندانیان سیاسی، خانواده ها و بستگان آنان از شروع کشتارهای دسته جمعی سال ۱۳۶۰ به بعد.

۲۵- مقاومت و مبارزه توده های مردم و مبارزین از سال ۱۳۶۰ تا به امروز؛ مقاومت و استواری زندانیان سیاسی در کشتار بزرگ تابستان سال ۱۳۶۷.

۲۶- مقاومت و مبارزات نویسنده گان ضدسانسور، در طول سالهای ترور فاشیستی دهه ۶۰ تاکنون؛ علیرغم شرایط غیرقابل تحمل زندگی علنی و ترور بسیاری از شهروندان آگاه و آزادیخواه (قتل های زنجیره ای).

۲۷- مبارزات ضد فنودالی زحمتکشان مناطق جنوب کشور، بویژه پس از استقرار رژیم اسلامی، و جانباختن فعالین این جنبش دموکراتیک، الله قلی جهانگیری و همراهان او در سال ۱۳۶۲.

۲۸- مبارزات و شورشهای بزرگ شهری در سال ۱۳۷۲، علیه فقر و سرکوب در رژیم اسلامی.

۲۹- خیزش شجاعانه نسل جدید دانشجویان کشور، در روز ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸.

۳۰- مبارزات و مقاومت زنان و دانشجویان، علیه تبعیض و ستمگری روزمره.

۳۱- مقاومت شهروندان مدافع سنت مذهبی بهائیت، در دفاع از حق دموکراتیک آزادی مذهب و عقیده، کسب حقوق برابر با سایر شهروندان؛ تقدیر از جانب‌اخترگان شهروندان بهایی کشور، که بازداشت و به شیوه ای فاشیستی، تیرباران شدند.

۳۲- مبارزات و مقاومت کارگران در دور جدید قدرت گیری جنبش کارگری، از انتهای سال ۱۳۸۳ و اوائل سال ۱۳۸۴، و تشکیل کمیته ها و نهادهای صنفی کارگری جدید.

۳۳- مبارزات مداوم معلمان و پرستاران، بویژه از آغاز دهه ۸۰ شمسی، برای تحقق خواستههای صنفی خود.

۳۴- خیزش مردم معترض و جوانان شهر اهواز علیه ترور و سرکوب مداوم از سوی عوامل جنایتکار رژیم اسلامی، در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

۳۵- خیزش سراسری زحمتکشان و جوانان شهرهای کردستان، علیه جنایات روزمره مأمورین رژیم اسلامی در این منطقه، در تیر و مرداد سال ۱۳۸۴.

۳۶- مقاومت و اعتراضات مردم سیستان و بلوچستان و آذربایجان، علیه تبعیض و تحقیر، و مقابله با ارتکاب جنایات هر روزه علیه مردم بیگانه از سوی عوامل رژیم اسلامی در سال ۱۳۸۵.

۳۷- مبارزات کارگران شرکت واحد تهران، برای دستیابی به حق تشکل مستقل و تحقق خواستههای صنفی خود؛ انجام اعتصاب و تلاش پیگیرانه، علیه صدمات بسیار و اخراجهای گسترده؛ مقاومت و مبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و تأسیس دومین سندیکای مستقل کارگری در کشور، علیه سرکوب و زندانی ساختن و اخراج سازماندهنده گان این تلاش بزرگ.

۳۸- توسل به مبارزات انقلابی از سوی مردم تهران و شهرهای مختلف کشور، پس از کودتای انتخاباتی جناح حاکم حکومت اسلامی علیه حق انتخاب مردم از خرداد ۱۳۸۸؛ آغاز جنبش انقلابی - دموکراتیک برای سرنوشت رژیم اسلامی.

۱-۶، قطعه نامه پیرامون: تجلیل و حمایت از زندانیان سیاسی سابق، و بستگان جانب‌اخترگان مبارزات مردم ایران.

۱-۶-۱، ارائه امکانات وسیع مالی و قانونی، به شهروندانی که در اثر جانب‌اختر عضویت از خانواده آنان در مبارزه با رژیمهای اسلامی و سلطنتی، هنوز از عوارض فردی و یا اجتماعی ناشی از آن، رنج میبرند.

۱-۶-۲، ارائه امکانات وسیع و تأمین زندگی شایسته، برای زندانیان سیاسی سابق و بستگان نزدیک آنان، که مستقیم و غیر مستقیم، عوارض جسمی و یا روحی سرکوب و شکنجه، در رژیمهای اسلامی و سلطنتی را به همراه دارند.

۱-۶-۳، تلاش حداکثر برای ادغام این بخش از شهروندان کشور در زندگی شغلی و اجتماعی همگانی، متناسب با تجارب و علایق آنان، بویژه در دستگاههای دولتی.

۱-۶-۴، جبران خسارات مالی و بازگشت به کار همه شهروندانی که بدلیل شرکت در مبارزات سیاسی، دفاع از آزادی مذهب و مخالفت با رژیم اسلامی، شغل خود را از دست داده اند.

۱-۷، قطعنامه پیرامون: محکومیت دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان در سرنگونی دولت محمد مصدق، با هدف درهم شکستن جنبش کارگری- کمونیستی ایران، الغاء حق مردم به مالکیت بر ثروت نفت و نابودی آزادیهای عمومی، در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲؛ این اقدام ضد انسانی قدرتهای امپریالیستی و رژیم سرسپرده پهلوی، نتایج و عوارض سهمگینی برای مردم ایران بدنبال آورد، که هم اکنون نیز، جامعه ایران از عواقب آن رنج میبرد.

۱- سرنگونی قهرآمیز یک دولت ملی، لگد مال ساختن حق مردم ایران در تعیین سرنوشت خویش و نقض آشکار استقلال کشور؛ الغاء حقوق دموکراتیک شهروندی، به شکست کشاندن مبارزات طولانی مردم، برای آزادی و عدالت اجتماعی.

۲- کشتار صدها نفر از مبارزین، بویژه پرسنل آزادیخواه ارتش، کارگران کمونیست، روشنفکران مبارز، و اعدام وزیر امور خارجه قانونی کشور، حسین فاطمی.

۳- غارت منابع انرژی کشور از طریق بند و بست با دربار سرسپرده پهلوی، و تحمیل قراردادهای نابرابر به مردم ایران؛ تبدیل کشور به بازار تولیدات کنسرنهای غربی و جلوگیری از توسعه اقتصادی ایران، در جهت منافع مردم.

۴- تبدیل ایران به بازار فروش سلاحهای کنسرنهای تخریب و آدمکشی امپریالیستی، و ایجاد یک قلعه نظامی- اطلاعاتی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ تحمیل هزینه های مالی این تبهکاری به مردم زحمتکش؛ آسیب رساندن به مناسبات صلح آمیز و دوستی میان مردم ایران؛ اتحاد شوروی و سایر ملل همسایه.

۵- استقرار دیکتاتوری پلیسی در کشور، تبعید، بازداشت، شکنجه و کشتار هزاران نفر از روشنفکران انقلابی، کارگران مبارز و آزادیخواهان در دوره سلطه رژیم ساواک؛ ممانعت از هرگونه فعالیت دموکراتیک و سندیکایی در کشور؛ جلوگیری از آزادی بیان، مطبوعات، نشر و ترویج حقوق شهروندی؛ حمایت علنی از قدرت گیری نقش فوق ارتجاعی دستگاه مذهب اسلام؛ از این طریق، زمینه سازی مستقیم و در اواخر سال ۱۳۵۷ حتی کاملاً آگاهانه، برای استقرار رژیم فاشیستی اسلامی.

۱-۸، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران برای تشکیل یک نهاد حقوقی بین المللی، بمنظور بررسی جنایت بزرگ کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲؛ طرح یک کیفرخواست، و تقاضای جبران مالی، سیاسی و فردی خسارات ناشی از این تبهکاری بی سابقه، در به تباهی کشاندن زندگی چندین نسل از مردم ایران.

۱-۹، قطعنامه پیرامون: محکومیت سیاست قدرتهای امپریالیستی، در حمایت از استقرار حکومت اسلامی در سال ۱۳۵۷، در چهارچوب طرح ضد کمونیستی ایجاد " کمربند سبز " علیه اتحاد شوروی؛ دولتهای غربی سرنوشت دهها میلیون نفر مردم ایران را، بازیچه طرحهای سلطه گرانه خود نموده، قدرت گیری یک رژیم تروریستی در ایران را ممکن ساختند.

۱-۹-۱، خواست تأسیس یک نهاد حقوقی بین المللی، برای بررسی نقش دولتها و کنسرنهای بزرگ غربی در استقرار و تحکیم رژیم اسلامی؛ بویژه در مقطع کنفرانس ۷ کشور صنعتی در گوادلوپ در دی ماه سال ۱۳۵۷- ژانویه سال ۱۹۷۹؛ نقش این دولتها در ایجاد فضای سکوت بین المللی بنفع قتل عامهای زندانیان سیاسی، در دوره کشتارهای هولناک دهه ۶۰ و جنگ ارتجاعی ۸ ساله.

۲- خود- آگاهی انقلاب ایران

- ۲-۱، قطعه‌نامه پیرامون: معرفی ماهیت و نیروی محرکه انقلاب ایران
۲-۲، قطعه‌نامه پیرامون: جایگاه تاریخی - طبقاتی انقلاب ایران

۲-۱، قطعه‌نامه پیرامون: معرفی ماهیت و نیروی محرکه انقلاب ایران؛ انقلاب ایران یک انقلاب رادیکال- دموکراتیک، و بر زمینه وجود منافع مشترک میان طبقه کارگر و زحمتکشان از یکطرف، و جناح چپ طبقه متوسط (بخشهایی از کارکنان فکری و خدمات اجتماعی، زنان و دانشجویان) از سوی دیگر، استوار است. این دو نیرو در جامعه ایران، گرایش سوسیالیسم، و جناح چپ جمهوری پارلمانی را در بر میگیرند. یک ائتلاف سیاسی پایدار در کنگره شوراها و مجلس شورای ملی، میان این دو نیروی اجتماعی بزرگ، ایجاد بیشترین امکانات سیاسی- اقتصادی را، برای بازسازی دموکراتیک- شورایی جامعه ایران، تضمین خواهد نمود.

۲-۲، قطعه‌نامه پیرامون: جایگاه تاریخی- طبقاتی انقلاب ایران؛ انقلاب رادیکال- دموکراتیک، بر جایگاه تاریخی- طبقاتی خود، آگاه است. این انقلاب، سر بر آورده از خاکستر انقلاب بهمن، در پیشروترین سنتهای انقلابی در ایران و جهان، ریشه دارد. انقلاب رادیکال- دموکراتیک در مقیاس تاریخی- جهانی، در سنت انقلاب بزرگ فرانسه (۱۷۸۹) و انقلاب بزرگ اکتبر (۱۹۱۷) قرار داشته، در مقیاس تاریخی- ملی، بر دست آوردهای انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۹۳)، جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران (۱۲۹۹)، جنبشهای کارگری- دموکراتیک مقطع سقوط رضاخان و پایان جنگ دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲) دولت خودمختار آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵)، و انقلاب بهمن (۱۳۴۹-۱۳۶۰) استوار است. در هر یک از مقاطع و دوره های جنبشهای اجتماعی در ایران معاصر، نقش توده های زحمتکش و سازمانهای سیاسی نزدیک به آنان، مداوماً افزایش یافته، مردم با دخالتگری فعال خود، مهر یک انقلاب توده ای را بر پیشانی شرایط سیاسی متحول کوبیده، یا بر آن تأثیرات غیر قابل انکار، باقی گذارده اند.

۳- حقوق عمومی شهروندان در جمهوری شورایی ایران

- ۳-۱، قطعه‌نامه پیرامون: حقوق عمومی شهروندان در جمهوری ...
۳-۱-۱، حق استقلال فرد و مقاومت در برابر هر مناسباتی، که نوعی از ...
۳-۱-۲، برابر حقوقی شهروندان در مقابل قانون، دولت، ...
۳-۱-۳، آزادی داشتن نظر، عقیده و حق بیان آزادانه آن، ...
۳-۱-۴، حق فعالیت سیاسی، فرهنگی، صنفی؛ ...
۳-۱-۵، حق شرکت فردی و مستقیم در تصمیم گیریهای ...
۳-۱-۶، حق توده های تحت ستم به توسل به یک انقلاب، ...
۳-۱-۷، حق زندگی بدون ترس و تهدید، مصونیت ...
۳-۱-۸، حق شهروندان به انتخاب آزادانه شریک زندگی و یا جدایی؛ ...
۳-۱-۹، حق کودکان و نوجوانان، به زندگی و رشد در یک ...
۳-۱-۱۰، مصونیت حوزه زندگی خصوصی و اطلاعات شخصی ...
۳-۱-۱۱، حق کار، تندرستی و مسکن، امنیت شغلی، ...
۳-۱-۱۲، حق مسافرت آزادانه؛ حق معاشرت و روابط اجتماعی ...
۳-۱-۱۳، حق شهروندان به مطالعه و شناخت آزادانه مسائل، ...

- ۱-۱۴-۳، حق مردم به اطلاع از کلیه توافقات و قراردادهای ...
 ۱-۱۵-۳، ممنوعیت تحقیر انسانها، بدلائل وابستگی به جنسیت ...
 ۱-۱۶-۳، ممنوعیت درج علانق سیاسی، مذهبی، زبان مادری و ویژه گیهای ...
 ۱-۱۷-۳، حق برخورداری از محیط زیست سالم و ...
 ۱-۱۸-۳، حق زندگی در یک جهان عادلانه و صلح آمیز، ...

۳-۱، قطعنامه پیرامون: حقوق عمومی شهروندان در جمهوری شورایی ایران؛ شهروندان کشور از حقوق اولیه زیر، بدون اعمال محدودیت از سوی مراکز قدرت و ثروت، داخلی و یا بین المللی، برخوردار هستند:

۱-۱-۳، حق استقلال فرد و مقاومت در برابر هر مناسباتی، که نوعی از تبعیض، بی حقوقی و بردگی را به انسان تحمیل کند.

۱-۲-۳، برابر حقوقی شهروندان در مقابل قانون، دولت، نظام قضایی و همه مؤسسات وابسته به دولت، نهادهای مذهبی و بخش خصوصی؛ صرفنظر از جنسیت و تمایل جنسی، تابعیت، زبان، مذهب، پیشینه قومی، تفاوت در شیوه زندگی و عادات و علانق فردی- اجتماعی؛ صرفنظر از جایگاه فرد در ساختارهای قدرت، مالکیت و مدیریت؛ ممانعت از اعمال هر گونه تبعیض علیه مردم، بدلیل موقعیت اقتصادی فرودست آنها؛ حق مردم به استفاده از سطح کیفی یکسان خدمات اجتماعی دولتی در محیط کار، نظام آموزشی، تندرستی، مسکن، امور فرهنگی و هنری.

۱-۳-۳، آزادی داشتن نظر، عقیده، و حق بیان آزادانه آن، پیرامون همه موضوعاتی که به فرد و جامعه مربوط میگردد. حق انتقاد از افراد، نظرات، مذاهب و مؤسسات؛ حق اعتراض به دولت و شرایط حاکم؛ عدم باور به مذهب و بی اعتنایی به سمبلهای ترور و وحشت؛ نظیر خدا و شیطان و پیغمبر؛ حق نقد خانواده و مناسبات زن و مرد، مالکیت خصوصی، نظام اقتصادی- اجتماعی حاکم، قانون اساسی و دولت؛ حق انکار تقدس تاریخ، سرزمین و کشور، و برخورد متکی بر عقلانیت و دانش در این زمینه ها.

۱-۴-۳، حق فعالیت سیاسی، فرهنگی، صنفی؛ حق تشکل، تجمع، تحصن، اعتصاب و تظاهرات، بمنظور دستیابی به اهداف سیاسی، صنفی، اجتماعی و یا فردی و مصون از کنترل؛ حق دفاع از خود در صورت تهاجم پلیس و وابستگان دولت، به تجمعات و مبارزات سیاسی و صنفی مردم.

۱-۵-۳، حق شرکت فردی و مستقیم در تصمیم گیریهای محیط کار، خانواده، آموزش و جامعه؛ حق رأی مستقیم، مخفی و همگانی از سن ۱۶ سالگی برای همه شهروندان؛ مستقل از جنسیت، گرایشهای سیاسی، خانواده گی و ویژه گیهای جمعیتی (زبان، مذهب، محل و منطقه تولد یا سکونت)؛ حق دفاع از حقوق خود بمناباه اقلیت در قبال اکثریت.

۱-۶-۳، حق توده های تحت ستم به توسل به انقلاب، و یا تعرضات موضعی علیه قدرت دولتی، که به پاسدار شرایط غیرانسانی و یا نابرابری حقوقی در جامعه، مبدل گردد. حق پیشروترین نیروها در جامعه، طبقه کارگر و زنان، بنا به نقش آنان در تولید نیازهای زندگی و تضمین بقا نوع انسان، به برچیدن مستمر بقایای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی نظامات کهن و بازسازی مداوم شرایط اجتماعی، منطبق بر نیازهای جهان آینده؛ حق همه مردم به ایفای نقش در این پروسه، و ممانعت از ظهور محدودیت برای حقوق فردی- اجتماعی شهروندان، ناشی از تحولات ساختاری.

۱-۷-۳، حق زندگی بدون ترس و تهدید، مصونیت از هر گونه تعرض جسمی و روحی در محیط خانواده، آموزش، کار و جامعه؛ حق زندگی در شرایط صلح و عدم شرکت در جنگ.

۳-۱-۸، حق شهروندان به انتخاب آزادانه شریک زندگی و یا جدایی؛ حق تحصیل، انتخاب شغل، مناسبات فردی و اجتماعی، انتخاب پوشش؛ حق شهروندان به ابراز تمایل جنسی خود به همجنسان و زندگی بدون تحمل تبعیض و تحقیر با تمایل خود؛ ممنوعیت هر اقدام ناشی از باورهای سنتی و دیکتاتورمنشانه علیه شهروندان، که به موقعیت جنسی، جسمی، ظاهری و شرایط اجتماعی شهروندان مربوط گردد.

۳-۱-۹، حق کودکان و نوجوانان، به زندگی و رشد در یک محیط خانواده گی بدون فقر و تحقیر و ترس و سرکوب.

۳-۱-۱۰، مصونیت حوزه زندگی خصوصی و اطلاعات شخصی مردم، از تعرض، کنترل و شنود دستگاههای دولتی؛ مصونیت فرد از تعقیب و مراقبت بدون مجوز قانونی مشخص؛ حق شهروندان به آگاهی از اطلاعات مراجع دولتی از آنها.

۳-۱-۱۱، حق کار، تندرستی و مسکن، امنیت شغلی، آموزش حرفه ای و تأمین اجتماعی؛ دسترسی به فضا و شرایط کار انسانی؛ حق تغذیه ضروری و سالم، و بهبود مداوم تواناییهای جسمی و روحی. همه شهروندان، از امکانات بیمه درمانی کامل، مستقل از موقعیت سنی و شغلی، برخوردار خواهند بود.

۳-۱-۱۲، حق مسافرت آزادانه؛ حق معاشرت و روابط اجتماعی بدون محدودیت؛ ممنوعیت هر شکلی از جداسازی جنسی و یا نظیر آن؛ حق تأمین نیازهای جنسی، احساسی و عاطفی بشیوه انسانی؛ حق ابراز وجود هنری؛ حق استراحت و تفریح کافی.

۳-۱-۱۳، حق شهروندان به مطالعه و شناخت آزادانه مسائل، اطلاع از امور، آگاهی و کسب خبر، پیرامون همه جنبه های زندگی سیاسی- اجتماعی؛ ممنوعیت کنترل، تفتیش عقاید و سانسور؛ حق استفاده آزادانه از مدرن ترین وسایل ارتباطی و اطلاع رسانی، بدون کنترل دولتی.

۳-۱-۱۴، حق مردم به اطلاع از کلیه توافقات و قراردادهای دستگاههای دولتی با افراد، مؤسسات و دولتها؛ حق مردم به بازخواست از هر فرد، مؤسسه دولتی و یا غیر دولتی.

۳-۱-۱۵، ممنوعیت تحقیر انسانها، بدلائل وابستگی به جنسیت و تمایل جنسی خاص، زبان و ملیت غیرایرانی، وابستگی به روستا و سنتهای محلی، نوع تغذیه و پوشش خاص؛ ممنوعیت تحقیر مردم بدلیل وجود آسیبهای جسمی، ذهنی، بیماری، فقر و نظایر آن؛ ممنوعیت بکارگیری عناوین تبعیض آمیز در رسانه های گروهی، کتب آموزشی و اسناد دولتی.

۳-۱-۱۶، ممنوعیت درج علانق سیاسی، مذهبی، زبان مادری و ویژه گیهای جمعیتی در اسناد شناسایی رسمی؛ تعیین یک مکانیزم علمی- دموکراتیک، بمنظور جمع آوری اطلاعاتی اجتماعی از این نوع، برای هدفهای خاص پژوهشی- علمی؛ ممنوعیت هر شکلی از کاربرد این اطلاعات، در تبلیغات سیاسی احزاب و نهادهای مشابه.

۳-۱-۱۷، حق برخورداری از محیط زیست سالم، و این یعنی پاکیزه گی هوا، خاک و آب، تضمین ادامه حیات طبیعی همه اشکال متنوع زندگی.

۳-۱-۱۸، حق زندگی در یک جهان عادلانه و صلح آمیز، بدون سلطه گری و تجاوز نظامی؛ حق شهروندان به حفظ کره زمین و شرایط زندگی انسانها، گیاهان و حیوانات.

۴- شیوه برخورد به بازار دلالتی اسلامی و مذهب حاکم

- ۴-۱- قطعنامه پیرامون: اعلام انزجار از عملکرد فوق ارتجاعی ...
- ۴-۱-۱- این جریان فوق ارتجاعی، نه فقط نیروی اصلی در تأسیس رژیم ...
- ۴-۲- قطعنامه پیرامون: رابطه دولت و مذهب در نظام دموکراتیک-
 - ۴-۲-۱- جدایی دین از دولت و سیستم آموزشی، از محیط کار و ...
 - ۴-۲-۲- آزادی عدم اعتقاد و یا اعتقاد به مذهب بمثابه یک باور شخصی، ...
 - ۴-۳- قطعنامه پیرامون: جایگزینی فوری تمام قوانین اسلامی ...
 - ۴-۳-۱- ممنوعیت حضور کودکان و جوانان کمتر از ۱۶ سال ...
 - ۴-۳-۲- قطع هرگونه کمک دولتی به دسته جات مذهبی، ...
 - ۴-۳-۳- حذف همه مطالب، اشارات مذهبی و خرافی، از متون آموزشی ...
 - ۴-۳-۴- عدم به رسمیت شناسی هویت مذهبی برای افراد ...
 - ۴-۴- قطعنامه پیرامون: اعلام گروههای مذهبی، بمثابه مؤسسات ...
 - ۴-۴-۱- تملک کلیه مسجدها، " زیارتگاهها " و مراکز آموزشی ...
 - ۴-۴-۲- تملک همه نهادها و مؤسسات اقتصادی- مالی متعلق ...
 - ۴-۴-۳- برچیدن شغل " آخوند " اسلامی برای وابستگان به مذهب حاکم، ...
 - ۴-۵- قطعنامه پیرامون: الغاء عنوان مذهبی و شغل " مرجع تقلید"، ...
 - ۴-۵-۱- عدم دخالت عناصر وابسته به مذاهب در امور عقد و ...
 - ۴-۵-۲- ممنوعیت استفاده از آخوند اسلامی، برای برگزاری ...
 - ۴-۵-۳- غیر قانونی بودن استفاده از اصطلاحات و علائم مذهبی ...
 - ۴-۵-۴- حذف عناوین مذهبی از اسناد دولتی و رسانه های گروهی، ...
 - ۴-۵-۵- اعلام عوامفریبی مذهبی بمثابه یک جرم؛ ممنوعیت تشویق ...
 - ۴-۶- قطعنامه پیرامون: ممنوعیت انتشار و ترویج آثار ضد دموکراتیک ...
 - ۴-۶-۱- بررسی محتوا و شکل تبلیغات مذهبی، از سوی شورایی ...
 - ۴-۶-۲- تغییر کامل محتوای قرآن و سایر کتب ارتجاعی- مذهبی ...
 - ۴-۶-۳- الزام نماینده گان همه مذاهب به انجام رفرمهای بنیادی ...
 - ۴-۶-۴- در صورت رفرم کامل مذهب در محتوا و ساختارهای ...
 - ۴-۷- قطعنامه پیرامون: ممنوعیت همه اشکال ارتجاعی ...
 - ۴-۷-۱- جایگزینی این اقدامات سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک، ...
 - ۴-۷-۲- ممنوعیت تشکیل هیئتهای مذهبی عزاداری و سینه زنی، ...
 - ۴-۷-۳- الغاء هر گونه مراسم و اقدامات مذهبی، تحت عنوان ...
 - ۴-۷-۴- ممنوعیت مطلق کشاندن کودکان و نوجوانان به مراسمهای ارباب ...
 - ۴-۷-۵- الغاء فوری هرگونه مقرراتی که مذهب ارتجاعی ...
 - ۴-۷-۶- لغو تعطیلات اسلامی و جایگزینی آنها با تعطیلات ...
 - ۴-۷-۷- حذف فوری همه اعلام و نامهای مذهبی برای خیابانها، ...
 - ۴-۷-۸- ممنوعیت بکارگیری علائم و پوشش مذهبی ...
 - ۴-۷-۹- انحلال فوری نظام " صدقه "، راهزنی علنی تحت عنوان جمع آوری ...
 - ۴-۷-۱۰- ادغام همه پرداختها و ارائه کمک به افراد ...
 - ۴-۸- قطعنامه پیرامون: قطع هرگونه کمک مالی به دسته جات مذهبی، ...
 - ۴-۸-۱- حق مردم ایران به بازپس گرفتن کامل وامها ...
 - ۴-۸-۲- حق مردم ایران به مطالبه خساراتی نظیر بهره بانکی ...
 - ۴-۹- قطعنامه پیرامون: جدایی مبدأ تاریخ کشور از قدرت گیری ...
 - ۴-۹-۱- انطباق مبدأ تاریخ کشور، با تاریخ عمومی تکامل بشری.
 - ۴-۱۰- قطعنامه پیرامون: تأسیس خانه های شهروندان ...
 - ۴-۱۰-۱- خانه های شهروندان باید به مراکز تجمع، ...
 - ۴-۱۰-۲- این مراکز همچنین، به گسترش مناسبات دموکراتیک- شهروندی ...

۴-۱- قطعنامه پیرامون: اعلام انزجار از عملکرد ضد بشری طبقه سرمایه دار ایران، بویژه جناح بازار دلالتی اسلامی؛ بنا بر انبوهی از شواهد غیر قابل انکار.

۱-۴، این جریان فوق ارتجاعی، نه فقط نیروی اصلی در تأسیس رژیم اسلامی، و از طریق جریانات ملی- اسلامی خود، مسئولیت تجهیز آخوندهای خون آشام به امکانات دستگاه دولتی را بعهده دارد، بلکه اعضاء آن، عامل بسیار فعال و افراطی در کشتارهای مخالفین سیاسی و شروع و ادامه جنگ ارتجاعی نیز، محسوب میگردند.

اکثریت بازاریان اسلامی، از ادامه جنگ بمدت ۸ سال، کشتار یک میلیون نفر از مردم ایران و عراق، نابودی بنیه اقتصادی کشور و تحمیل فقر هولناک بر مردم حمایت نموده، انبوه انبوه سرمایه اندوختند. دلالتان بزرگ بازار، بمتابه یک نیروی اجتماعی بشدت ضددموکراتیک، در کنار اصلاح طلبان امروزی، مسئولیت مستقیم آغاز ترور فاشیستی از سال ۶۰ را، در پرونده جنایات خود، به ثبت رسانده اند.

بخش اعظم دستگاه آدم کشی رژیم اسلامی، نظیر قضات دادگاهها، دادستانها، شکنجه گران و بازجویان، زندانبانان، تیرخلاص زنان و تیمهای تیرباران زندانیان، جنایتکاران خیابانی موسوم به " لباس شخصی ها "، مسنولین و فرماندهان نیروهای حافظ رژیم، سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی آن، از این بازوی فاشیستی طبقه سرمایه دار و آخوندهای اجیر شده آن، تشکیل شده است. هر جنایتکاری در رژیم اسلامی، بازاری، دلال، حاجی و آقازاده، یا برخاسته از این محیط انگلی اسلامی بوده، و یا مستقیماً از طریق بازاریان بزرگ، تشویق و تغذیه مالی میشده است.

جامعه ایران قادر نیست، وجود و عملکرد این نیروی فوق ارتجاعی، پرچمدار درنده خویی بورژوازی ایران در دوره اخیر، مسلح به ضد انسانی ترین عادات دوران توحش را، تحمل کند. سیاستهای اقتصادی و فرهنگی رادیکال دموکراتیک، باید هر چه زودتر به جراحی این دمل خون و کثافت، و محیط بازتولید نکبت اسلامی- فاشیستی از جامعه ایران، منجر گردد.

غلبه روحیات بازاریان بزرگ بر فرهنگ اجتماعی روزمره، نه فقط پشتوانه اینهمه خسارت به جامعه، بلکه عامل مهمی در تهی ساختن سازمانهای سیاسی، از منش اومانیستی نسل پیشینار گذشته نیز، محسوب میگردد. این نشان میدهد، نفوذ روحیات ارتجاعی بازاریان و آخوندها در جامعه، تا چه میزان ریشه دار بوده، و تا چه حد در تضعیف ظرفیتهای مبارزاتی مردم، حتی در سازمانهای مبارز، تأثیر گذارده است.

عناصر سرکوبگر لانه کرده در محیط اپوزیسیون، حامل کاراکتری ارتجاعی و در اولین فرصت ابراز قدرت، نشان میدهند، بیشترین نزدیکی رفتاری را، به این نیروی تبهکار دارند. از این نظر نیز، هر تحول فرهنگی- سیاسی جدی در جامعه ایران، به نابودی کامل نقش اقتصادی- فرهنگی بازار دلالی اسلامی و " حوزه های علمیه " آن، پیوند خورده است. ریاکاری، عوامفریبی، تظاهر و دروغ و تقلب و توطئه گری، سرکوبگری نهادی و ارضاء نیازهای سادیستی به شیوه بربرمنشانه، نباید اینهمه میدان عرض اندام و تخریب، کسب کند. جمهوری شورایی در ایران، نظام دلالی کنونی را بمتابه یک حوزه اقتصادی مولد، به رسمیت نخواهد شناخت.

۲-۴، قطعنامه پیرامون: رابطه دولت و مذهب در نظام دموکراتیک- شورایی.

۱-۲-۴، جدایی دین از دولت و سیستم آموزشی، از محیط کار، تعلیم و تربیت در خانواده و محیط اجتماعی.

۲-۲-۴، آزادی عدم اعتقاد و یا اعتقاد به مذهب بمتابه یک باور شخصی، و حق تبلیغات ضد مذهبی.

۴-۳، قطعنامه پیرامون: جایگزینی فوری تمام قوانین اسلامی با قوانین دموکراتیک؛ با بکارگیری همه ظرفیت تخصصی- حقوقی در کشور و شهروندان مقیم خارج، این قوانین باید طی ۴۸ ساعت پس از سرنگونی رژیم اسلامی، تغییر کرده، تا تصویب نهایی آنها، مبنای نظامات حقوقی در کشور قرار گیرند. سرعت در انجام این اقدام، از این جهت ضروری است، که فرصت را از جریان‌ات ارتجاعی و یا غیر مسنول، برای سوء استفاده از خلأ ناشی از الغاء فوری قوانین اسلامی، سلب میکند.

۴-۳-۱، ممنوعیت حضور کودکان و جوانان کمتر از ۱۶ سال در مراسمهای مذهبی.

۴-۳-۲، قطع هرگونه کمک دولتی به دسته جات مذهبی، مراسمها، اماکن تحقیق و آموزش عبودیت، بردگی و خشونت.

۴-۳-۳، حذف همه مطالب، اشارات مذهبی و خرافی، از متون آموزشی در کشور.

۴-۳-۴، عدم به رسمیت شناسی هویت مذهبی برای افراد در اسناد دولتی؛ از آنجا که این، نافی پایبندی فرد به حقوق شهروندی است: بنا بر تجارب انکار ناپذیر، باور حقیقی به مذهب و عمل به دستورات آن، فرد را فاقد توانایی کسب هویت شهروندی، و احترام به حقوق فردی و اجتماعی دیگران میسازد.

۴-۴، قطعنامه پیرامون: اعلام گروههای مذهبی، بمنابیه مؤسسات انتفاعی بخش خصوصی، و لزوم تبعیت آنها از قوانین عمومی کشور؛ نظیر قوانین مالیات و دارایی، قانون کار، قوانین خانواده و کودک؛ الزام به پاسخگویی و گزارش به جامعه، علنی بودن ساختارهای اداری- آموزشی و مالی مؤسسات مذهبی؛ حق کارکنان این شرکتها به داشتن تشکلهای صنفی، نظیر سندیکا و اتحادیه.

۴-۴-۱، تملک کلیه مسجدها، " زیارتگاهها " و مراکز آموزشی متعلق به مذهب حاکم (شیعه)، و سپردن مالکیت آنها به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی؛ تعیین شیوه برخورد به آنها، بر اساس نیازهای توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور.

۴-۴-۲، تملک همه نهادها و مؤسسات اقتصادی- مالی (بنیادها، کمیته ها ...) متعلق به مذهب حاکم، توسط نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۴-۴-۳، برچیدن شغل " آخوند " اسلامی برای وابستگان به مذهب حاکم، و انطباق آن برای مسئولین مذاهب دیگر با محتوای دروس دانشگاهی در این زمینه؛ انحلال کلیه مراکز تربیت جنایتکاران مذهب حاکم در رژیم اسلامی؛ انحلال کلیه مراکز سنتی آموزش مذهبی، و تحصیل و تدریس مذهب تنها بمنابیه رشته ای دانشگاهی.

۴-۵، قطعنامه پیرامون: الغاء عنوان مذهبی و شغل " مرجع تقلید"، بمنابیه موقعیتی تماماً ضد دموکراتیک، بازمانده از دوران برده داری و تجسم برده سازی مجدد انسان آزاد؛ فرهنگ " تقلید مذهبی" و اطاعت از " مرجع تقلید"، یکی از پایه های فرهنگی اصلی در عقب مانده گی جامعه ایران، و از عوامل زمینه ساز در استقرار رژیم ترور اسلامی، محسوب میگردد. ممنوعیت انتشار و ترویج آثار ارتجاعی، تحت عنوان " رساله"، از سوی چنین مرتجعینی.

۴-۵-۱، عدم دخالت عناصر وابسته به مذاهب در امور عقد و ازدواج و طلاق، و یا مسافرتهاى مذهبی به کشورهای دیگر؛ انجام همه مراحل این امور، بر اساس موازین قوانین عمومی، و نظارت و مدیریت سازمانهای دولتی و خصوصی غیر مذهبی.

۴-۵-۲، ممنوعیت استفاده از آخوند اسلامی، برای برگزاری مراسمهای مربوط به مرگ و یادبود؛ جدایی این مراسمها از موقعیت مذهب اسلام و کسب و کار نماینده گان ارتجاعی آن؛ برگزاری مراسمهای مرگ و یادبود، بمثابه یک حرفه فرهنگی- اجتماعی به رسمیت شناخته شده، و از کنترل دستگاه ارتجاعی مذهب، خارج میشود.

۴-۵-۳، غیر قانونی بودن استفاده از اصطلاحات و علائم مذهبی در ادبیات تبلیغی، نشریات و برنامه سازمانهای سیاسی؛ ممنوعیت موضع گیریهای علنی احزاب و یا رسانه های گروهی بنفع مذاهب، و یا عوامفریبان و سلطه گران مذهبی دوره های سپری شده.

۴-۵-۴، حذف عناوین مذهبی از اسناد دولتی و رسانه های گروهی دولتی، نظیر: آیت الله، حجت الاسلام، شیخ، طلبه، سید، حاج، حاجی، مشهدی، کربلانی و نظایر آن؛ این عناوین فاقد جوهر دموکراتیک بوده، آشکارا مروج نابرابری حقوقی، نژادپرستی و تبعیض میان مردم هستند.

۴-۵-۵، اعلام عوامفریبی مذهبی بمثابه یک جرم؛ ممنوعیت تشویق تمایلات بدوی در انسانها، در رجوع به اشکال غیرانسانی مناسبات اجتماعی گذشته؛ ممنوعیت ترویج روحيات سرکوبگرانه و عادات لمپنی- اسلامی، از طریق رسانه های گروهی.

۴-۶، قطعهنامه پیرامون: ممنوعیت انتشار و ترویج آثار ضد دموکراتیک نظیر کتب مذهبی، در محتوا و شکل کنونی آنها.

۴-۶-۱، بررسی محتوا و شکل تبلیغات مذهبی، از سوی شورایی متشکل از دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی، جهت انطباق آنها با توسعه دانش بشری، و حذف همه جنبه های خرافی و ضد دموکراتیک از چنین تبلیغاتی.

۴-۶-۲، تغییر کامل محتوای قرآن و سایر کتب ارتجاعی- مذهبی نظیر آن، متناسب به شیوخ سلطه گر عصر بدویت؛ محتوای این کتب، باید بطور کامل با الزامات احترام به حقوق شهروندی و شرایط قرن حاضر، تطبیق داده شوند.

۴-۶-۳، الزام نماینده گان همه مذاهب، به انجام رفرمهای بنیادی در ساختار فکری و اجتماعی مذهب در ایران؛ بدون قطعی شدن این پروسه، فعالیتهای بنگاههای وابسته به مذاهب در کشور، مجاز نخواهند بود.

۴-۶-۴، در صورت رفرم کامل مذهب در محتوا، ساختارهای اجتماعی و کارکرد آن، حق نماینده گان نهاد های دموکراتیک انجمنهای مذهبی، به تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به صنف خود، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت، برسمیت شناخته خواهد شد.

۴-۷، قطعهنامه پیرامون: ممنوعیت همه اشکال ارتجاعی، سرکوبگرانه و سادیستی قدرت نمایی لمپنی- اسلامی برای ارباب و تحقیر مردم و ارزشهای انسانی؛ نظیر مراسمهای سینه زنی، قمه زنی، تعزیه، کشتن حیوانات خارج از محیط صنعتی، بویژه در ملاء عام (" قربانی کردن ")، نماز جماعت، برپایی " تکیه " و راه انداختن " سفره " های اسلامی.

۴-۷-۱، جایگزینی این اقدامات سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک، با سمینارهای اطلاعاتی، مراسمها و جشنهای عمومی و خیابانی، روابط گسترده خانواده ها، مناسبات و جشنهای انجمنها و نهادهای صنفی- اجتماعی گروههای شغلی، سنی و فرهنگی متعدد.

۴-۷-۲، ممنوعیت تشکیل هیئتهای مذهبی عزاداری و سینه زنی، بمتابه اشکال سازمانی اولیه تأسیس رژیم ترور اسلامی در ایران (" هیئتهای مؤتلفه ").

۴-۷-۳، الغاء هر گونه مراسم و اقدامات مذهبی، تحت عنوان مراسمهای خیابانی ماههای محرم و رمضان.

۴-۷-۴، ممنوعیت مطلق کشاندن کودکان و نوجوانان به مراسمهای ارباب مذهبی.

۴-۷-۵، الغاء فوری هرگونه مقرراتی که مذهب ارتجاعی حاکم برای پوشش، خوراک و آشامیدن شهروندان وضع نموده و عمل به آنها را، در مناسبتها، روزها و یا ماههای معینی، اجباری ساخته است.

۴-۷-۶، لغو تعطیلات اسلامی و جایگزینی آنها با تعطیلات ناشی از مناسبتها مربوط به جامعه مدرن، ملی و بین المللی.

۴-۷-۷، حذف فوری همه اعلام و نامه‌های مذهبی برای خیابانها، میدین و اماکن عمومی؛ جایگزینی آنها با عناوین مشوق کار و تلاش، فرهنگ و هنر، و همبستگی شهروندی میان مردم.

۴-۷-۸، ممنوعیت بکارگیری علانم و پوشش مذهبی در ملاء عام برای نماینده گان مذهب حاکم؛ در عین احترام به حق شهروندان، در انتخاب پوشش دلخواه خود.

۴-۷-۹، انحلال فوری نظام " صدقه "، و راهزنی علنی تحت عنوان جمع آوری " سهم امام " و نظایر آن؛ روش صدقه، نفی حقوق شهروند مستقل و آزاده، و تبدیل او به موجودی شایسته ترحم را بازتاب داده، با بدیهیات حقوق شهروندی، مغایرت دارد.

۴-۷-۱۰، ادغام همه پرداختها و ارائه کمک به افراد، در سیستم مالیاتها و کمکهای اجتماعی همگانی؛ قطع نفوذ عناصر و دسته جات مذهبی از این امور.

۴-۸، قطع هرگونه کمک مالی به دسته جات مذهبی، احزاب، نهادها و رژیمهای ارتجاعی در جهان.

۴-۸-۱، حق مردم ایران به بازپس گرفتن کامل وامها و کمکهای بلاعوض، که از سوی رژیم اسلامی و نهادهای مذهبی- اقتصادی آن، به احزاب و یا دولت‌های خارجی، که به این منظور پرداخت شده است.

۴-۸-۲، حق مردم ایران به مطالبه خساراتی نظیر بهره بانکی و یا جبران مالی صدمات مالی و جانی، ناشی از دریافت و هزینه کمکهای فوق، از سوی این گروهها و دولت‌ها.

۴-۹، قطعنامه پیرامون: جدایی مبدأ تاریخ کشور از قدرت گیری محمد تاجر در مکه (قرن هفتم میلادی)، و جنگهای تجاوزکارانه و غارتگرانه او برای تأسیس حکومت اسلامی.

۴-۹-۱، انطباق مبدأ تاریخ کشور، با تاریخ تکامل عمومی بشری؛ تقویم بین المللی و تقویم ملی، همواره در کنار یکدیگر ذکر میگردند.

۴-۱۰، قطعنامه پیرامون: تأسیس گسترده خانه های شهروندان، در همه شهرها و روستاهای کشور؛ استفاده از امکانات دولتی، اجتماعی، مردمی و کمکهای کارشناسان و علاقمندان، در این زمینه.

۴-۱۰-۱، خانه های شهروندان باید به مراکز تجمع، اظهار نظر آزاد، اطلاع از مسائل کشور و جهان مبدل شده، جایگزین نهادهای سرکوب و تحمیق، نظیر مسجدها و امامزاده های مذهبی گردند.

۴-۱۰-۲، این مراکز همچنین، به گسترش مناسبات دموکراتیک- شهروندی در جامعه دامن زده، همبستگی میان مردم ایران را تحکیم ساخته، بر فضای ترس و تهدید و گریز از جمع، و بی اعتمادی ناشی از سلطه رژیمهای سرکوبگر، غلبه خواهد نمود.

۵- انحلال دستگاههای سرکوب

۵-۱، قطعنامه پیرامون: انحلال فوری ارگانهای سرکوب اسلامی،...

۵-۱-۱، لغو همه درجات و موقعیتهای نظامی کسب شده، ...

۵-۱-۲، اموال و داراییهای متعلق به این نهادها، تحت مسئولیت ...

۵-۱-۳، اعلام بی اعتباری همه احکام اعدام صادر شده ...

۵-۱-۴، اعلام بی اعتباری همه احکام بازداشت صادر ...

۵-۲، قطعنامه پیرامون برچیدن فوری دسته جات ...

۵-۲-۱، تعیین موازین و مقررات حفاظت در مراکز کار، ...

۵-۳، قطعنامه پیرامون: انحلال ارتش رژیم اسلامی و تشکیل ارتش ...

۵-۳-۱، لغو درجات نظامی اعطا شده در سطح فرماندهی به افسران ...

۵-۴، قطعنامه پیرامون: انحلال نیروی انتظامی رژیم اسلامی ...

۵-۵، قطعنامه پیرامون: انحلال واحدهای امنیت و اطلاعات داخلی ...

۵-۶، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به مجازات جنایتکاران ...

۵-۱، قطعنامه پیرامون: انحلال فوری ارگانهای سرکوب اسلامی، نظیر سپاه پاسداران، نیروی بسیج، دادگاههای انقلاب اسلامی.

۵-۱-۱، لغو همه درجات و موقعیتهای نظامی کسب شده، برای پرسنل شاغل در نیروهای مسلح اسلامی، و عدم محاسبه آن در دریافت حقوق دوران بازنشستگی.

۵-۱-۲، اموال و داراییهای متعلق به این نهادها، تحت مسئولیت ارگانی منتخب کنگره شوراها و مجلس شورای ملی قرار گرفته، در اولین فرصت، به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، واگذار میگردند.

۵-۱-۳، اعلام بی اعتباری همه احکام اعدام صادر شده در رژیم ترور اسلامی، و آغاز بررسی همه موارد فوق بر اساس موازین دموکراتیک.

۵-۱-۴، اعلام بی اعتباری همه احکام بازداشت صادر و اجرا شده بدلائل سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، جنسی و نظایر آن از سوی ارگانهای سرکوب رژیم اسلامی، و آغاز بررسی همه موارد فوق بر اساس موازین دموکراتیک.

۵-۲، قطعنامه پیرامون برچیدن فوری دسته جات سرکوب اسلامی از کارخانجات، ادارات و محلات.

۵-۲-۱، تعیین موازین و مقررات حفاظت در مراکز کار، آموزش و سکونت، از طریق تشکلهای مستقل مردم.

۵-۳، قطعنامه پیرامون: انحلال ارتش رژیم اسلامی و تشکیل ارتش ملی خلق ایران؛ داراییها و اموال ارتش رژیم اسلامی، فوراً به ارتش ملی خلق ایران، منتقل میگردند.

۵-۳-۱، لغو درجات نظامی اعطا شده در سطح فرماندهی، بررسی تمامی موارد فوق، وعدم محاسبه آن در دریافت حقوق دوران بازنشستگی.

۵-۴، قطعنامه پیرامون: انحلال نیروی انتظامی رژیم اسلامی و تشکیل نهاد امنیت شهروندان؛ داراییها و اموال نیروی انتظامی رژیم اسلامی، فوراً به نهاد امنیت شهروندان، منتقل میگردند. لغو درجات نظامی اعطا شده در کلیه سطوح، وعدم محاسبه آن در دریافت حقوق دوران بازنشستگی.

۵-۵، قطعنامه پیرامون: انحلال واحدهای امنیت و اطلاعات داخلی، و تشکیل نهاد حفاظت کشور؛ داراییها و اموال واحدهای امنیت و اطلاعات داخلی، به نهاد حفاظت کشور، منتقل میگردند.

۵-۶، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به مجازات جنایتکاران و نقض کننده گان حقوق شهروندان، در ارگانههای سرکوب منحل شده.

۶- آزادی بیان و حق آگاهی از اطلاعات و نظرات

- ۶-۱، قطعنامه پیرامون: تضمین حق آزادی بیان و آزادی رسانه های ...
- ۶-۱-۱، لغو سانسور و ایجاد بیشترین امکانات، برای توسعه رسانه های ...
- ۶-۱-۲، اقدام به سانسور اطلاعات و نظرات، شکلی از اعمال تبعیض، ...
- ۶-۱-۳، الزام رسانه های عمومی (دولتی کنونی)، احزاب سیاسی ...
- ۶-۱-۴، توسل به سانسور، این ابزار سلطه گری رژیمهای ترور ...
- ۶-۱-۵، ممنوعیت سانسور اطلاعات و نظرات در چهارچوب اصول اعلام شده ...
- ۶-۱-۶، ممنوعیت سانسور اطلاعات و نظرات، در چهارچوب اصول ...
- ۶-۱-۷، ممنوعیت برخورد دلبخواهی به اصول اعلام شده خود، ...
- ۶-۱-۸، شرط مهم در انتخاب مدیران رسانه های عمومی ...
- ۶-۱-۹، شرط تأسیس هر رسانه ای برای بخش خصوصی، ...
- ۶-۱-۱۰، عدم برسمیت شناسی صلاحیت سیاسی- فرهنگی، ...
- ۶-۲، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به کارکنان ...
- ۶-۳، قطعنامه پیرامون: حق تأسیس روزنامه، دایر کردن کانالهای تلویزیونی ...
- ۶-۳-۱، ارائه کمکهای دولتی به هر رسانه ای، که به نحوی ...
- ۶-۴، قطعنامه پیرامون: کمکهای دولتی و بکارگیری تواناییهای ...
- ۶-۵، قطعنامه پیرامون: تشویق هنرمندان و نویسندگان به انتخاب ...

- ۶-۵-۱، تشویق هنرمندان و نویسندگان به عین ساختن محتوای ...
- ۶-۶، قطعنامه پیرامون: توسعه وسیع استفاده از اینترنت و تبدیل آن ...
- ۶-۷، قطعنامه پیرامون: همکاری تنگاتنگ ارگانهای دولتی، ...
- ۶-۸، قطعنامه پیرامون: عمومیت بخشیدن به فرهنگ مطالعه، ...
- ۶-۹، قطعنامه پیرامون: تأسیس هر چه بیشتر کتابخانه های عمومی ...
- ۶-۱۰، قطعنامه پیرامون: ترویج خلاقیت های فرهنگی- هنری در مدارس، ...
- ۶-۱۱، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت تبلیغات نژادپرستانه، ناسیونالیستی ..
- ۶-۱۲، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت تبلیغات و اشارات تحقیرآمیز ...

۶-۱، قطعنامه پیرامون: تضمین حق آزادی بیان و آزادی رسانه های گروهی.

- ۶-۱-۱، لغو سانسور و ایجاد بیشترین امکانات، برای توسعه رسانه های همگانی.
- ۶-۱-۲، اقدام به سانسور اطلاعات و نظرات، شکلی از اعمال تبعیض، نقض برابر حقوقی شهروندان، خصومت ورزی با توسعه سیاسی- فرهنگی کشور، و ضدیت با تکامل اقتصادی- اجتماعی جامعه، محسوب میگردد.
- ۶-۱-۳، الزام رسانه های عمومی (دولتی کنونی)، احزاب سیاسی و یا متعلق به افراد و بخش خصوصی، به درج دائم خط و مشی و چهارچوب رسمی مواضع خود، برای انعکاس اخبار و نظرات؛ چهارچوب اعلام شده یک رسانه، باید برای همگان و بساده گی، قابل تشخیص باشد.
- ۶-۱-۴، توسل به سانسور، این ابزار سلطه گری رژیم های ترور در ایران، برخلاف چهارچوب اعلام شده یک رسانه، جرم محسوب شده، با مجازات پاسخ خواهد گرفت.
- ۶-۱-۵، ممنوعیت سانسور اطلاعات و نظرات، در چهارچوب اصول اعلام شده، در رسانه های عمومی (دولتی کنونی)؛ حق شهروندان به کسب کاملترین اطلاعات از همه امور و رویدادهای اجتماعی، از رسانه های عمومی.
- ۶-۱-۶، ممنوعیت سانسور اطلاعات و نظرات، در چهارچوب اصول اعلام شده رسانه های بخش خصوصی، رسانه های مؤسسات اجتماعی و یا احزاب سیاسی.
- ۶-۱-۷، ممنوعیت برخورد دلبخواهی به اصول اعلام شده خود، از سوی یک رسانه؛ حق شهروندان به شکایت قانونی، به هر مورد نقض این چهارچوب از سوی رسانه ها.
- ۶-۱-۸، شرط مهم در انتخاب مدیران رسانه های عمومی (دولتی کنونی)، میزان پایبندی آنها به امر گسترش اطلاعات و نظرات، و مرزبندی آنها با سیاست سانسور در رسانه های عمومی، متعلق به افراد، مؤسسات و احزاب سیاسی است. از این طریق، تبدیل رسانه های عمومی (دولتی کنونی)، به الگویی از بکارگیری دموکراتیک ابزارهای رشد آگاهی، و ایجاد بیشترین امکان برای توسعه اقتصادی- اجتماعی.
- ۶-۱-۹، شرط تأسیس هر رسانه ای برای بخش خصوصی، احزاب و افراد، ارائه تعهد و تضمین کافی و اثبات صلاحیت سیاسی- اخلاقی، مبنی بر خودداری از سانسور اطلاعات و نظرات، در چهارچوب اصول اعلام شده هر رسانه.
- ۶-۱-۱۰، عدم برسمیت شناسی صلاحیت سیاسی- فرهنگی، بمنظور کسب مشاغل دولتی برای افرادی که در موقعیت سیاستگذاری و اجرایی در یک رسانه و یا حزب سیاسی، به روش ارتجاعی سانسور و تبعیض و نقض اصل برابر حقوقی شهروندان، متوسل شده اند.

۶-۲، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به کارکنان فکری، از طریق سازمانهای صنفی خود، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۶-۳، قطعنامه پیرامون: حق تأسیس روزنامه، دایر کردن کانالهای تلویزیونی و فرستنده های رادیویی برای همه شهروندان، با اهداف صنفی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، ورزشی و یا شخصی-تفریحی.

۶-۳-۱، ارائه کمکهای دولتی به هر رسانه ای، که به نحوی در توسعه سیاسی- فرهنگی و علمی - اقتصادی، در دامن زدن به فضای فکر، یادگیری و کار مولد، و تحکیم پایه های دموکراسی، نقشی مثبت ایفا نماید.

۶-۴، قطعنامه پیرامون: کمکهای دولتی و بکارگیری تواناییهای روشنفکران و فعالین سیاسی برای تأسیس سریع روزنامه ها، نشریات کارگاهی، محلی و سالنهای نمایش و سخنرانی در شهرهای کوچک و روستاهای کشور، با هدف تعمیم و تبلیغ ارزشهای دموکراتیک، و تسهیل توسعه اقتصادی سریع این مناطق.

۶-۵، قطعنامه پیرامون: تشویق هنرمندان و نویسندگان، به انتخاب موضوعات کار خود از شرایط جامعه و جهان کنونی، و گسستن از ادبیات، الگوها، سمبلها، عادات و روایات دورانهای سپری شده.

۶-۵-۱، تشویق هنرمندان و نویسندگان، به عجبین ساختن محتوای خلاقیتهای خود به کند و کاو در روایات و عادات شهروندان جامعه، از این طریق، شناخت هر چه بیشتر عوارض منفی سلطه رژیمهای ترور در ایران.

۶-۶، قطعنامه پیرامون: توسعه وسیع استفاده از اینترنت و تبدیل آن به یک وسیله ارتباطی توده ای؛ تعیین حدود و مرزهای رعایت مسائل اخلاقی، از طریق سازمانهای توده ای، نهادهای نویسنده گان، هنرمندان و مؤسسات غیر دولتی ذینفع.

۶-۷، قطعنامه پیرامون: همکاری تنگاتنگ ارگانهای دولتی، با نهادهای کارکنان فکری، نظیر کانون نویسنده گان، انجمن روزنامه نگاران، نویسندگان در محیط اینترنت و کارکنان مؤسسات رادیو و تلویزیون، و نهادهای صنفی کارشناسان، دانشگاهیان و پژوهشگران.

۶-۸، قطعنامه پیرامون: عمومیت بخشیدن به فرهنگ مطالعه، و تشویق آن در مدارس، دانشگاهها و مراکز کار آموزی؛ تبدیل مطالعه و افزایش توانایی جذب تولیدات فرهنگی به یک ماده تحصیلی، در مراکز آموزشی کشور.

۶-۹، قطعنامه پیرامون: تأسیس هر چه بیشتر کتابخانه های عمومی و مراکز نمایشهای هنری؛ دامن زدن به روحیه خلاقیتهای فرهنگی و گسترش نمایشگاههای کتاب، مطبوعات، فیلم و تأثیر در شهرها و روستاهای کشور.

۱۰-۶، قطعهنامه پیرامون: ترویج خلاقیت‌های فرهنگی- هنری در مدارس، با هدف شناخت و گسترش توانایی‌های فکری دانش آموزان، و تربیت آگاهانه نسل بعدی روشنفکران و هنرمندان جامعه.

۱۱-۶، قطعهنامه پیرامون: ممنوعیت تبلیغات نژادپرستانه، ناسیونالیسم قومی و مروج تبعیض میان شهروندان؛ جامعه ایران طی صد سال اخیر سلطه رژیم‌های جنایتکار، تحت شرایط تبلیغ فرهنگ ناسیونالیسم قومی " آریایی"، ناسیونالیسم قومی عربستان عهد بدویت (اسلامی) و اخیراً نیز عرض اندام محلی گرایی قومی افراطی، قرار داشته است. پایه مهم نظام آموزشی و توسعه فرهنگی کشور، مقابله با این پدیده‌های ضد دموکراتیک، و بازسازی فرهنگی جامعه، بر اساس درک و جذب ارزش‌های مدرن و دموکراتیک- شورایی است.

۱۲-۶، قطعهنامه پیرامون: ممنوعیت تبلیغات و اشارات تحقیرآمیز در رسانه‌های همگانی، بدلائیل وابستگی به جنسیت و گرایش جنسی معین؛ گروه‌بندی شهروندی (زبانی- محلی- مذهبی)؛ وابستگی به روستا و سنت‌های محلی؛ نوع تغذیه و پوشش خاص؛ ممنوعیت تحقیر مردم در رسانه‌ها و محیط هنر و ادبیات، بدلیل وجود آسیب‌های جسمی، ذهنی، بیماری، فقر مالی و موقعیت شغلی ساده، بیکاری، تفاوت‌های ظاهری، عنوان فردی، خانواده‌گی، عنوان محل تولد، شهر، کشور و نظایر آن؛ ممنوعیت بکارگیری عناوین تبعیض آمیز در رسانه‌های گروهی، کتب آموزشی و اسناد دولتی.

۷- آزادی تشکیل، فعالیت اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و احزاب

- ۱-۷، قطعهنامه پیرامون: آزادی تشکیل و فعالیت سازمان‌های سندیکایی ...
- ۲-۷، قطعهنامه پیرامون: آزادی تشکیل و فعالیت نهادهای شورایی ...
- ۳-۷، قطعهنامه پیرامون: آزادی فعالیت احزاب سیاسی؛ ...
- ۱-۳-۷، دولت با بکارگیری امکانات سیاسی و مادی، ...
- ۲-۳-۷، شرکت منظم، مؤثر و مداوم در فعالیتهای اتحادیه‌ای و حزبی، ...
- ۳-۳-۷، نظام دموکراتیک در عین حال از کلیه فعالیتهای ...
- ۴-۳-۷، تعداد اعضا و میزان آراء اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی ...
- ۵-۳-۷، سطح و کیفیت انتشارات، آگاهگری و تمرکز بر مسائل ...
- ۶-۳-۷، میزان رعایت حقوق افراد در مناسبات درونی یک اتحادیه ...

۱-۷، قطعهنامه پیرامون: آزادی تشکیل و فعالیت سازمان‌های سندیکایی و صنفی متعلق به اقشار، طبقات و گروه‌های شغلی گوناگون در محیط کار، آموزش و سطح جامعه؛ حمایت‌های مادی و قانونی، برای گسترش این نهادهای پایه‌ای جامعه دموکراتیک.

۲-۷، قطعهنامه پیرامون: آزادی تشکیل و فعالیت نهادهای شورایی، بمنابۀ ارگان‌های دخالت‌گری سیاسی توده‌های مردم؛ نظام دموکراتیک- شورایی، قبل از همه، به ابتکارات سیاسی شهروندان عضو شوراها و سایر سازمان‌های توده‌ای، متکی خواهد بود.

۷-۳، قطعنامه پیرامون: آزادی فعالیت احزاب سیاسی؛ تشکل حزبی همه طبقات اجتماعی، توسعه دموکراتیک جامعه را تضمین خواهد نمود. در یک جمهوری پیشرو، احزاب سیاسی و حق شهروندان برای فعالیت سیاسی، یک رکن اساسی نظام حفظ حقوق اجتماعی مردم، در برابر تعرض صاحبان قدرت و ثروت به جامعه را، تشکیل میدهد.

۷-۳-۱، دولت با بکارگیری امکانات سیاسی و مادی، تشکلهای صنفی و سیاسی در جامعه ایران را گسترش داده، اقشار و طبقات اجتماعی را به متشکل شدن در سازمانهای سیاسی و صنفی نزدیک بخود، تشویق خواهد نمود.

۷-۳-۲، شرکت منظم، مؤثر و مداوم در فعالیتهای اتحادیه ای و حزبی، یک بازدهی مولد محسوب شده، حق جداگانه استفاده از مرخصی با حقوق برای انجام اینگونه فعالیتهای، برسمیت شناخته خواهد شد.

۷-۳-۳، نظام دموکراتیک در عین حال از کلیه فعالیتهای آگاهگرانه اتحادیه ها و احزاب سیاسی، با تخصیص امکانات مادی و سیاسی، حمایت خواهد نمود.

۷-۳-۴، تعداد اعضا و میزان آراء اتحادیه ها و احزاب سیاسی در هر انتخاباتی، و نقش آنها در تشکیل و گسترش سازمانهای صنفی و سیاسی، یک بازدهی مولد تلقی گشته، به تقویت موقعیت آنها برای دریافت تسهیلات قانونی، منجر میشود.

۷-۳-۵، سطح و کیفیت انتشارات، آگاهگری و تمرکز بر مسائل داخلی کشور، و نقش اتحادیه ها و احزاب سیاسی در تأثیرگذاری بر سیاستهای عمومی کشور، یک بازدهی مولد ارزیابی شده، با حمایتهای قانونی و تسهیلات متعدد از سوی جامعه، پاسخ خواهد گرفت.

۷-۳-۶، میزان رعایت حقوق افراد درمناسبات درونی یک اتحادیه و یا حزب سیاسی، تقویت موقعیت و رشد توانایی و تجارب اعضاء اتحادیه ها و احزاب سیاسی، یک ویژه گی مثبت هر جریان و تسهیل کننده ایجاد اعتماد در برابر نهادهای قانونی، بحساب خواهد آمد.

۸- برابر حقوقی زنان و مردان، نهاد دموکراتیک خانواده، حقوق کودک

- ۸-۱، قطعنامه پیرامون: برسمیت شناسی استقلال زن از مرد و سنتهای ...
- ۸-۲، قطعنامه پیرامون: برابر حقوقی زنان و مردان، در کلیه سطوح ...
 - ۸-۲-۱، سن ازدواج و مسئولیت کیفری، برای دختران و پسران، ...
 - ۸-۲-۲، افزایش سهم زنان از ارث نسبت به مردان، تا دو دهه ...
- ۸-۳، قطعنامه پیرامون: لغو فوری همه قوانین ضد زن کنونی.
 - ۸-۳-۱، کلیه قوانین اسلامی علیه زنان فوراً لغو شده، ...
 - ۸-۳-۲، اظهارات، نوشته ها و اعمال ضد زن، ...
 - ۸-۳-۳، الزام نماینده گان گروههای مذهبی، سیاسی و صنفی ...
 - ۸-۳-۴، حق دموکراتیک زنان در جلوگیری قانونی، از فعالیتهای ...
 - ۸-۳-۵، غیر قابل بخشوده گی بودن هر گونه ارتکاب جرمی سنگین علیه ...
 - ۸-۳-۶، امکان برقراری مجازات سنگین تر برای مردان، ...
- ۸-۴، قطعنامه پیرامون: محکومیت جنایت ضد بشری سنگسار؛ ...
 - ۸-۴-۱، حق جامعه به بررسی تک تک موارد مربوط به این جنایات، ...
 - ۸-۴-۲، لغو همه احکام ضد انسانی سنگسار و اعاده حیثیت ...
- ۸-۵، قطعنامه پیرامون: بررسی جنایات صورت گرفته علیه دختران ..
- ۸-۶، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت فوری اقدام جنایتکارانه ختنه علیه ...

- ۸-۶-۱، همه افرادی که در دوران سلطه رژیم ترور اسلامی، ...
- ۸-۷، قطعنامه پیرامون: ضرورت بررسی دقیق کلیه موارد خودسوزی ...
- ۸-۷-۱، حق همه زنان کشور به اقامه دعوی و شکایت ...
- ۸-۸، قطعنامه پیرامون: حق زنان به اشغال حداقل نیمی از مقامات ...
- ۸-۸-۱، نظام دموکراتیک- شورایی باید مکانیزمی بمنظور عملی نمودن ...
- ۸-۹، قطعنامه پیرامون: حق سازمانها و نهادهای دموکراتیک زنان، ...
- ۸-۱۰، قطعنامه پیرامون: یکارگیری همه امکانات موجود، ...
- ۸-۱۰-۱، برابر حقوقی زنان و مردان در محیط کار، ...
- ۸-۱۰-۲، بازگشت به کار همه زنانی که تحت شرایط ...
- ۸-۱۰-۳، ضرورت تعیین سهم اشتغال بالاتر برای زنان ...
- ۸-۱۰-۴، حق زنان به آموزشهای شغلی متعدد به هزینه دولت، ...
- ۸-۱۰-۵، لغو فوری کار قراردادی، و الزام سرمایه داران ...
- ۸-۱۰-۶، پرداخت دستمزد برابر در قبال کار برابر به زنان و مردان ...
- ۸-۱۰-۷، حق زنان جوینده کار به داشتن یک کار شایسته ...
- ۸-۱۰-۸، آغاز دوران بازنشستگی برای زنان از سن ۵۰ سالگی.
- ۸-۱۰-۹، ممنوعیت کار زنان در رشته های زیان آور برای سلامتی ...
- ۸-۱۰-۱۰، ممنوعیت شب کاری زنان؛ شب کاری زنان ...
- ۸-۱۰-۱۱، حق برخورداری از امکانات نگهداری از کودکان ...
- ۸-۱۰-۱۲، تسهیلات همه جانبه برای زنان شاغل، ضمن دوران ...
- ۸-۱۰-۱۳، حق زنان شاغل به استفاده از مرخصی، ...
- ۸-۱۰-۱۴، پرداخت حق فرزند (اولاد) متناسب با نیازهای رشد ...
- ۸-۱۰-۱۵، حق زنان در عدم پذیرش مشاغل زیانبار برای سلامتی ...
- ۸-۱۰-۱۶، الزام هر مؤسسه ای، به در نظر گرفتن نیازهای بهداشتی ...
- ۸-۱۰-۱۷، الزام کارخانجات و مؤسسات تولیدی/خدماتی، ...
- ۸-۱۰-۱۸، حق بزرگترین اتحادیه زنان در کشور، به ورود ...
- ۸-۱۰-۱۹، تأسیس مراکز آموزش شغلی، تندرستی و سکونت ...
- ۸-۱۰-۲۰، حق خاص زنان در حفظ اطلاعات شخصی خود ...
- ۸-۱۰-۲۱، قائل شدن تسهیلات مالیاتی برای شرکتهای و مؤسساتی ...
- ۸-۱۰-۲۲، قائل شدن امتیازات ویژه برای زنان، در اقدام ...
- ۸-۱۱، قطعنامه پیرامون: اعلام خانواده بمثابة یک نهاد دموکراتیک ...
- ۸-۱۱-۱، برابر حقوقی همه اعضاء خانواده، در برابر قوانین ...
- ۸-۱۱-۲، تأسیس نهاد شهروندی خانواده و کودک؛ ...
- ۸-۱۱-۳، کمکهای مشورتی منظم به خانواده ها، ...
- ۸-۱۱-۴، قرار گرفتن کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست، تحت ...
- ۸-۱۱-۵، حق زنان مجرد به بهره مندی از همه حقوق یک زن خانه دار ...
- ۸-۱۱-۶، اعلام خانه داری بعنوان یک شغل مولد، و پرداخت ...
- ۸-۱۱-۷، ایجاد تسهیلات وسیع برای انجام کار خانگی رایج ...
- ۸-۱۱-۸، تأمین بیمه کامل درمانی و پرداخت حق بازنشستگی ...
- ۸-۱۱-۹، تعهد سرپرستان خانواده به ممانعت از تعرض ...
- ۸-۱۱-۱۰، ممنوعیت اقدامات سرکوبگرانه در محیط خانواده ...
- ۸-۱۱-۱۱، تشویق سرپرستان خانواده، به شرکت منظم ...
- ۸-۱۱-۱۲، پرداخت هزینه های ناشی از ازدواج و طلاق برای زنان، ...
- ۸-۱۱-۱۳، عدم اعتبار قانونی هر سطحی از رد و بدل ساختن پول، ...
- ۸-۱۱-۱۴، حق زنان برای درخواست تسهیلاتی بنفع همسران خود در ...
- ۸-۱۱-۱۵، حق زنان برای شرکت در نشست تصمیم گیری ...
- ۸-۱۱-۱۶، حمایت دولتی وسیع، از زنانی که بدلیل زندانی بودن همسران، ...
- ۸-۱۱-۱۷، حمایت وسیع دولتی از زنان در تشکیل خانواده ...
- ۸-۱۱-۱۸، حمایت وسیع مالی و قانونی از مردانی ...
- ۸-۱۱-۱۹، حمایت وسیع مالی از مردانی که مایل ...
- ۸-۱۱-۲۰، اعطای تابعیت ایرانی بدون موانع اداری، ...

- ۲۱-۱۱-۸، الزام قانونی مرد به ترک اعتیاد به مواد مخدر و الکل، ...
- ۲۲-۱۱-۸، برسمیت شناسی حق زنان، در حفظ و یا ایجاد ...
- ۲۳-۱۱-۸، تأمین هزینه های مالی ناشی از نیازهای خاص زنان ...
- ۲۴-۱۱-۸، تأسیس یک نهاد مرکزی هماهنگی پژوهشهای تندرستی ...
- ۲۵-۱۱-۸، گنجاندن ماده درسی ویژه، در کتب درسی ...
- ۲۶-۱۱-۸، تشویق پسران از طرق متعدد به درک ...
- ۲۷-۱۱-۸، حمایت از مناسبات انسانی- عاطفی نوجوانان ...
- ۲۸-۱۱-۸، ضرورت آموزش مناسبات جنسی سالم و انسانی ...
- ۲۹-۱۱-۸، حق زنان در ایران به استفاده از مزایای مثبت تکنولوژی زن، ...
- ۳۰-۱۱-۸، حق زنان به تصمیم گیری پیرامون سقط جنین؛ ...
- ۳۱-۱۱-۸، در صورتی که درخواست زن برای سقط جنین ...
- ۳۲-۱۱-۸، حق زن به سقط جنین در مراحل اولیه رشد جنین؛ ...
- ۳۳-۱۱-۸، ضرورت توسعه و تجهیز تکنولوژیک هرچه بیشتر ...
- ۱۲-۸، قطعنامه پیرامون: تأمین تغذیه رایگان برای کودکان، ...
- ۱-۱۲-۸، اختصاص بخشی از تولیدات با کیفیت دریایی و یا کشاورزی ...
- ۲-۱۲-۸، تشویق خانواده ها به سپردن نوزادان و کودکان خردسال، ...
- ۳-۱۲-۸، پرداخت کمک هزینه کافی به کودکان و نوجوانان، ...
- ۴-۱۲-۸، توزیع مبلغی برای هزینه های شخصی میان کودکان و نوجوانان، ...
- ۵-۱۲-۸، روش فوق باید با تدریس متون آموزشی مناسب ...

۱- ۸، قطعنامه پیرامون: برسمیت شناسی استقلال زن از مرد و سنتهای مردسالارانه در جامعه؛ در تصمیم گیری پیرامون ازدواج، طلاق، تحصیل و انتخاب شغل، مسافرت، روابط اجتماعی، انتخاب پوشش و تفریح؛ استقلال زن از مذهب، روابط سنتی در خانواده و از بستگان؛ استقلال زن در انتخاب اشکال فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دلخواه.

۲- ۸، قطعنامه پیرامون: برابر حقوقی زنان و مردان، در کلیه سطوح زندگی فردی و اجتماعی؛ در موضوع مدیریت خانواده، سرپرستی و تربیت کودکان؛ سهم ارث، موضوع ازدواج، طلاق، سرپرستی فرزندان و فرصتهای آموزش و اشتغال.

۱-۲-۸، سن ازدواج و مسئولیت کیفری، برای دختران و پسران، ۱۸ سال؛ ممانعت قانونی از ازدواج مبتنی بر اجبار از سوی سرپرستان خانواده؛ اعمال اجبار به زن برای ازدواج با فرد خاصی، اقدامی ضد دموکراتیک و جرم محسوب میشود.

۲-۲-۸، افزایش سهم زنان از ارث نسبت به مردان، تا دو دهه پس از ناپودی رژیم اسلامی، بعنوان یک قانون استثنایی؛ این امر برای بهبود موقعیت اقتصادی زنان مجرد، بویژه برای تشکیل خانواده و جبران تبهکاریهای رژیم اسلامی علیه زنان، حائز اهمیت است.

۳-۸، قطعنامه پیرامون: لغو فوری همه قوانین ضد زن کنونی.

۱-۳-۸، کلیه قوانین اسلامی علیه زنان فوراً لغو شده، باید طی ۴۸ ساعت پس از سرنگونی رژیم اسلامی، پیشنهاد نویس اولیه قوانین دموکراتیک مربوط به زنان، اعلام گردد. این اصول، تا انتخاب ارگانهای دائمی در کشور، بمثابه قوانین جاری، محسوب میگردند.

۲-۳-۸، اظهارات، نوشته ها و اعمال ضد زن، بمثابه اقداماتی در چهارچوب آپارتاید قرار گرفته، مشمول قوانین ضد آپارتاید خواهند گشت.

۳-۳-۸، الزام نماینده گان گروههای مذهبی، سیاسی و صنفی، به حذف همه موارد و اشارات ضد زن از ارگانهای تبلیغی، ایدئولوژیک، آموزشی، و کتب مذهبی خود؛ این موضوع، بویژه به قرآن مربوط میگردد.

۴-۳-۸، حق دموکراتیک زنان در جلوگیری قانونی، از فعالیتهای آن دسته از گروههایی (داخلی و یا دارای نماینده گی در ایران)، که اصل برابر حقوقی زنان و مردان را در نگارش، گفتار و یا اقدامات عملی نقض کنند.

۵-۳-۸، غیر قابل بخشوده گی بودن هر گونه ارتکاب جرمی سنگین علیه زنان؛ این به ویژه، به مواردی نظیر وارد آوردن آسیب جسمی ماندگار و اقدام به قتل، مربوط میگردد.

۶-۳-۸، امکان برقراری مجازات سنگین تر برای مردان، در صورت سوء استفاده از قدرت جسمی خود، بمنظور توسل به ضرب و شتم زنان.

۴-۸، قطعنامه پیرامون: محکومیت جنایت ضد بشری سنگسار زنان در ایران؛ رژیم ترور اسلامی با بکارگیری نوع مجازات سنگسار، به شیوه ای غیر قابل تصور در جهان پس از بدویت، نتایج سلطه بربریت اسلامی، علیه زنان را به اوج رساند.

۱-۴-۸، حق جامعه به بررسی تک تک موارد مربوط به این جنایات، و مجازات بدون بخشوده گی صادر کننده گان این احکام هولناک، مجریان آن، شرکت کننده گان در این توحش نفرت انگیز و حاضرین تشویق کننده این بربرمنشی.

۲-۴-۸، لغو همه احکام ضد انسانی سنگسار، و اعاده حیثیت از زنان سنگسار شده؛ بررسی پرونده زنان سنگسار شده متهم به قتل، و تغییر آن به احکامی در چهارچوب نظامات دموکراتیک؛ حق بستگان درجه اول زنان سنگسار شده، به مطالبه خسارت ناشی از این جنایت غیر قابل تصور، و دریافت مستمری بمیزان تأمین هزینه های یک زندگی متوسط؛ حق بستگان زنان سنگسار شده به استفاده از خدمات مشورتی و تندرستی، که ناشی از تأثیرات اجرای این احکام بربرمنشانه علیه فردی از خانواده آنها، تشخیص داده شوند.

۵-۸، قطعنامه پیرامون: بررسی جنایات صورت گرفته علیه دختران و زنان، بویژه در خوزستان، بلوچستان، کردستان و کرمانشاهان؛ در دوران سلطه رژیم ترور اسلامی، صدها و چه بسا هزاران نفر از دختران خردسال و زنان، بدلائل واهی و یا بدلیل رابطه جنسی، از سوی اعضاء خانواده خود، به شیوه ضد بشری، نظیر گردن زدن در برابر چشمان سایر اعضاء خانواده، به قتل رسیدند. نظام دموکراتیک، عاملین این جنایات بیسابقه در جهان سده های اخیر را بی پاسخ نگذارده، تمامی پرونده هایی از این نوع را، یک به یک تحت بررسی قرار داده، همه جنایتکاران اصلی و همدستان آنان را، به سختی و بدون مماشات، مجازات خواهد نمود.

۶-۸، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت فوری اقدام جنایتکارانه ختنه علیه دختران.

۱-۶-۸، همه افرادی که در دوران سلطه رژیم ترور اسلامی، به این روشهای ضد انسانی، علیه دختران متوسل شده اند، تحت تعقیب قانونی قرارخواهند گرفت. جامعه دموکراتیک حق دارد، خواهان حداکثر مجازات بدون بخشوده گی، برای چنین مجرمانی گردد.

۸-۷، قطعنامه پیرامون: ضرورت بررسی دقیق کلیه موارد خودسوزی و خودکشی زنان، تحت شرایط رژیم اسلامی؛ در صورت محرز بودن نقش افراد خاصی و یا وجود شرایط سرکوبگرانه مشخص در محل، حق جامعه به مجازات عاملین تحمیل چنین سرنوشتی به دختران و زنان.

۸-۷-۱، حق همه زنان کشور به اقامه دعوی و شکایت از هر نوع و سطحی از تبعیض و تبهکاری، از سوی اشخاص و مؤسسات علیه خود، در محیط خانواده، محل کار، آموزش، جامعه، روابط اجتماعی و فعالیتهای سیاسی-اعتراضی؛ زنان حق دارند، برای کمترین سطحی از تحقیر، محدودیت و سرکوب در رژیم اسلامی، درخواست مجازات عاملین آنها را نموده، خواستار پرداخت خسارت مالی گردند. نظام دموکراتیک- شورایی، بدون محدودیت از چنین درخواستهایی از سوی زنان، حمایت خواهد کرد.

۸-۸، قطعنامه پیرامون: حق زنان به اشغال حداقل نیمی از مقامات اصلی کشوری، استانی و محلی؛ ریاست جمهوری، رؤسای پارلمانها، نهاد عالی قضایی، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، نهاد حفاظت از قانون اساسی، وزراء، استانداران و معاونین، سفیران و نماینده گیهای خارج از کشور، اعضاء و مسئولین هیئتهای اعزامی به کشورهای دیگر، ریاست دانشگاهها، مدیریتهای کلیدی در اقتصاد بخش اجتماعی، خصوصی و دولتی، و ارگانهای تصمیم گیری در احزاب سیاسی و سازمانهای توده ای.

۸-۸-۱، نظام دموکراتیک- شورایی، باید مکانیزمی بمنظور عملی نمودن این حق، ایجاد کند.

۸-۹، قطعنامه پیرامون: حق سازمانها و نهادهای دموکراتیک زنان، به تهیه پیشنویس اولیه قوانین مربوط به زنان، برای ارائه به کنگره شوراها، مجلس شورای ملی و دولت.

۸-۱۰، قطعنامه پیرامون: بکارگیری همه امکانات موجود، برای جبران صدمات ناشی از سرکوبگری رژیم اسلامی به زیان موقعیت شغلی زنان کشور.

۸-۱۰-۱، برابر حقوقی زنان و مردان در محیط کار، در عین قائل شدن تسهیلاتی برای زنان، بمنظور ایجاد زمینه های واقعی شکل گیری فرصتهای یکسان با مردان.

۸-۱۰-۲، بازگشت به کار همه زنانی که تحت شرایط یک رژیم ضد زن، محل کار خود را از دست داده و یا دچار محدودیت شده اند. پرداخت خسارات مالی ناشی از این اقدامات تبهکارانه نسبت به زنان.

۸-۱۰-۳، ضرورت تعیین سهم اشتغال بالاتر برای زنان نسبت به مردان، در مجموع پرسنل شاغل در دستگاههای دولتی؛ این امر برای جبران هر چه سریعتر تبعیضهای ضد انسانی اعمال شده علیه زنان، و دموکراتیزاسیون همه جانبه دستگاههای دولتی، اهمیت دارد.

۸-۱۰-۴، حق زنان به آموزشهای شغلی متعدد به هزینه دولت، بمنظور بهبود موقعیت آنان برای جذب شدن در بازار کار.

۸-۱۰-۵، لغو فوری کار قراردادی، و الزام سرمایه داران و مدیران، به استخدام فوری همه زنان و شاغلین موقت مؤسسات.

۸-۱۰-۶، پرداخت دستمزد برابر در قبال کار برابر، به زنان و مردان.

- ۸-۱۰-۷، حق زنان جوینده کار، به داشتن یک کار شایسته در سطح توانایی و علائق آنها؛ در غیر اینصورت، پرداخت حق بیمه بیکاری کافی، متناسب با استانداردهای سطح متوسط زندگی.
- ۸-۱۰-۸، آغاز دوران بازنشستگی برای زنان از سن ۵۰ سالگی.
- ۸-۱۰-۹، ممنوعیت کار زنان در رشته های زیان آور برای سلامتی جسمی آنان.
- ۸-۱۰-۱۰، ممنوعیت شب کاری زنان؛ شب کاری زنان در موارد اجتناب ناپذیر (حوزه تندرستی، امنیت و نظایر آن)، نباید حداکثر از دو بار در هفته، تجاوز کند. تدابیری از این نوع در عین حال، موجب کاهش نرخ بیکاری زنان در سطح معینی نیز، میگردند.
- ۸-۱۰-۱۱، حق برخورداری از امکانات نگهداری از کودکان در نزدیکی محل کار؛ بدون اینکه حفظ تماس شخصی مادر و کودک، به کسری از دستمزد مادر منجر گردد.
- ۸-۱۰-۱۲، تسهیلات همه جانبه برای زنان شاغل، ضمن دوران بارداری، تولد و نگهداری نوزادان.
- ۸-۱۰-۱۳، حق زنان شاغل به استفاده از مرخصی، قبل و پس از زایمان، حد اقل ۳ و ۶ ماه.
- ۸-۱۰-۱۴، پرداخت حق فرزند (اولاد)، متناسب با نیازهای رشد جسمی و فکری کودکان، و افزایش منظم آن.
- ۸-۱۰-۱۵، حق زنان در عدم پذیرش مشاغل زیانبار برای سلامتی ظاهری، و یا نامناسب برای روحیات و روابط اجتماعی آنان؛ نظیر فضای آلوده، شرایط تحقیرآمیز، محیط کار خشن و عصبی کننده، و یا محل کاری تحت مسئولیت سرپرستان مردسالار و ضد زن.
- ۸-۱۰-۱۶، الزام هر مؤسسه ای، به در نظر گرفتن نیازهای بهداشتی و تندرستی خاص زنان.
- ۸-۱۰-۱۷، الزام کارخانجات و مؤسسات تولیدی/خدماتی، به مشورت با یک نهاد تخصصی زنان، در برنامه ریزیها و تعیین اهداف آتی خود، بمنظور رعایت موارد ویژه ناشی از شرایط کار زنان؛ دریافت مجوز تأسیس یک واحد تولیدی/خدماتی، مشروط به در نظر گرفتن همه اموری است، که مربوط به رعایت حقوق زنان در محیط کار است.
- ۸-۱۰-۱۸، حق بزرگترین اتحادیه زنان در کشور، به ورود بدون اطلاع قبلی نماینده گان آن به محیط هر کارخانه، اداره و محل کار، برای اطلاع و تماس مستقیم با زنان شاغل، بمنظور ممانعت از اعمال تبعیض، همچنین روشنگری نسبت به حقوق دموکراتیک آنان.
- ۸-۱۰-۱۹، تأسیس مراکز آموزش شغلی، تندرستی و سکونت برای دختران جدا شده از خانواده و کودکان کار؛ بکارگیری مدرن ترین روشهای آموزشی، برای ادغام هر چه سریعتر این بخش از جامعه در شرایط یک زندگی شایسته.
- ۸-۱۰-۲۰، حق خاص زنان در حفظ اطلاعات شخصی خود، در محیط کار و جامعه؛ کسب اطلاعاتی از زنان از سوی فرد یا نهاد مافوق، باید با در نظر گرفتن اصل عدم آسیب رسانی به موقعیت زن در جامعه، صورت گیرد.
- ۸-۱۰-۲۱، قائل شدن تسهیلات مالیاتی برای شرکتها و مؤسساتی که بهترین شرایط کار، خدمات بهداشتی و ترقی شغلی را برای زنان ایجاد کرده، در استخدام نیروی کار جدید، امتیازات قابل قبولی را برای زنان، منظور کنند.

۸-۱۰-۲۲، قائل شدن امتیازات ویژه برای زنان، در اقدام به فعالیتهای اقتصادی در بخش خصوصی؛ ارائه اعتبارات بانکی مناسب، تسهیلات مالیاتی متعدد و کمکهای تخصصی شایسته؛ این امر باید به جبران هرچه سریعتر عقب نگه داشتن آگاهانه زنان در بخش خصوصی اقتصاد، در نتیجه سلطه یک رژیم ضد زن، منجر گردد.

۸-۱۱، قطعنامه پیرامون: اعلام خانواده بمثابه یک نهاد دموکراتیک؛ نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، نهاد خانواده را بمثابه ملک خصوصی مرد و یا والدین برسمیت نشناخته، آن را کانون زندگی انسانی شهروندان بالغ و داوطلب به زندگی مشترک، تعریف نموده، ضمن پشتیبانی وسیع مالی - حقوقی از تشکیل آن، برماهیت دموکراتیک- انسانی آن، تأکید مینماید. مدیریت خانواده، امر مشترک و برابر حقوق زن و مرد و فرزندان، محسوب میگردد. مدیریت خانواده، بعنوان یک تخصص مدرن و تعهد سیاسی- شهروندی برسمیت شناخته شده، رابطه آن با سلطه گری، سرکوب و مذهب، بطور کامل قطع میگردد.

۸-۱۱-۱، برابر حقوقی همه اعضاء خانواده، در برابر قوانین دموکراتیک و پیشرو.

۸-۱۱-۲، تأسیس نهاد شهروندی خانواده و کودک؛ این نهاد اجتماعی، متشکل از سازمانهای مستقل زنان، نهادهای پژوهشی زنان و خانواده، اتحادیه های کارگری و ارگانهای دولتی ذینفع، در همه امور مربوط به زنان و خانواده، در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، از موضع بهبود موقعیت زن و اعضای خانواده، عمل خواهد نمود.

۸-۱۱-۳، کمکهای مشورتی منظم به خانواده ها، از سوی مددکاران وابسته به نهاد شهروندی خانواده و کودک.

۸-۱۱-۴، قرار گرفتن کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست، تحت مسئولیت نهاد شهروندی خانواده و کودک، با تضمین بهترین شرایط رشد جسمی، فکری، فردی و اجتماعی آنها.

۸-۱۱-۵، حق زنان مجرد به بهره مندی از همه حقوق یک زن خانه دار و یا فرد غیر شاغل؛ حق زنان مجرد به دریافت کمکهای تخصصی و مشورتی رایگان، برای حفظ یک زندگی فردی موفق، و یا تأسیس یک کانون زندگی مشترک.

۸-۱۱-۶، اعلام خانه داری بعنوان یک شغل مولد، و پرداخت حقوق ماهیانه منظم به زنان خانه دار، از سوی نهاد شهروندی خانواده و کودک.

۸-۱۱-۷، ایجاد تسهیلات وسیع برای انجام کار خانگی رایج (آشپزی، شستشو و نظافت ...) به کمک توسعه تکنولوژیک، برای به حداقل رساندن این بخش از خانه داری، و از این طریق آزاد ساختن وقت و انرژی زنان خانه دار، برای کسب منظم و علمی دانش تعلیم و تربیت، و تسهیل ترقی شغلی در محیط کار.

۸-۱۱-۸، تأمین بیمه کامل درمانی و پرداخت حق بازنشستگی به زنان خانه دار، از سوی نهاد شهروندی خانواده و کودک.

۸-۱۱-۹، تعهد سرپرستان خانواده به ممانعت از تعرض مذهب به نهاد خانواده، بویژه در تربیت کودکان؛ ممنوعیت حضور افراد زیر ۱۶ سال در مراسمهای مذهبی.

۸-۱۱-۱۰، ممنوعیت اقدامات سرکوبگرانه در محیط خانواده، علیه زنان و خردسالان.

۸-۱۱-۱۱، تشویق سرپرستان خانواده، به شرکت منظم و دراز مدت در سمینارهای آموزشی نهاد شهروندی خانواده و کودک، تا کسب مدارک تحصیلی در رشته تعلیم و تربیت، همپراز با مدارک دانشگاهی.

۸-۱۱-۱۲، پرداخت هزینه های ناشی از ازدواج و طلاق، برای زنان برخاسته از خانواده های کم درآمد، از سوی نهاد شهروندی خانواده و کودک.

۸-۱۱-۱۳، عدم اعتبار قانونی هر سطحی از رد و بدل ساختن پول، میان خانواده های طرفین ازدواج، تحت عنوان مهریه، شیربهاء و نظایر آن.

۸-۱۱-۱۴، حق زنان برای درخواست تسهیلاتی بنفع همسران خود در محیط کار؛ هرگاه مرد بدلیل معضلات ناشی از شرایط کار، در موقعیت کمک به حفظ یک مناسبات متوازن و قابل قبول در خانواده نباشد.

۸-۱۱-۱۵، حق زنان برای شرکت در نشست تصمیم گیری، پیرامون موقعیت شغلی همسران خود، که به مواردی نظیر توییح و یا اخراج در محیط کار، مربوط میگردد.

۸-۱۱-۱۶، حمایت دولتی وسیع، از زنانی که بدلیل زندانی بودن همسران، خود بتهایی سرپرستی خانواده را بعهدہ دارند.

۸-۱۱-۱۷، حمایت وسیع دولتی از زنان در تشکیل خانواده، و جبران هر چه سریعتر عوارض منفی، ناشی از سلطه رژیم اسلامی بر زندگی آنان؛ قائل شدن امتیازات همه جانبه برای زنان مجرد، که به تشکیل خانواده، برقراری روابط مشترک و یا تأسیس کانونهای آشنایی و دوستی در این زمینه، اقدام کنند.

۸-۱۱-۱۸، حمایت وسیع مالی و قانونی از مردانی، که در یک رابطه انسانی، دوستی و یا زندگی مشترک، با زنان دارای آسیبهای جسمی و یا سنین بالاتر از خود قرار داشته، و یا علاقمند به این امر گردند.

۸-۱۱-۱۹، حمایت وسیع مالی از مردانی که مایل به ایجاد کانون زندگی مشترک، با زنان دارای فرزند شوند. این بویژه شامل زنانی است، که همسران آنها بنوعی طعمه جنایات رژیم اسلامی، نظیر مرگ در جبهه های جنگ گردیده اند.

۲۰- ۸-۱۱، اعطای تابعیت ایرانی بدون موانع اداری، به همسران و یا دوستان غیر ایرانی زنان، که تصمیم به شروع یک زندگی مشترک با یکدیگر گرفته اند.

۲۱- ۸-۱۱، الزام قانونی مرد به ترک اعتیاد به مواد مخدر و الکل، بهبود تندرستی و شرایط فکری و شغلی خود؛ هرگاه از طریق همسر و یا یک نهاد تخصصی، ضرورت آن تشخیص داده شود.

۲۲- ۸-۱۱، برسمیت شناسی حق زنان و مردان، در حفظ و یا ایجاد رابطه های پایدار، بدلیل تمایلات فردی به همجنس؛ پذیرش این پیوند بمثابة نوع جدیدی از زندگی مشترک شهروندان؛ ناظر بودن حقوق و تعهدات فردی- اجتماعی و قوانین خانواده، مالیات و ارث بر این مناسبات؛ پیشنویس این قوانین باید از سوی سازمانها و نهادهای تخصصی زنان، به کنگره شوراها، مجلس شورای ملی و دولت ارائه گردند.

۲۳- ۸-۱۱، تأمین هزینه های مالی ناشی از نیازهای خاص زنان در بهبود شرایط جسمی و فکری خود، صرفنظر از موقعیت اجتماعی و شاغل بودن و یا غیر شاغل بودن.

۲۴-۱۱-۸، تأسیس یک نهاد مرکزی هماهنگی پژوهش‌های تندرستی و بانک اطلاعاتی ویژه، برای توسعه همه جانبه شرایط بهداشت و تندرستی این بخش از شهروندان جامعه؛ از این طریق، بهبود شرایط فردی و اجتماعی زنان، در تشکیل خانواده و کسب موقعیتهای شغلی شایسته.

۲۵-۱۱-۸، گنجاندن ماده درسی ویژه، در کتب درسی همه سطوح آموزشی، که بهبود مناسبات دختران و پسران، از سنین کودکی و نوجوانی را مد نظر داشته، انسان را از سنین اولیه رشد خود، با درک روح اصل برابر حقوقی زنان و مردان، آموزش دهد.

۲۶-۱۱-۸، تشویق پسران از طرق متعدد، به درک و رعایت اصل برابر حقوقی انسانها، برسمیت شناسی تواناییهای متنوع دختران از سوی آنان و رعایت ویژه گیهای زنان؛ احترام متقابل به خواهران و بچه های کوچکتر در محیط خانواده.

۲۷-۱۱-۸، حمایت از مناسبات انسانی- عاطفی نوجوانان و جوانان دختر و پسر؛ آموزش و کمکهای مشورتی به آنها، برای ایجاد مناسباتی شایسته رشد و آینده خود.

۲۸-۱۱-۸، ضرورت آموزش مناسبات جنسی سالم و انسانی در جامعه، و جلوگیری از دخالت مذهب و دولت در زندگی جنسی شهروندان؛ جامعه دموکراتیک، از روابط باثبات در خانواده و یا کانون بادوام دوستی پشتیبانی نموده، زنان و مردان در یک خانواده و کانون مشترک دوستی را، به شرکت در کلاسهای آموزشی و جلسات مشورتی، برای بهبود و تحکیم روابط میان خود، تشویق خواهد نمود.

۲۹-۱۱-۸، حق زنان در ایران به استفاده از مزایای مثبت تکنولوژی ژن، برای معالجه یک بیماری لاعلاج، و یا برخی تغییرات جسمی و روحی مجاز در چهارچوب ارزشهای مشترک انسانی؛ حمایت وسیع دولتی برای توسعه تکنولوژی ژن، بمنظور استفاده وسیع و سریع از آن، در معالجه و ریشه کنی بیماریهای خاص زنان.

۳۰-۱۱-۸، حق زنان به تصمیم گیری پیرامون سقط جنین؛ زن حق دارد، در صورتی که آزمایشات پزشکی، ناروشنی سلامتی جنین را محرز سازند، مستقل از مرحله رشد جنین، از مراجع قانونی، درخواست پذیرش با عمل سقط جنین را بنماید.

۳۱-۱۱-۸، در صورتی که درخواست زن برای سقط جنین، نه به موضوع بیماری و نقص عضو جنین، بلکه به عدم تمایل زن به داشتن فرزند، موضوع ترس و یا فقر مربوط باشد، جامعه باید از طریق پذیرش سرپرستی کامل کودک، و یا ارائه مشوقهای لازم تلاش کند، از سقط جنین خودداری شود. در نهایت اما، حق زن به سقط جنین در مراحل اولیه رشد جنین، نباید خدشه دار گردد.

۳۲-۱۱-۸، حق زن به سقط جنین در مراحل اولیه رشد جنین؛ زن حق دارد، پیش از مرحله معینی از رشد جنین، خواست سقط جنین را نزد مراجع قانونی طرح نموده، خواستار توافق با آن گردد.

۳۳-۱۱-۸، ضرورت توسعه و تجهیز تکنولوژیک هرچه بیشتر مراکز تندرستی در کشور، و انجام متمرکز تحقیقات علمی برای شناسایی زودرس سلامتی جنین؛ و از این طریق، کاهش میزان سقط جنین.

۱۲-۸، قطعهنامه پیرامون: تأمین تغذیه رایگان برای کودکان، از روز تولد تا شروع تحصیل دبستانی.

۸-۱۲-۱، اختصاص بخشی از تولیدات با کیفیت دریایی و یا کشاورزی به این منظور؛ انجام تحقیقات گسترده علمی برای شناخت و تولید نیازهای کودکان، که متضمن ایجاد بهترین امکانات رشد جسمی و فکری نوزادان گردند.

۸-۱۲-۲، تشویق خانواده ها به سپردن نوزادان و کودکان خردسال به مراکز نگهداری، تربیت و تغذیه مدرن؛ این مراکز، تمام وقت بوده، مطلقاً بر تسریع و بهبود رشد جسمی و فکری نوزادان، متمرکز خواهند بود.

۸-۱۲-۳، پرداخت کمک هزینه کافی به کودکان و نوجوانان، تا مراحل شروع زندگی مستقل، از سوی دولت، نهاد شهروندی خانواده و کودک و کارفرمایان.

۸-۱۲-۴، توزیع مبلغی برای هزینه های شخصی میان کودکان و نوجوانان، از طریق یک نظام مرکزی و بکمک مدارس کشور؛ بجای پرداختن کامل حق فرزند به والدین.

۸-۱۲-۵، روش فوق باید با تدریس متون آموزشی مناسب همراه گشته، کودکان و نوجوانان را، با موضوع درآمد و چگونگی مدیریت هزینه های شخصی، زود هنگام آشنا سازد. این روش در عین حال، وجود سطح معینی از دریافتی برای کودکان را، مستقل از وضعیت مالی خانواده آنها، امکانپذیر میسازد. از این طریق همچنین، باید ایجاد انگیزه های کودکان و نوجوانان برای حضور منظم در کلاسهای درس، و تلاش برای کسب نتایج مناسب تر آموزشی نیز، تقویت گردند.

۹- مردم و قدرت سیاسی

- ۹-۱، قطعنامه پیرامون: تشکیل شورای عمومی شهروندان؛ ...
- ۹-۱-۱، اجلاس این شورا هر سال یکبار، بطور دوره ای و در مراکز ...
- ۹-۲، قطعنامه پیرامون: تعیین نماینده گان دارای صلاحیت برای شرکت ...
- ۹-۳، قطعنامه پیرامون: اختیارات شورای عمومی شهروندان؛ در ...
- ۹-۴، قطعنامه پیرامون: حق شورای عمومی شهروندان، به توسل ...
- ۹-۵، قطعنامه پیرامون: شرایط لازم برای فراخوان اولین ..
- ۹-۶، قطعنامه پیرامون: تأسیس دو پارلمان سراسری در کشور؛ ...
- ۹-۶-۱، نماینده گان کنگره شوراها، از طریق نظام انتخابات شورایی، ...
- ۹-۶-۲، نماینده گان مجلس شورای ملی، از طریق حق رأی عمومی ...
- ۹-۶-۳، در کنگره شوراها، شهروندان بمتابیه اعضاء طبقات ...
- ۹-۶-۴، در مجلس شورای ملی، مردم بمتابیه آحاد و افرادی ...
- ۹-۶-۵، کشمکشهای طبقات اجتماعی، مستقیماً در کنگره شوراها ...
- ۹-۶-۶، این ساختار سیاسی، مبارزه طبقاتی در یک جامعه مدرن ...
- ۹-۷، قطعنامه پیرامون: تبدیل شوراها در محیط کار و محلات ...
- ۹-۷-۱، شوراها، ارگانهای اعمال قدرت توده ای، نماینده مستقیم ...
- ۹-۸، قطعنامه پیرامون: حق شهروندان به شرکت مستقیم ...
- ۹-۹، قطعنامه پیرامون: بی ریزی یک نظام قضایی و امنیتی ...
- ۹-۱۰، قطعنامه پیرامون: ضرورت توافق در کنگره شوراها، ...
- ۹-۱۱، قطعنامه پیرامون: تعیین پرچم و سرود کشور در نظام ...
- ۹-۱۱-۱، پرچم جدید ایران، سه رنگ سبز، سفید و سرخ ...
- ۹-۱۲، قطعنامه پیرامون: تعیین موعد انتخابات آتی در کشور؛ ...
- ۹-۱۳، قطعنامه پیرامون: تشکیل ارگان شورای عالی؛ ...
- ۹-۱۳-۱، نهاد شورای عالی، امکان حضور توده های متشکل مردم ...
- ۹-۱۳-۲، ارگان شورای عالی، نهادی متشکل از مسئولین، متخصصین، ...

- ۳-۱۳-۹، شورای عالی هر حوزه، دارای دفاتر مرکزی بوده، ...
- ۴-۱۳-۹، وزارتخانه دولتی در هر رشته ای، خود بخشی از نهاد شورای ...
- ۵-۱۳-۹، کنگره سراسری شورای عالی در هر حوزه ای، ...
- ۶-۱۳-۹، جزئیات وظایف، اشکال سازمانی و نوع رابطه آن با سایر ...
- ۷-۱۳-۹، استقرار دفتر مرکزی نهاد شورای عالی هر رشته ای ...
- ۴-۱۳-۹، قطعنامه پیرامون: توزیع نهادهای قانونگذاری، قضایی ...
- ۱-۱۳-۹، پایتخت کشور باید طی یک دوره زمانی ۳ تا ۵ ساله، ...
- ۲-۱۳-۹، انتقال بخش اعظم مراکز سازمانهای دولتی، ...

۹-۱، قطعنامه پیرامون: تشکیل شورای عمومی شهروندان؛ شورای عمومی شهروندان، بالاترین ارگان اجرایی، قضایی و قانونگذاری در کشور، محسوب میگردد.

۱-۱-۹، اجلاس این شورا، هر سال یکبار، بطور دوره ای و در مراکز استانها برگزار گشته، در عین حال نقش یک رفراندوم سالانه، پیرامون امور، وظایف و بازرسی عملکرد همه نهادهای ارگانها و مسئولین در کشور را، برعهده خواهد داشت.

۲-۹، قطعنامه پیرامون: تعیین نماینده گان دارای صلاحیت برای شرکت در کنگره سالانه شورای عمومی شهروندان؛ هیئت های نماینده گی، مسئولین و افراد زیر، نماینده گان شورای عمومی شهروندان را تشکیل میدهند:

۱- مسئولین، معاونین و مشاورین اصلی کلیه تشکلهای شورایی، اتحادیه ای، کانونها و انجمنهای شغلی وابسته به همه اقشار و طبقات؛ نظیر تشکلهای کارگران و دهقانان، کارمندان، زنان و جوانان، کارفرمایان، مدیران و ... ،

۲- نماینده گان کارگران، کارمندان و مدیران در رشته های کلیدی اقتصادی، بطور جداگانه،

۳- نماینده گان کلیه سازمانهای صنفی و اجتماعی نظیر زنان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، هنرمندان، نویسندگان، ورزشکاران، کارفرمایان، مدیران، مشاغل آزاد و ... ،

۴- نماینده گان انواع سازمانهای غیردولتی، نماینده گان گروهبندهای شهروندی/ جمعیتی شناخته شده تحت عنوان هر چند غیرعلمی " اقلیتهای مذهبی"، بازنشستگان، سالمندان و غیرشاغلین، سازماندهان ابتکارات توده ای در رشته های مختلف؛ معلولین و از کار افتاده گان، نماینده گان شهروندان خارجی مقیم ایرا،

۵- کلیه نماینده گان کنگره شوراها، مجلس شورای ملی، اعضاء دولت، معاونین وزراء، مدیران اصلی ادارات و سازمانهای دولتی، نماینده گان کارشناسان در همه دستگاههای دولتی،

۶- مسئولین نهاد عالی قضایی و قضات اصلی کشور،

۷- همه اعضاء اصلی و مشاورین تخصصی نهادهای اجرایی، قانونگذاری و قضایی استانی، منطقه ای و محلی،

۸- مسئولین ارگانها، فرماندهان اصلی نظامی و انتظامی، و نماینده گان تشکلهای توده ای، در نیروهای مسلح، انتظامی و امنیتی،

۹- مسئولین اصلی، کشوری و منطقه ای احزاب سهیم در پارلمان و دولت،

۱۰- نماینده گان ایران در کشورهای خارجی و نزد سازمانهای بین المللی،

۱-۱- رؤسا و نماینده گان استادان دانشگاههای سراسر کشور،

۱-۲- مسئولین و کارشناسان اصلی همه مؤسسات پژوهشی کشور.

۹-۳- قطعهنامه پیرامون: اختیارات شورای عمومی شهروندان؛ در سیاستگذاری، کنترل تصمیمات و بررسی امور:

۱- شورای عمومی شهروندان، قداست، مناسبات اقتصادی- اجتماعی سرمایه داری، سوسیالیستی و یا تلفیقی از هر دو را برای جامعه تعیین و یا برسمیت شناخته، و یا مناسبات اجتماعی موجود را، به شیوه قانونی و صلح آمیز، تغییر دهد.

۲- تعیین، تأیید، الغاء، تغییر و یا صراحت بخشیدن به خط و مشی عمومی همه امور سیاسی- اقتصادی، قانونگذاری و اجرایی، امور قضایی و کنترل، همچنین عرصه های فرهنگی و اجتماعی و سیاست خارجی کشور، از طریق نشست سالانه شورای عمومی شهروندان، انجام میگیرد.

۳- شورای عمومی شهروندان مجاز است، دولت و یا اعضای از آن را برکنار نموده، پارلمانها و نهادهای اداری، قضایی سراسری و یا منطقه ای را فراخوانده و یا منحل ساخته، و نهادهای اداری، قضایی و یا قانونگذاری جدیدی را سازماندهی نماید.

۴- شورای عمومی شهروندان مجاز است، کلیه تصمیمات اتخاذ شده از هر نوعی، در هر سطحی و از سوی هر فرد و یا هر ارگان رسمی را ملغی نموده، از اجرای تصمیمات اتخاذ شده برای سال آتی، جلوگیری نماید.

۵- تغییر و یا لغو قانون اساسی کشور، تدوین و تصویب قانون اساسی جدید، به اختیارات شورای عمومی شهروندان، تعلق دارد.

۶- پیرامون جنگ و صلح تصمیم گرفته، بسیج عمومی اعلام کند، و یا تصمیمات دولت و پارلمانها را در این رابطه، تأیید و یا لغو نماید.

۷- تعیین و یا تغییر موعد انتخابات هر نهاد سراسری و یا منطقه ای.

۸- انعقاد قراردادهای خارجی با دولتها، مؤسسات و نهادهای بین المللی را، تأیید و یا رد کند.

۹- اطلاعات اقتصادی- اجتماعی و آمارهای اعلام شده را، تأیید و یا اصلاح نماید.

۱۰- برقراری حکم اعدام در قوانین کشور و یا لغو آن؛ بخشوده گی زندانیان و یا لغو فرمان بخشوده گی صادره از سوی دولت و نهاد عالی قضایی.

۹-۴- قطعهنامه پیرامون: اختیارات شورای عمومی شهروندان، در تعیین مسئولین اصلی کشوری:

۱- تعیین رئیس نهاد عالی قضایی کشور؛ صدور حکم و یا تأیید امر قضاوت برای قضات جدید،

۲- تعیین رئیس سازمان بازرسی کل کشور،

۳- تعیین فرماندهی شهربانی کل کشور، و مسئول نهاد حفاظت از امنیت شهروندان،

- ۴- تعیین و یا تأیید انتخاب فرماندهان نیروهای مسلح، انتظامی و یا امنیتی کشور؛ اعطاء و یا تأیید درجات نظامی در سطح افسران ارشد،
- ۵- تعیین و یا تأیید انتخاب ریاست بانک مرکزی،
- ۶- تعیین و یا تأیید انتخاب ریاست نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی،
- ۷- تعیین و یا تأیید انتخاب مدیران اصلی مؤسسات بزرگ تولیدی، خدماتی و مالی، متعلق به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، بخش تعاونی، بخش دولتی و یا بخش خصوصی اقتصاد،
- ۸- تعیین و یا تأیید انتخاب ریاست دانشگاه‌های کشور و استادان دانشگاه‌ها،
- ۹- تعیین و یا تأیید انتخاب سفیران ایران در سازمان ملل متحد، و در کشورهای عضو این سازمان.

۹-۴، قطعنامه پیرامون: حق شورای عمومی شهروندان، به توسل به راه حل انقلابی؛ شورای عمومی شهروندان مجاز است، در صورت به بن بست رسیدن همه راه حلها و وجود خطر جدی برای سرنوشت مردم و کشور، خود را بمثابة مرکز فرماندهی یک انقلاب توده ای اعلام کرده، با تسلیح مردم، دولت حاکم را که به اراده اکثریت شهروندان پشت کرده است، به شیوه قهرآمیز سرنگون نماید.

۹-۵، قطعنامه پیرامون: شرایط لازم برای فراخوان اولین اجلاس شورای عمومی شهروندان؛ برگزاری اولین اجلاس شورای عمومی شهروندان، تنها پس از انتخاب همه نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی دائمی، تدوین و تصویب قانون اساسی کشور، شکل گیری تشکلهای مستقل سیاسی و صنفی همه اقشار، طبقات و گروههای شغلی، همچنین تأسیس سازمانها و ادارات نظام دموکراتیک در استانها و مناطق کشور، امکان پذیراست. وجود سطح قابل قبولی از مناسبات تثبیت شده دموکراتیک، برای برگزاری اولین اجلاس شورای عمومی شهروندان، ضروری است، و این میتواند، ۳ تا ۵ سال، به درازا بکشد. این ارگان عالی، نباید به عرصه قدرت نمایی عوامفریبان، شعار پردازان و سوء استفاده کننده گان از هیجانات ساده مردم، مبدل گردد. قوانین ناظر بر فعالیت و نحوه فراخوان اجلاس عادی و فوق العاده شورای عمومی شهروندان، در اولین روز تأسیس این شورا، معین میگردند.

۹-۶، قطعنامه پیرامون: تأسیس دو پارلمان سراسری در کشور؛ کنگره شوراها و مجلس شورای ملی.

۹-۶-۱، نماینده گان کنگره شوراها، از طریق نظام انتخابات شورایی، رأی مستقیم و مخفی شهروندان در کنفرانسها و کنگره های شوراها و واحدهای تولیدی، خدماتی، کارکنان فکری و سایر گروههای اجتماعی (در حوزه مالکیت های اجتماعی، خصوصی، دولتی و تعاونی)، تعیین میشوند. کنگره شوراها، نماینده گی مستقیم مردم در ساختار سیاسی کشور را، تضمین مینماید. این ارگان، بهترین شرایط را برای طبقه کارگر و زحمتکشان در کشمکشهای سیاسی این نیرو، علیه اقشار و طبقات دارای مالکیت، فراهم میسازد.

۹-۶-۲، نماینده گان مجلس شورای ملی، از طریق حق رأی عمومی و با انتخاب کاندیداهای معرفی شده در سطح روستا، شهر، استان و کشور تعیین میشوند. مجلس شورای ملی، نماینده

گی غیر مستقیم شهروندان در ساختار سیاسی کشور را، از طریق رقابتهای وکلا، امکان پذیر مینماید. مجلس شورای ملی، مناسبترین شرایط را برای جناح چپ و میانی طبقه متوسط، جهت مقابله با تعدیات بورژوازی بزرگ ایجاد نموده، راههای سازش سیاسی را با طبقه کارگر و زحمتکشان، برای این نیرو، تسهیل میسازد.

۳-۶-۹، در کنگره شوراها، شهروندان بمثابه اعضاء طبقات و اقشار اجتماعی، عمدتاً با هدف دفاع مستقیم از موقعیت و شرایط موجودیت شغلی خود، حضور دارند.

۴-۶-۹، در مجلس شورای ملی، مردم بمثابه آحاد و افرادی از شهروندان کشور، بمثابه اعضاء یک کشور، همچنین در دفاع از منافع محلی و یا عمومی جامعه، از طریق رقابتهای نماینده گان غیر مستقیم خود، ظاهر میشوند.

۵-۶-۹، کشمکشهای طبقات اجتماعی، مستقیماً در کنگره شوراها منعکس گشته، در مجلس شورای ملی، این مبارزات در مسیر ادغام منافع طبقاتی و منافع عمومی در یکدیگر، هدایت میگردند.

۶-۶-۹، این ساختار سیاسی، مبارزه طبقاتی در یک جامعه مدرن دموکراتیک را، در جهت رشد و تضمین میانی یک زندگی صلح آمیز سمت و سو داده، از کند ساختن سرعت روند توسعه کشور، و جهت گیری غیر قابل کنترل کشمکشهای اجتماعی، ممانعت خواهد نمود.

۷-۹، قطعنامه پیرامون: تبدیل شوراها در محیط کار و محلات، به میانی یک نظام اداری دموکراتیک؛

۱-۷-۹، شوراها، ارگانهای اعمال قدرت توده ای، نماینده گان مستقیم کارگران و زحمتکشان در همه عرصه های تولید، بازرگانی، خدمات و کارفکری، محسوب میگردند. اساس قدرت سیاسی در کشور، بر نقش و موقعیت شوراها و سازمانهای توده ای، پایه گذاری میشود.

۸-۹، قطعنامه پیرامون: حق شهروندان به شرکت مستقیم در قانونگذاری، از طریق ارائه پیشنویس اولیه قوانین از سوی سازمانهای توده ای.

۹-۹، قطعنامه پیرامون: پی ریزی یک نظام قضایی و امنیتی دموکراتیک در کشور؛ مقاومت مسلحانه مردم کردستان در برابر تهاجمات نظامی رژیم اسلامی در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۰، و زندگی صدها نفر از فعالین سیاسی از نقاط مختلف کشور، و در شرایط شکست انقلاب بهمن در کردستان، موقعیت ویژه ای به این منطقه، در بازسازی دموکراتیک جامعه ایران، بخشیده است. تعیین شهر مهاباد بمنظور استقرار مرکز نهاد عالی قضایی، و شهر سنندج بعنوان مرکز شهربانی کل کشور، استفاده از ظرفیتهای، تجارب و امکانات سیاسی - انسانی مردم کردستان را، در ایجاد هر چه سریعتر یک نظام قضایی و امنیتی بیطرف و پیشرو، ممکن خواهد ساخت.

۱۰-۹، قطعنامه پیرامون: ضرورت توافق در کنگره شوراها در مقطع سرنگونی رژیم اسلامی، پیرامون چگونگی تدوین، زمان و نحوه تصویب قانون اساسی کشور.

۹-۱۱، قطعنامه پیرامون: تعیین پرچم و سرود کشور در نظام دموکراتیک- شورایی؛ علائم، شکل و محتوای پرچم و سرود ملی در جمهوری شورایی ایران، باید با محتوای ۱۰۰ سال مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و سوسیالیسم، خوانایی داشته، روح همبستگی و کار و تلاش برای ایجاد یک جامعه انسانی، برابر و عادلانه را منعکس سازد.

۹-۱۱-۱، پرچم جدید ایران، سه رنگ سبز، سفید و سرخ را در بر میگیرد. در میانه پرچم، یک خورشید طلایی بزرگ و در طرفین آن دو ستاره سرخ، قرار میگیرند. سه رنگ اصلی پرچم، پیوند با سنت انقلاب مشروطیت، و تعیین اولین پرچم ملی از سوی اولین مجلس ناشی از این انقلاب را، بیان میکند. خورشید طلایی بزرگ در میانه پرچم، یاد آوری اولین جوامع انسانی در فلات ایران، کار و تلاش، خود- آگاهی، جهان بینی و علائق فرهنگی آنها را منعکس میسازد. دو ستاره سرخ در ابعاد کوچکتر، در طرفین خورشید طلایی، ارجحاری بر مبارزات و انقلابات توده های تحت ستم، در دوره های گذشته و کنونی تاریخ ایران را، بیان میکنند.

۹-۱۲، قطعنامه پیرامون: تعیین موعد انتخابات آتی در کشور؛ این به انتخابات شوراها از سطح کارگاه و محل تا روستا، شهر و استان، کنگره شوراها، مجلس شورای ملی، ریاست جمهوری، تعیین رئیس و اعضای نهاد عالی قضایی کشور، و چگونگی تدوین قانون اساسی کشور، مربوط است.

۹-۱۳، قطعنامه پیرامون: تشکیل ارگان شورای عالی؛ شورای عالی، یک ارگان اجتماعی- دولتی است. هدف از تأسیس آن، سازماندهی حداکثر امکانات مادی- انسانی جامعه، برای توسعه اقتصادی- اجتماعی، و جبران هر چه سریعتر عقب مانده گیهای ناشی از سلطه رژیمهای جنایتکار و غارتگر، در کشور است. این ارگان، ساختار و ابزاری برای تمرکز نیرو و امکانات، و نهادی برای شرکت فعالانه جامعه، در سیاستگذاری دستگاههای دولتی است.

۹-۱۳-۱، نهاد شورای عالی، امکان حضور توده های متشکل مردم و متخصصین را در رأس ارگانهای سراسری تضمین کرده، از سوء استفاده از دستگاه اداری موجود، توسط نیروهای جدید سیاسی در کشور، ممانعت مینماید.

۹-۱۳-۲، ارگان شورای عالی، نهادی متشکل از مسئولین، متخصصین، نماینده گان تشکلهای توده ای، سازمانهای اجتماعی، ابتکارات خودجوش و گروههای کار است. این نهاد، تمام بخشها و دستگاههای فعال در یک رشته معین در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، داخلی و بین المللی را در بر میگیرد.

۹-۱۳-۳، شورای عالی هر حوزه، دارای دفاتر مرکزی بوده، بر آوردها، تصمیم گیریها و توصیه های آن، در کنگره های سالانه، صورت میگیرد. یک هیئت منتخب کنگره، بمثابه بخشی از دستگاه دولتی، وظایف محوله از سوی آن را، پیش میبرد.

۹-۱۳-۴، وزارتخانه دولتی در هر رشته ای، خود بخشی از نهاد شورای عالی نزدیک به آن را تشکیل داده، وزیر مربوط به آن در کابینه دولت، با توافق دولت و شورای عالی هر حوزه، تعیین میگردد.

۹-۱۳-۵، کنگره سراسری شورای عالی در هر حوزه ای، عالیتترین نهاد مسئول، سیاستگذار، همچنین پیشنهاد دهنده قوانین و طرحهای قانونی به هیئت دولت، محسوب میگردد.

۶-۱۳-۹، جزئیات وظایف، اشکال سازمانی و نوع رابطه آن با سایر بخشهای کشوری (دولت، پارلمان و قوه قضاییه)، از سوی کنگره شوراها، مجلس شورای ملی، دولت و نهاد عالی قضایی، مشترکاً تعیین میگردند.

۷-۱۳-۹، استقرار دفتر مرکزی نهاد شورای عالی هر رشته ای در شهرهای مختلف کشور، بمعنی انتقال سازمانهای دولتی نزدیک به این نهاد و موضوع کار آن، به شهر مزبور است.

۱۴-۹، قطعنامه پیرامون: توزیع نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی در سراسر کشور؛ این امر به مشارکت هر چه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خویش منجر شده، روند تصمیم گیریهای دموکراتیک را تسریع نموده، اعتماد در روابط میان شهروندان را تحکیم میسازد. تا تعیین پایتخت جدید بشیوه دموکراتیک، شهر تهران، پایتخت کشور محسوب میگردد.

۱-۱۴-۹، پایتخت کشور باید طی یک دوره زمانی ۳ تا ۵ ساله، به شهری با تنوع فرهنگی، ویژه گیهای تاریخی و برخی امکانات سیاسی مهم، منتقل گردد. در میان شهرهای بزرگ کشور به این منظور، هم اینک شهرهای تبریز، اصفهان و همدان، مناسب ترین شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در اختیار دارند.

۲-۱۴-۹، انتقال بخش اعظم مراکز سازمانهای دولتی، به شهرهای بزرگ و متوسط در سراسر کشور؛ طرح زیر در اینجا صرفاً یک تصویر کلی از اقدامات احتمالی در این زمینه را ترسیم نموده، همه موارد و نیازهای موجود را در بر نگرفته، نمیتواند از دقت لازم برخوردار باشد. بویژه اینکه سالها زندگی در شرایط تبعید، بخودی خود، کم اطلاعی از امکانات و شناخت موقعیتهای اقتصادی- اجتماعی شهرهای کشور را نیز، موجب شده است. اما واقعیت وجود این کمبود، مانع از ارائه یک تصویر اولیه، از شرایط فرضی آتی نمیشود. نهادهای عمومی و دولتی- اجتماعی، براساس طرح کلی زیر، در شهرهای مختلف کشور، مستقر میگردند:

- ۱- مرکز استقرار کابینه دولت و دو پارلمان سراسری- پایتخت کشور،
- ۲- مرکز استقرار نهاد عالی قضایی کشور- شهر مهاباد،
- ۳- شورای عالی مالیات کشور- شهر زاهدان،
- ۴- مرکز شهربانی کل کشور- شهر سنندج،
- ۵- بانک مرکزی کشور- شهر اصفهان،
- ۶- سازمان بازرسی کل کشور- شهر رفسنجان،
- ۷- شورای عالی و بانک اطلاعات کشور- شهر نیشابور،
- ۸- شورای عالی اقتصاد کشور- شهر کرمانشاه،
- ۹- شورای عالی قراردادهای خارجی کشور- شهر اصفهان،
- ۱۰- شورای عالی (اتاق؟!) بازرگانی و صنایع و معادن کشور- شهر کرمان،
- ۱۱- شورای عالی مالکیت اجتماعی در کشور- شهر کرمانشاه،
- ۱۲- شورای عالی پژوهشهای علمی- صنعتی کشور- شهر شیراز،
- ۱۳- شورای عالی آموزش و پرورش کشور- شهر رشت،
- ۱۴- شورای عالی صنایع انرژی کشور- شهر اهواز،
- ۱۵- شورای عالی دفاع کشور- شهر همدان،
- ۱۶- شورای عالی سیاست خارجی کشور- شهر تبریز،
- ۱۷- شورای عالی آبرسانی کشور- شهر بوشهر،
- ۱۸- شورای عالی ایجاد کار و حفظ مشاغل در کشور- شهر زاهدان،
- ۱۹- شورای عالی امنیت داخلی کشور- شهر دامغان،

- ۲۰- شورای عالی آموزش عالی کشور- شهر مشهد،
- ۲۱- شورای عالی پزشکی و تندرستی کشور- شهر ساری،
- ۲۲- شورای عالی صنایع سنگین کشور- شهر اراک،
- ۲۳- شورای عالی صنایع و تکنولوژی ساختمانی در کشور- شهر مشهد،
- ۲۴- شورای عالی توسعه کشاورزی کشور- شهر بیرجند،
- ۲۵- شورای عالی فرهنگ و رسانه های همگانی در کشور- شهر آمل،
- ۲۶- شورای عالی توسعه مناطق تحت تبعیض در رژیمهای گذشته - شهر کرمان،
- ۲۷- شورای عالی آموزشهای حرفه ای در کشور- شهر ساوه،
- ۲۸- شورای عالی شهرسازی روستاهای کشور- شهر شاهرود،
- ۲۹- شورای عالی صنایع پتروشیمی کشور- شهر ماهشهر،
- ۳۰- شورای عالی حفظ محیط زیست کشور- شهر ارومیه،
- ۳۱- شورای عالی خانواده و کودک- شهر ایلام،
- ۳۲- شورای عالی صنایع دریایی کشور- شهر چاه بهار،
- ۳۳- شورای عالی تأمین اجتماعی و بازنشستگان کشور- شهر سقز،
- ۳۴- شورای عالی بودجه و برنامه ریزی کشور- شهر یزد،
- ۳۵- شورای عالی جنگلها و منابع طبیعی کشور- شهر لاهیجان،
- ۳۶- شورای عالی موزه ها و آثار باستانی کشور- شهر قم،
- ۳۷- شورای عالی آزادی بیان و حقوق شهروندی- شهر ارومیه،
- ۳۸- شورای عالی دانش و ابزارهای اطلاعات در کشور- شهر قزوین،
- ۳۹- شورای عالی شهر سازی ضد زلزله در کشور- شهر بم،
- ۴۰- شورای عالی تکنولوژی کشاورزی کشور- شهر زنجان،
- ۴۱- شورای عالی نظام اداری- استخدامی کشور- شهر جهرم،
- ۴۲- شورای عالی بازرگانی داخلی کشور- شهر اصفهان،
- ۴۳- شورای عالی بازرگانی بین المللی کشور- شهر اردبیل،
- ۴۴- شورای عالی صنایع کوچک کشور- شهر درود،
- ۴۵- شورای عالی پست و ارتباطات کشور - شهر گنبد کاووس،
- ۴۶- شورای عالی توسعه و ایمنی راههای کشور- شهر سمنان،
- ۴۷- شورای عالی ورزش و جوانان کشور- شهر زابل،
- ۴۸- شورای عالی تغذیه و صنایع غذایی کشور- شهر یاسوج،
- ۴۹- شورای عالی توسعه صنعتی مناطق شرق کشور- شهر سراوان،
- ۵۰- شورای عالی برچیدن اعتیاد به مواد مخدر در کشور- شهر ایرانشهر،
- ۵۱- شورای عالی تکنولوژی و تولید انرژی خورشیدی در کشور- شهر بوشهر،
- ۵۲- شورای عالی دفاع کشور - شهر همدان،
- ۵۳- شورای عالی گمرکات کشور- شهر بندرعباس،
- ۵۴- شورای عالی نوسازی صنایع کشور- شهر کرج،
- ۵۵- شورای عالی مسکن و شهر سازی کشور- شهر مراغه،
- ۵۶- شورای عالی صنایع هوایی- فضایی کشور- شهر همدان،
- ۵۷- شورای عالی پژوهشهای اجتماعی - فرهنگی در کشور- شهر شیراز،
- ۵۸- شورای عالی فضا و ایمنی محیط کار در کشور- شهر دزفول،
- ۵۹- شورای عالی اقتصاد مناطق شمالی کشور- شهر گرگان،
- ۶۰- شورای عالی صنایع دریایی شمال کشور- شهر بندر ترکمن،
- ۶۱- شورای عالی توسعه آبیاری مناطق کم آب کشور- شهر زابل،
- ۶۲- شورای عالی گسترش روابط با کشورهای آسیای مرکزی- شهر قوچان،

- ۶۳- شورای عالی توسعه صنعت توریسم در کشور- شهر کیش،
- ۶۴- شورای عالی روابط ایران و شبه قاره هند- شهر زاهدان،
- ۶۵- شورای عالی آموزش و سرپرستی کودکان کار در کشور- شهر تهران،
- ۶۶- شورای عالی پیشگیری و ریشه کنی بیماری ایدز- شهر تهران،
- ۶۷- شورای عالی نفت و توسعه اقتصادی کشور- شهر آبادان،
- ۶۸- شورای عالی توسعه خطوط آهن کشور- شهر اندیمشک،
- ۶۹- شورای عالی حفظ محیط زیست خلیج فارس- شهر گناوه،
- ۷۰- شورای عالی باز آموزی و ادغام زندانیان در جامعه- شهر اصفهان،
- ۷۱- شورای عالی توسعه صنایع حمل و نقل کشور- شهر مشهد،
- ۷۲- شورای عالی صنایع ماشین سازی کشور- شهر تبریز،
- ۷۳- شورای عالی توسعه راههای آبی داخلی کشور- شهر رشت،
- ۷۴- شورای عالی توسعه اقتصادی- اجتماعی غرب کشور- شهر ایلام،
- ۷۵- شورای عالی تغذیه و تندرستی کودکان در کشور- شهر بابل،
- ۷۶- شورای عالی صنایع فرش ایران- شهر بیجار،
- ۷۷- شورای عالی صنایع دستی ایران- شهر کرمان،
- ۷۸- شورای عالی توسعه مناطق عشایری کشور- شهر کرد،
- ۷۹- شورای عالی توسعه معادن کشور- شهر بجنورد.

۱- تأسیس یک نظام قضایی دموکراتیک

- ۱۰-۱، قطعنامه پیرامون: ایجاد یک نظام قضایی مستقل از دولت و پارلمان، ...
- ۱۰-۱-۲، در نظام قضایی دموکراتیک، همواره اصل بر برانست است.
- ۱۰-۱-۳، عدم تأسیس هیچگونه دادگاه و نهاد حقوقی کشوری و استانی ویژه. ...
- ۱۰-۱-۴، استقلال قضات از همه مراکز قدرت؛ ...
- ۱۰-۱-۵، حق متهم و وکیل مدافع در رد بیطرفی یک قاضی و ارجاع شکایت ...
- ۱۰-۲، قطعنامه پیرامون: انتخابی بودن قضات و تأیید صلاحیت هر قاضی در هر ...
- ۱۰-۳، قطعنامه پیرامون: علنی بودن کلیه محاکمات؛ ...
- ۱۰-۴، قطعنامه پیرامون: الزامی بودن حضور هیئت منصفه و حق داشتن وکیل ...
- ۱۰-۵، قطعنامه پیرامون: حق جامعه بر خواست اعمال مجازات سنگین و بدون ...
- ۱۰-۶، قطعنامه پیرامون: حق جامعه به مجازات و سلب تابعیت ایرانی از ...

۱۰-۱، قطعنامه پیرامون: ایجاد یک نظام قضایی مستقل از دولت و پارلمان، مستقل از صاحبان ثروت و مؤسسات اقتصادی، و مصون از تأثیر پذیری از سنتهای ارتجاعی، مذهب، افراد، احزاب و نهادهای با نفوذ در جامعه.

۱۰-۱-۲، در نظام قضایی دموکراتیک، همواره اصل بر برانست است.

۱۰-۱-۳، عدم تأسیس هیچگونه دادگاه و نهاد حقوقی کشوری و استانی ویژه؛ همه نهادهای قضایی در کشور، تابعی از قوانین، آیین نامه های عمومی، و شیوه صدور حکم استاندارد و یکسان، میباشند.

۱۰-۱-۴، استقلال قضات از همه مراکز قدرت؛ حق شهروندان برای طرح خواست الغاء یک حکم قضایی، در صورتی که شواهدی مبنی بر وابسته بودن قاضی، در دسترس قرار گیرد.

۱۰-۱-۵، حق متهم و وکیل مدافع، در رد بیطرفی یک قاضی و ارجاع شکایت به بالاترین نهاد قضایی کشور.

۱۰-۲، قطعنامه پیرامون: انتخابی بودن قضات و تأیید صلاحیت هر قاضی در هر سطحی از قضاوت، از سوی نهادهای شورایی توده های متشکل در هر ناحیه، و تأیید آن از طریق نماینده گان مردم در کنگره شوراها و مجلس شورای ملی.

۱۰-۳، قطعنامه پیرامون: علنی بودن کلیه محاکمات؛ در موارد استثنایی که به مسائل خصوصی، و یا رابطه متهم با شهروندان غیر دخیل در جرم صورت گرفته مربوط است، نظر عالیترین ارگان قضایی، تعیین کننده است.

۱۰-۴، قطعنامه پیرامون: الزامی بودن حضور هیئت منصفه، و حق داشتن وکیل مدافع برای متهمین.

۱۰-۵، قطعنامه پیرامون: حق جامعه بر خواست اعمال مجازات سنگین و بدون بخشوده گی، در موارد زیر:

۱- توسل به قدرت سیاسی، نیروی نظامی و موقعیت حزبی، بمنظور سرکوب، شکنجه و اعدام شهروندان کشور،

۱- قتل آگاهانه فردی، که در موقعیت ضعیف اجتماعی، و یا حالت بی خبری از محیط، قرار دارد) فقیر، غیر شاغل، مسن، تمایل جنسی متفاوت، شخص بیهوش و یا در خواب، معلول جسمی یا ذهنی، بیمار، زخمی، مست، معتاد، خارجی و ناآشنا به محیط، و ...)

۲- سوء استفاده از قدرت جسمی مردانه، برای ضرب و شتم و قتل دختران و زنان،

۳- ضرب و شتم و یا قتل کودکان و خردسالان،

۴- سوء استفاده جنسی از کودکان و نوجوانان،

۵- سوء استفاده از کودکان و نوجوانان، برای نگهداری، حمل و نقل، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر،

۶- سوء استفاده از کودکان و نوجوانان، برای ارتکاب جرم و بویژه توسل به قتل،

۷- آموزش آگاهانه کودکان و نوجوانان، برای اقدام به ارتکاب جرم و رفتارهای خلاف نرمهای دموکراتیک،

۸- کشاندن کودکان و نوجوانان، به درون باندهای ارتکاب جرم و خلاف نرمهای دموکراتیک،

۹- سوء استفاده از کودکان و نوجوانان، برای انجام کارهای خطرناک در محیط کار و خانواده.

۱۰-۶، قطعنامه پیرامون: حق جامعه به مجازات و سلب تابعیت ایرانی از افرادی که به طرق مختلف و بطور منظم و آگاهانه، دست به تحقیر مردم بدلائل زبان، جنسیت و " نژاد" زده، بطور

جدی به همبستگی دموکراتیک- شهروندی در جامعه ایران، آسیب میزنند. چنین افرادی با تحقیر مداوم میلیونها نفر از شهروندان، عملاً بی‌اعتنایی و بی‌نیازی خود به حق تابعیت ایرانی، و عدم وجود هیچگونه منافع مشترکی، با بخشی از جامعه را اثبات میکنند. دلایل سیاسی، شغلی یا عادات فرهنگی- محلی، نمیتواند هیچ شکلی از تحقیر و ترور روانی شهروندان را، مجاز گرداند.

۱۱- مالکیت، اقتصاد، سیاست اقتصادی

- ۱۱-۱، قطعهنامه پیرامون: نظام مالکیت در جمهوری شورایی ایران؛ ...
- ۱۱-۲، قطعهنامه پیرامون: تأسیس نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.
- ۱۱-۲-۱، نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، از سوی کنگره شوراها ...
- ۱۱-۳، قطعهنامه پیرامون: انتقال مالکیت صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ...
- ۱۱-۴، قطعهنامه پیرامون: لغو مالکیت‌های دولتی کنونی در صنایع و معادن ...
- ۱۱-۵، قطعهنامه پیرامون: مصادره و انتقال مالکیت‌های متعلق به دستگاه ...
 - ۱۱-۵-۱، داراییها و منابع مالی عمومی و یا متعلق به افراد ...
 - ۱۱-۶، قطعهنامه پیرامون: تعیین هدف توسعه اقتصادی سریع، بر اساس ...
 - ۱۱-۷، قطعهنامه پیرامون: ضرورت غلبه بر اقتصاد تک محصولی کنونی، ...
 - ۱۱-۸، قطعهنامه پیرامون: سیاست بازسازی و نوسازی کامل پالایشگاهها ...
 - ۱۱-۹، قطعهنامه پیرامون: افزایش تدریجی سهم تولید انرژی ...
 - ۱۱-۹-۱، تبدیل مناطق جنوبی و شرق کشور به مراکز تولید انبوه انرژی ...
 - ۱۱-۹-۲، ادغام سازمانی، پرسنلی و مالی این رشته از تولید انرژی ...
 - ۱۱-۹-۳، بکارگیری هر چه بیشتر کارگران و متخصصان مؤسسات ...
 - ۱۱-۹-۴، مصرف کنترل شده ذخایر نفتی و اختصاص هر چه بیشتر ...
 - ۱۱-۹-۵، حق تشکلهای کارگری در بخش نفت و گاز و پتروشیمی، ...
 - ۱۱-۹-۶، افزایش مداوم سهم مصرف نفت در صنایع پتروشیمی ...
 - ۱۱-۹-۷، گسترش صنایع شیمی کشور در مناطق جنوبی و مرکزی کشور، ...
 - ۱۱-۹-۸، تأسیس و گسترش دانشگاهها و مراکز کارآموزی در شهرهای ...
 - ۱۱-۱۰، قطعهنامه پیرامون: بازیس گرفتن ثروتها و سرمایه هایی که افراد ...
 - ۱۱-۱۰-۱، نظام دموکراتیک- شورایی، حراج ثروت‌های کشور تحت ...
 - ۱۱-۱۱، قطعهنامه پیرامون: تدوین و اجرای یک سیاست اقتصادی رادیکال- ...
 - ۱۱-۱۱-۱، بکارگیری یک سیاست اقتصادی متکی بر ایجاد کار؛ ...
 - ۱۱-۱۱-۲، ایجاد یک سیستم اعتبار دهنده از سوی نهاد ...
 - ۱۱-۱۱-۳، افزایش مداوم و منظم قدرت خرید مردم، ...
 - ۱۱-۱۲، قطعهنامه پیرامون: تأسیس وزارت پژوهش‌های علمی- صنعتی ...
 - ۱۱-۱۳، قطعهنامه پیرامون: تأسیس نهاد شهروندی کار و سرمایه؛ ...
 - ۱۱-۱۴، قطعهنامه پیرامون: ایجاد یک سیستم توزیع مدرن و مولد، ...
 - ۱۱-۱۴-۱، نظام توزیع عقب مانده و غیرمولد دلالی-اسلامی، ...
 - ۱۱-۱۵، قطعهنامه پیرامون: تأسیس موزه های علمی- صنعتی ...
 - ۱۱-۱۶، قطعهنامه پیرامون: مصادره کلیه کارخانجاتی که بدلیل سودجویی ...
 - ۱۱-۱۷، قطعهنامه پیرامون: نزدیک سازی نظام تقویم کشور ...
 - ۱۱-۱۸، قطعهنامه پیرامون: حق جامعه به نظارت بر مدیریت ...

۱۱-۱، قطعهنامه پیرامون: نظام مالکیت در جمهوری شورایی ایران؛ در نظام دموکراتیک- شورایی، مالکیت در اشکال اجتماعی، تعاونی، خصوصی و دولتی برسمیت شناخته شده، از مبنای قانونی برخوردار است. در این نظام، مالکیت دولتی کنونی، بدلیل تبدیل شدن آن به وسیله سلطه گری دستگاه دولتی، و نقش آن در تحکیم قدرت رژیمهای سرکوبگر، وجود نخواهد داشت.

بخش اعظم مالکیت کنونی دولتی، به مالکیت اجتماعی ارتقاء یافته، از انحصار دستگاه دولتی خارج می‌شود. مؤسسات دولتی کنونی، که جزئی از فعالیتهای اصلی وزارتخانه‌ها محسوب می‌گردند، نظیر مؤسسات آب، برق، خطوط آهن شهری و راه دور، مؤسسات تندرستی، آموزش همگانی و نظایر آن، همچنان تحت مالکیت دولتی، باقی خواهند ماند.

۱۱-۲، قطعنامه پیرامون: تأسیس نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۱۱-۲-۱، نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، از سوی کنگره شوراها - و پس از تشکیل مجلس شورای ملی از سوی این مجلس نیز- تأسیس می‌گردد. این نهاد، سپس تحت مسئولیت مشترک نماینده‌گان ارگانهای زیر قرار می‌گیرد:

۱- شوراها، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری از سراسر کشور،

۲- اتحادیه‌های دهقانی و نهادهای توده‌ای روستایی،

۳- کانونها و اتحادیه‌های کارمندان، زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان و غیر شاغلین،

۴- نهادهای دموکراتیک متخصصان، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان،

۵- نهادهای شاغلین در بخش تندرستی و ورزش، شوراهای پرسنل ارتش، انتظامات و امنیت،

۶- سازمانهای دموکراتیک اقتصاد تعاونی و خصوصی،

۷- کنگره شوراها،

۸- مجلس شورای ملی،

۹- هیئت دولت،

۱۰- نهاد عالی قضایی کشور،

۱۱- استانداریها و شوراهای استان و شهرستان،

۱۲- بانک مرکزی کشور.

۱۱-۳، قطعنامه پیرامون: انتقال مالکیت صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع سنگین بزرگ، از دولت به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۱۱-۴، قطعنامه پیرامون: لغو مالکیت‌های دولتی کنونی در صنایع و معادن، و واگذاری آنها به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی؛ سپردن مالکیت منابع طبیعی و اراضی عمومی کشور به نهاد مزبور.

۱۱-۵، قطعنامه پیرامون: مصادره و انتقال مالکیت‌های متعلق به دستگاه مذهب حاکم، به این ارگان شهروندی.

۱-۵-۱۱، داراییها و منابع مالی عمومی، و یا متعلق به افراد و مؤسسات خلع مالکیت شده در خارج از کشور، به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، تعلق خواهد گرفت.

۱۱-۶، قطعنامه پیرامون: تعیین هدف توسعه اقتصادی سریع، بر اساس انعقاد قراردادهای ویژه همه جانبه با کشورهای معین، بمنظور توسعه متمرکز و سریع اقتصادی، ایجاد گسترده محل کار، بهبود و نوسازی زیرساختهای صنعتی کشور.

۱۱-۷، قطعنامه پیرامون: ضرورت غلبه بر اقتصاد تک محصولی کنونی، گسترش همه شاخه های اقتصادی، اتکاء درآمدهای جامعه بر نتایج توسعه متوازن همه عرصه های تولید، خدمات و بازرگانی؛ بکارگیری هر چه بیشتر منابع نفت کشور برای مصارف متنوع تر، جدیدتر و ضروری تر شاخه های تولید.

۱۱-۸، قطعنامه پیرامون: سیاست بازسازی و نوسازی کامل پالایشگاهها و مؤسسات مربوط به صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، در کوتاهترین زمان ممکن؛ بویژه ویرانیهای ناشی از جنگ ارتجاعی، در این رشته حیاتی اقتصادی؛ توسعه امکانات ایجاد مشاغل در بخش نفت و پتروشیمی.

۱۱-۹، قطعنامه پیرامون: افزایش تدریجی سهم تولید انرژی از منابع جدید و قبل از همه، انرژی خورشیدی.

۱۱-۹-۱، تبدیل مناطق جنوبی و شرق کشور، به مراکز تولید انبوه انرژی خورشیدی، با هدف تأمین نیازهای داخلی و صدور آن.

۱۱-۹-۲، ادغام سازمانی، پرسنلی و مالی این رشته از تولید انرژی، در چهارچوب تأسیسات صنایع نفت و گاز کشور.

۱۱-۹-۳، بکارگیری هر چه بیشتر کارگران و متخصصان مؤسسات مربوط به صنایع نفت، در این رشته جدید اقتصادی؛ از این طریق، تضمین شرایط کار انسانی تر و امنیت شغلی بیشتر برای کارگران بخش نفت، و ممانعت از تأثیرات منفی، ناشی از تغییرات ساختاری در اقتصاد انرژی، بر موقعیت شغلی کارگران نفت.

۱۱-۹-۴، مصرف کنترل شده ذخایر نفتی و اختصاص هر چه بیشتر منابع نفت، به صنایع پتروشیمی و صنایع شیمیایی.

۱۱-۹-۵، حق تشکلهای کارگری در بخش نفت و گاز و پتروشیمی، به رد هر سیاستی و جلوگیری عملی از اجرای آن در اقتصاد انرژی کشور- اگر اجرای چنین سیاستی به امنیت شغلی کارگران در این رشته، آسیب بزند.

۱۱-۹-۶، افزایش مداوم سهم مصرف نفت در صنایع پتروشیمی و صنایع شیمیایی داخلی؛ کاهش تدریجی سهم نفت در کل مصرف انرژی داخلی، و جایگزینی آن با مصرف گاز و انرژی خورشیدی.

۷-۹-۱۱، گسترش صنایع شیمیایی، در مناطق جنوبی و مرکزی کشور؛ ترویج تکنولوژی مدرن در این عرصه؛ افزایش هرچه بیشتر ظرفیتهای این بخش و تبدیل کشور، به یکی از مراکز تکنولوژی و تولید در صنایع شیمیایی جهان.

۸-۹-۱۱، تأسیس و گسترش دانشگاهها و مراکز کارآموزی، در شهرهای دارای تأسیسات نفت و گاز و پتروشیمی؛ بمنظور افزایش هرچه بیشتر امکانات ایجاد کار، و بهبود کیفیت تولیدات این بخش کلیدی از اقتصاد کشور.

۱۰-۱۱، قطعهنامه پیرامون: بازپس گرفتن ثروتها و سرمایه هایی که افراد و یا مؤسسات، از طریق استفاده از شرایط جنگ ارتجاعی، تیربارانهای دسته جمعی زندانیان سیاسی، و یا نزدیکی به رژیم ترور، کسب نموده اند. انتقال سرمایه های بازپس گرفته شده به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۱-۱۰-۱۱، نظام دموکراتیک- شورایی، حراج ثروتهای کشور تحت عنوان " خصوصی سازی " از سوی رژیم اسلامی را رد و محکوم نموده، کلیه مؤسسات فوق را به مالک اصلی آن، یعنی مردم ایران بازگردانده، به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، خواهد سپرد.

۱۱-۱۱، قطعهنامه پیرامون: تدوین و اجرای یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، و عدم تبعیت از سیاست اقتصادی تحمیل شده از سوی نهادهای مالی بین المللی.

۱-۱۱-۱۱، بکارگیری یک سیاست اقتصادی متکی بر ایجاد کار؛ هدایت سیاستهای مالی، نظام بانکی و قراردادهای خارجی کشور بر این اساس.

۲-۱۱-۱۱، ایجاد یک سیستم اعتبار دهنده از سوی نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی؛ برای تنظیم گردش اقتصادی و بازار عرضه و تقاضا، تبدیل آن به عنصر بسیار مهم دینامیزم توسعه اقتصادی و ایجاد کار.

۳-۱۱-۱۱، افزایش مداوم و منظم قدرت خرید مردم، بویژه کارگران و شهروندان روستایی، از طریق ارائه اعتبارات تضمین شده، از سوی نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۲-۱۱-۱۱، قطعهنامه پیرامون: تأسیس وزارت پژوهشهای علمی- صنعتی و الزامی ساختن شرکت در تحقیقات علمی، برای تحصیل کرده گان شاغل و غیرشاغل، بعنوان جزئی از سیاست اقتصادی کشور.

۳-۱۱-۱۱، قطعهنامه پیرامون: تأسیس نهاد شهروندی کار و سرمایه؛ نهاد کار و سرمایه، یک نهاد اجتماعی برای بررسی شرایط اقتصادی کشور بوده، نتایج پژوهشهای آن، یکی از مبانی اصلی اتخاذ سیاستهای اقتصادی، محسوب خواهد گردید؛ الزام همه مؤسسات اجتماعی، خصوصی و دولتی به همکاری با این نهاد؛ حق این نهاد به دسترسی به همه اطلاعات و آمارهای ضروری، در دستگاههای دولتی و مؤسسات غیر دولتی؛ این یک مؤسسه مستقل شهروندی است؛ از این رو، اطلاعات افراد و مؤسسات نزد این نهاد، نباید برای اموری نظیر دریافت مالیات و یا موارد اطلاعاتی- امنیتی، مورد استفاده قرار گیرند.

۱۴-۱۱، قطعهنامه پیرامون: ایجاد یک سیستم توزیع مدرن و مولد، و برچیدن کامل سیستم توزیع متکی بر دلالتی؛ ادغام سیستم توزیع در چهارچوب الزامات ناشی از اهداف سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، در ایجاد کار و حفظ مشاغل موجود.

۱-۱۴-۱۱، نظام توزیع عقب مانده و غیرمولد دلالتی-اسلامی، نقش بسیار مهمی در قدرت گیری رژیم ترور اسلامی، ایفا کرد. این نظام، آغشته به ارتجاعی ترین روشها، روحیات و عادات اسلامی، در کوتاه ترین زمان ممکن، به شیوه انقلابی و از طریق ایجاد شبکه گسترده و سراسری مؤسسات توزیع زنجیره ای، جایگزین میگردد. دولت، بخش خصوصی، بخش اجتماعی و تعاونی اقتصاد، باید در هماهنگی سازمانیافته با مؤسسات تولیدی، سیستم مدرن توزیع را ایجاد کنند.

۱۵-۱۱، قطعهنامه پیرامون: تأسیس موزه های علمی-صنعتی، در کلیه شهرهای بزرگ و متوسط کشور؛ این اقدام با هدف گسترش دانش کاربردی و جبران هر چه سریعتر عقب مانده گی اقتصادی-اجتماعی، ناشی از سلطه رژیمهای جنایتکار، صورت میگیرد.

۱۶-۱۱، قطعهنامه پیرامون: مصادره کلیه کارخانجاتی که بدلیل سودجویی و استفاده از شرایط ترور در رژیم اسلامی، از پرداخت دستمزد کارگران خودداری کرده، یا آن را با تأخیر طولانی پرداخت نموده اند. سپردن مالکیت مؤسسات فوق، به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۱۷-۱۱، قطعهنامه پیرامون: نزدیک سازی نظام تقویم کشور، به چهارچوبهای بین المللی بر اساس دلایل اقتصادی، و جهت تسهیل مناسبات مردم ایران با جامعه بین المللی؛ این شامل برسمیت شناسی مبدأ تاریخ عمومی جهان (میلادی)، بعنوان تقویم اصلی کشور، تعیین روزهای شنبه و یکشنبه بعنوان روزهای تعطیل در هفته، تعیین عدد نویسی عربی-بین المللی به جای عدد نویسی کنونی (عربی- منطقه ای)، ذکر تقویم بین المللی در کنار تقویم ایرانی در اسناد دولتی، امور مالی و اقتصادی، کتب درسی و رسانه های گروهی، و ادغام روزهای تعطیل بین المللی، در تقویم روزهای تعطیل کشور، و حذف کلیه تعطیلات اسلامی میگردد.

۱۸-۱۱، قطعهنامه پیرامون: حق جامعه به نظارت بر مدیریت واحدهای بزرگ تولیدی، مالی، خدماتی و بازرگانی، بمنظور جلوگیری از سوء استفاده از قدرت اقتصادی-مالی این مؤسسات؛ این امر از طریق حضور نماینده گانی از سوی کنگره شوراها، مجلس شورای ملی، اتحادیه های کارگری و اتحادیه های کارفرمایان در نشستهای تصمیم گیریهای استراتژیک این مؤسسات، صورت خواهد گرفت.

۲-۱ - تأمین اجتماعی و بیمه درمانی، بهداشت و تندرستی

- ۱-۲-۱، قطعهنامه پیرامون: تضمین حق تندرستی بمثابه یک حق اولیه شهروندی، ...
- ۲-۲، قطعهنامه پیرامون: تضمین حق داشتن یک مناسب و فضای کافی، ...
- ۱-۲-۲-۱، حق جوانان، پس از رسیدن به ۱۸ سالگی، به داشتن ...
- ۲-۲-۲، تدوین یک برنامه زمانبندی شده، برای تبدیل تمام بناهای مسکونی ...
- ۳-۲، قطعهنامه پیرامون: تأسیس وزارت خدمات شهروندی و حمایتی ...
- ۴-۲، قطعهنامه پیرامون: تأمین بیمه درمانی همگانی با کیفیت ...

- ۱-۴-۱۲، حق شهروندان به دستیابی به حداقل یک محل کار آموزی ...
- ۲-۴-۱۲، حق شهروندان به دریافت بیمه بیکاری پس از رسیدن ...
- ۳-۴-۱۲، گسترش وسیع بیمارستانها و نوسازی مراکز درمانی کنونی، ...
- ۴-۴-۱۲، اهمیت پایه ای برای سیستم پیشگیری از بیماری ...
- ۵-۴-۱۲، حق مردم به انجام معاینات پزشکی منظم، کامل و رایگان، ...
- ۶-۴-۱۲، حق نوزادان به انجام معاینات کامل و منظم پزشکی، ...
- ۷-۴-۱۲، حق شهروندان به دریافت رایگان آموزشها، ...
- ۸-۴-۱۲، حق مردم در تجهیز فکری خود متکی بر آخرین ...
- ۹-۴-۱۲، تأسیس مراکز مشورتهای تندرستی در همه شهرها ...
- ۱۰-۴-۱۲، تأسیس مراکز تندرستی و مشورتی در محیط کار و آموزش، ...
- ۱۱-۴-۱۲، همکاری فعال دستگاههای دولتی با مراکز ورزشی ...
- ۱۲-۴-۱۲، حق شهروندان به حفاظت از اطلاعات شخصی ...
- ۵-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط ...
- ۶-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: ارتقاء مداوم سطح درآمد، امکانات رشد تخصصی ...
- ۷-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: بهبود سطح درآمد و امکانات رشد مداوم ...
- ۸-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: هماهنگ سازی تمام پژوهشهای تندرستی ...
- ۱-۸-۱۲، الزام پزشکان کشور به همکاری منظم و عملی ...
- ۲-۸-۱۲، ادغام بخشی از سیاستهای حفظ محیط زیست در نظام ...
- ۳-۸-۱۲، ایجاد مؤسسات داروسازی و شعبات زنجیره ای از داروخانه ها، ...
- ۹-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: ایجاد امکان برای استفاده از استعدادها ...
- ۱-۹-۱۲، تأسیس مراکز کار و تولید ویژه آسیب دیده گان جسمی، ...
- ۱۰-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تضمین زندگی رفاهی و تندرستی ...
- ۱۱-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: حق همگان به دریافت حقوق بازنشستگی ...
- ۱-۱۱-۱۲، همکاری سازمانهای دولتی با نهادهای بازنشستگان، ...
- ۲-۱۲-۱۲، قطعنامه پیرامون: حق مردم برای استفاده از دستاوردهای ...
- ۱-۱۲-۱۲، الزام به تصویب هر سطحی از بکارگیری تکنولوژی ژن ...
- ۲-۱۲-۱۲، ممنوعیت مالکیت خصوصی بر دستاوردهای ...
- ۳-۱۲-۱۲، حق شهروندان معلول بویژه، در استفاده از دستاوردهای ...
- ۴-۱۲-۱۲، حق زنان کشور برای سهم بری خاص از نتایج ...

۱-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تضمین حق تندرستی بمثابة یک حق اولیه شهروندی؛ مستقل از درآمد و موقعیت اجتماعی فرد.

۲-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تضمین حق داشتن یک مسکن مناسب و فضای کافی، بویژه برای کودکان و نوجوانان؛ پرداخت حق مسکن به شهروندان، برای جبران بخشی از هزینه های مسکن، بهبود مداوم کیفیت مسکن در کشور.

۱-۲-۱۲، حق جوانان، پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، به داشتن یک مسکن مستقل و کمکهای دولتی برای تأمین هزینه آن.

۲-۲-۱۲، تدوین یک برنامه زمانبندی شده، برای تبدیل تمام بناهای مسکونی در مناطق زلزله خیز کشور به مجتمع های مسکونی ضد زلزله.

۳-۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تأسیس وزارت خدمات شهروندی و حمایتهای مالی- حقوقی نامحدود از آن، که وظایف آن امور زیر را در برمیگیرد:

- ۱- مبارزه علیه گسترش بیماری ایدز، و هماهنگ ساختن پژوهشهای دانشگاهها، مؤسسات مختلف و بنگاههای داروسازی در این زمینه؛ ارائه کمکهای وسیع برای معالجه بیماران؛ تدابیر همگانی و آموزش جامعه، برای پیشگیری از شیوع این بیماری،
- ۲- رسیده گی به وضعیت زندانها، کمک همه جانبه به بازسازی زندانیان، و ادغام دوباره مجرمین سابق در زندگی معمولی،
- ۳- اقدامات وسیع برای ریشه کنی اعتیاد و تولید و قاچاق مواد مخدر؛ ایجاد مؤسسات کار، آموزش شغلی و همگانی، تندرستی و ورزش برای معتادان،
- ۴- فعالیت همه جانبه برای حل معضل کودکان کار و زنان خیابانی، در کوتاهترین زمان ممکن؛ ادغام این بخش از شهروندان تحت فقر و سرکوب و سوءاستفاده، در مؤسسات آموزش شغلی و کار و ورزش، که باید سریعاً به این منظور تأسیس شوند. این بویژه اهمیت دارد، از آنجا که عدم حل سریع آن، خطر تبدیل کشور، به مرکزی برای توریسم سکس را در پی دارد.

۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: تامین بیمه درمانی همگانی با کیفیت یکسان؛ صرفنظر از موقعیت شغلی و اجتماعی افراد، با مناسب ترین امکانات تأمین آن، برای شهروندان کم درآمد؛ جامعه باید بسرعت، به سمت رایگان سازی همه انواع خدمات بیمه همگانی، حرکت کند.

۱-۴-۱۲، حق شهروندان به دستیابی به حداقل یک محل کار آموزی و یا اشتغال، پس از رسیدن به سن ۱۶ سالگی، در صورت عدم تمایل به ادامه تحصیل.

۲-۴-۱۲، حق شهروندان به دریافت بیمه بیکاری پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، در صورتیکه در شرایط تحصیل، کارآموزی و یا کار نیستند.

۳-۴-۱۲، گسترش وسیع بیمارستانها و نوسازی مراکز درمانی کنونی، بویژه در مناطق دور از مرکز.

۴-۴-۱۲، اهمیت پایه ای برای سیستم پیشگیری از بیماری، در نظام تندرستی کشور.

۵-۴-۱۲، حق مردم به انجام معاینات پزشکی منظم، کامل و رایگان، جهت پیشگیری از بیماری.

۶-۴-۱۲، حق نوزادان به انجام معاینات کامل و منظم پزشکی، تضمین تندرستی و کنترل مداوم چگونگی و سطح رشد تواناییهای جسمی و فکری.

۷-۴-۱۲، حق شهروندان به دریافت رایگان آموزشها، تمرینات و مشورتهای مربوط به تقویت قدرت جسمی و فکری؛ جهت افزایش کیفیت سلامت و توانایی تصمیم گیری و مقابله با معضلات زندگی فردی- اجتماعی، بعد از دهه ها سلطه دیکتاتوری و سرکوب؛ تشویق دختران و زنان به استفاده از امتیازات این حق دموکراتیک.

۸-۴-۱۲، حق مردم در تجهیز فکری خود، متکی بر آخرین دستاوردهای علمی بشری، و برای انطباق شرایط زندگی فردی، با توسعه فکری- فرهنگی جهان آینده.

۹-۴-۱۲، تأسیس مراکز مشورتهای تندرستی در همه شهرها و روستاهای کشور؛ کمک به شهروندان برای افزایش خود- آگاهی سلامتی جسمی و فکری؛ ادغام امر تندرستی، در زندگی شغلی و اجتماعی.

۱۰-۴-۱۲، تأسیس مراکز تندرستی و مشورتی در محیط کار و آموزش، و ارائه خدمات فوری و رایگان در این مراکز.

۱۱-۴-۱۲، همکاری فعال دستگاههای دولتی با مراکز ورزشی برای ایجاد امکانات عملی، جهت تقویت شرایط تندرستی جسمی و فکری، و ادغام این فعالیت مشترک در سیستم بیمه همگانی.

۱۲-۴-۱۲، حق شهروندان به حفاظت از اطلاعات شخصی مربوط به تندرستی خود، بمنظور ممانعت از ایجاد تبعیض، در کسب فرصتهای شغلی و صدمه زدن به مناسبات اجتماعی مردم.

۵-۱۲، قطعهنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به بخش تندرستی، از طریق سازمانهای مستقل پزشکان، پرستاران و کارکنان این بخش، برای ارائه به پارلمان و دولت.

۶-۱۲، قطعهنامه پیرامون: ارتقاء مداوم سطح درآمد، امکانات رشد تخصصی و ترقی شغلی پرستاران و پرسنل بخش تندرستی کشور، همکاری فعالانه نهادهای دولتی با تشکلهای مستقل پرستاران در این زمینه.

۷-۱۲، قطعهنامه پیرامون: بهبود سطح درآمد، و امکانات رشد مداوم تخصص و ترقی شغلی پزشکان و پرسنل پزشکی.

۸-۱۲، قطعهنامه پیرامون: هماهنگ سازی تمام پژوهشهای تندرستی در کشور در یک نظام مرکزی؛ از این طریق بهره برداری مؤثر از اطلاعات جدید، تواناییها و تخصصهای موجود، بویژه برای تسریع ریشه کنی بیماریهای لاعلاج.

۱-۸-۱۲، الزام پزشکان کشور، به همکاری منظم و عملی، با حداقل ۲ طرح پژوهشی روز؛ متناسب با تخصص و شرایط شغلی خود.

۲-۸-۱۲، ادغام بخشی از سیاستهای حفظ محیط زیست، در نظام تندرستی کشور؛ هماهنگی تنگاتنگ اقدامات همه ارگانهای دخیل در این دو بخش با یکدیگر.

۳-۸-۱۲، ایجاد مؤسسات داروسازی و شعبات زنجیره ای از داروخانه ها، از سوی نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی؛ بویژه در روستاها و شهرهای کوچک، برای دسترسی ساده تر مردم به بهترین داروهای ضروری؛ رقابت برابر حقوق با بخش خصوصی در این زمینه، از این طریق کمک به ایجاد استانداردهای انسانی و مدرن، در بخش اقتصاد تندرستی.

۹-۱۲، قطعهنامه پیرامون: ایجاد امکان برای استفاده از استعدادهای آسیب دیده گان جسمی در محیط کار، و تأمین یک زندگی مولد، برای این بخش از شهروندان کشور.

۱-۹-۱۲، تأسیس مراکز کار و تولید ویژه آسیب دیده گان جسمی و ذهنی، که در بخشهای عمومی اقتصاد جذب نشده اند؛ از این طریق، تضمین یک زندگی مولد، برای این بخش از شهروندان.

۱۰-۱۲، قطعنامه پیرامون: تضمین زندگی رفاهی و تندرستی بازنشستگان و سالمندان؛ گسترش خانه های سالمندان به همه شهرها و روستاهای کشور؛ بهبود کیفیت ارائه خدمات در خانه های سالمندان کنونی.

۱۱-۱۲، قطعنامه پیرامون: حق همگان به دریافت مستمری بازنشستگی پس از رسیدن به سن ۵۰ و ۵۵ سالگی برای زنان و مردان؛ مستقل از پرداخت و یا عدم پرداخت سهمی به صندوق بازنشستگی، و صرفنظر از میزان پرداخت آن؛ انطباق سطح آن، با سطح حداقل دستمزد و نیازهای خاص سنین بازنشستگی.

۱-۱۱-۱۲، همکاری سازمانهای دولتی با نهادهای مستقل بازنشستگان، برای بکارگیری تجارب بازنشستگان داوطلب در رشته های ضروری برای توسعه کشور؛ همچنین حفظ سطحی از زندگی شغلی، و مناسبات اجتماعی روزمره برای آنان.

۱۲-۱۲، قطعنامه پیرامون: حق مردم برای استفاده از دستاوردهای تکنولوژی ژن، برای بهبود تندرستی و رفع نارساییهای طبیعی جسمی و روحی.

۱-۱۲-۱۲، الزام به تصویب هر سطحی از بکارگیری تکنولوژی ژن، در ایجاد تغییرات ژنتیک خاص انسان، از سوی کلیه ارگانهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی، سراسری و منطقه ای؛ تعیین حد و مرز دقیق تغییرات ژنتیک مربوط به انسان در قوانین کشور.

۲-۱۲-۱۲، ممنوعیت مالکیت خصوصی بر دستاوردهای تکنولوژی ژن؛ حق مالکیت انحصاری جامعه در این رشته؛ حق نظارت کامل شهروندان، بر کلیه لحظات یک تحقیق ژنتیک خاص انسان، از دریافت مجوز تا صلاحیت علمی- اخلاقی پژوهشگران، تجهیزات فنی و متدهای پژوهشی بکار رفته، محل و تاریخ تحقیقات و آزمایشها؛ اعلام نتایج یک تحقیق مربوط به تکنولوژی ژن مربوط به انسان، تنها از سوی بالاترین مسئولین دولتی مربوطه.

۳-۱۲-۱۲، حق شهروندان معلول بویژه، در استفاده از دستاوردهای تکنولوژی ژن، برای غلبه بر نقایص جسمی و ذهنی خود.

۴-۱۲-۱۲، حق زنان کشور برای سهم بری خاص از نتایج تحقیقات تکنولوژی ژن، بمنظور بهبود شرایط جسمی، ترمیم صدمات جسمی ناشی از تهاجمات تروریستی در رژیم اسلامی، و رفع نارساییهای مربوط به ویژه گیهای جسمی مختص زنان.

۱۳ - آموزش و جوانان

- ۱-۱۳، قطعنامه پیرامون: برقراری نظام آموزش رایگان، از دوره مهد ...
- ۱-۱۳-۱، بیمه درمانی کامل و رایگان، از دوران مهد کودک تا انتهای ...
- ۲-۱۳-۱، ممنوعیت دریافت هر نوعی از هزینه تحصیلی ...
- ۳-۱۳-۱، کمک هزینه تحصیلی کافی برای دانشجویان و دانش آموزان، ...
- ۴-۱۳-۱، تأسیس مراکز آموزش تندرستی و دفاتر مشورتهای ...
- ۵-۱۳-۱، تأسیس و نوسازی خوابگاههای دانشجویی؛ ...
- ۶-۱۳-۱، تأسیس یک مرکز کارپایی سراسری، با همکاری ...
- ۷-۱۳-۱، تبدیل سال آخر دبیرستان، همچنین، به دوره گذار به دانشگاه، ...

- ۱-۸-۱۳، ضرورت گسترش ورزشهای جسمی و فکری ...
- ۱۳-۲، قطعهنامه پیرامون: انحلال فوری همه دسته جات ...
- ۱۳-۳، قطعهنامه پیرامون: حق تشکلهای دانش آموزان، دانشجویان ...
- ۱-۳-۱۳، قطعهنامه پیرامون: حق فعالیت آزاد سیاسی، فرهنگی ...
- ۱۳-۴، قطعهنامه پیرامون: حق جوانان از سن ۱۶ سالگی ...
- ۱۳-۵، قطعهنامه پیرامون: حق دانش آموزان، دانشجویان ...
- ۱۳-۶، قطعهنامه پیرامون: تبدیل کلیه مراکز تحصیلی ...
- ۱۳-۷، قطعهنامه پیرامون: هدف فوری توسعه و تکامل همه ...
- ۱-۷-۱۳، تعیین جمع آوری، کار منظم و علمی ...
- ۲-۷-۱۳، نوسازی کامل همه مراکز آموزشی و کار آموزی ...
- ۳-۷-۱۳، تأسیس دانشگاهها و مراکز کار آموزی جدید، ...
- ۴-۷-۱۳، یکسان سازی استانداردهای علمی، اداری و ...
- ۵-۷-۱۳، ایجاد ارتباط کامل بین همه مدارس، دانشگاهها ...
- ۶-۷-۱۳، ایجاد امکانات وسیع برای استفاده مناسب ...
- ۷-۷-۱۳، ایجاد امکانات وسیع در مدارس برای تشویق ...
- ۸-۷-۱۳، ایجاد امکانات همه جانبه، برای گسترش ...
- ۹-۷-۱۳، امر تبدیل آموزش مناسبات عاطفی- انسانی ...
- ۱۰-۷-۱۳، تأسیس گسترده مراکز تفریحی- اجتماعی برای جوانان، ...
- ۱۱-۷-۱۳، حق دانشجویان به تحصیل رایگان در چندین رشته تحصیلی، ...
- ۱۲-۷-۱۳، حق دانشجویان و محققین به تحصیل مادام العمر و رایگان؛ ...
- ۱۳-۷-۱۳، ارتباط ارگانیک، سازمانیافته و دائمی میان مراکز آموزش ...
- ۱۴-۷-۱۳، تعیین دو زبان بین المللی کشورهای قدیمی صنعتی، ...
- ۸-۱۳، قطعهنامه پیرامون: تأسیس آموزشگاه عالی ویژه توده های مردم؛ ...
- ۱-۸-۱۳، عمومیت بخشیدن به برگزاری سمینارهای علمی- آموزشی ...
- ۲-۸-۱۳، قطعهنامه پیرامون: تأسیس امکانات رشد توانایی ...
- ۳-۸-۱۳، قطعهنامه پیرامون: تأسیس فرستنده های متعدد رادیو- تلویزیونی ...

۱-۱۳-۱، قطعهنامه پیرامون: برقراری نظام آموزش رایگان، از دوره مهد کودک تا انتهای دوره آموزش شغلی (دانشگاه و آموزشگاه حرفه ای).

۱-۱-۱۳، بیمه درمانی کامل و رایگان، از دوران مهد کودک تا انتهای دوران کارآموزی و یا تحصیل در دانشگاه.

۲-۱-۱۳، ممنوعیت دریافت هر نوعی از هزینه تحصیلی از دانش آموزان/کارآموزان/دانشجویان و یا خانواده های آنان.

۳-۱-۱۳، کمک هزینه تحصیلی کافی برای دانشجویان و دانش آموزان، مستقل از موقعیت مالی خانواده ها.

۴-۱-۱۳، تأسیس مراکز آموزش تندرستی و دفاتر مشورتهای فردی- اجتماعی در کلیه مراکز تحصیلی؛ تشویق دختران و پسران به انجام معاینات پزشکی منظم، و تقویت و تحکیم خود- آگاهی تندرستی و جنسی در میان آنان.

۵-۱-۱۳، تأسیس و نوسازی خوابگاههای دانشجویی؛ همه دانشجویان کشور، باید از روز شروع تحصیل، از مسکن دانشجویی مناسب و مدرن، برخوردار شوند. تجهیز همه خوابگاههای دانشجویی کشور به ابزارهای مدرن ارتباطی، سالنها و مراکز مطالعه، تفریح و محیط گسترش مناسبات انسانی- عاطفی میان شهروندان جوان.

۱-۶-۱۳، تأسیس یک مرکز کاریابی سراسری، با همکاری اتحادیه های کارگری و تشکلهای دانش آموزان، دانشجویان و کارآموزان، برای تضمین بهترین شرایط کار موقت در هفته ها و ماههای تعطیل مراکز تحصیلی؛ حق کارکنان جوان و موقت به استفاده از همه امکانات بیمه تندرستی و حقوق کارگران، مندرج در مواد قانون کار دموکراتیک؛ مدیریت و نظارت این مؤسسات از طریق تشکلهای کارگران، دانشجویان، دانش آموزان و کارآموزان.

۱-۷-۱۳، تبدیل سال آخر دبیرستان، همچنین، به دوره گذار به دانشگاه، زندگی شغلی، یا تأسیس خانواده؛ از این طریق، ایجاد آماده گی اجتماعی، علمی، عملی در میان نسل جوان.

۱-۸-۱۳، ضرورت گسترش ورزشهای جسمی و فکری در مدارس و دانشگاهها؛ استفاده وسیع و متکی بر دستاوردهای علمی، از ورزشهای فکری و جسمی در نظام آموزشی کشور.

۱۳-۲، قطعنامه پیرامون: انحلال فوری همه دسته جات موسوم به حفاظت و حراست در مراکز آموزش کشور؛ تعیین موارد مربوط به امور و نحوه حفاظت این مراکز، با همکاری تشکلهای دانش آموزان، دانشجویان، کارآموزان، معلمان و استادان.

۱۳-۳، قطعنامه پیرامون: حق تشکلهای دانش آموزان، دانشجویان و کارآموزان، برای تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به خود، برای ارائه به پارلمان و دولت.

۱۳-۳-۱، قطعنامه پیرامون: حق فعالیت آزاد سیاسی، فرهنگی و هنری در مدارس، دانشگاهها، مراکز کار آموزی، و حمایتهای قانونی و مالی از این فعالیتها.

۱۳-۴، قطعنامه پیرامون: حق جوانان از سن ۱۶ سالگی به شرکت در انتخابات محلی، استانی و یا سراسری؛ حق انتخاب شدن در همه ارگانهای منطقه ای و کشوری از سن ۱۸ سالگی.

۱۳-۵، قطعنامه پیرامون: حق دانش آموزان، دانشجویان و کارآموزان، برای انتخاب مستقیم کلیه مسئولین محل آموزش، و شرکت برابر حقوق در تنظیم مقررات و آئین نامه های داخلی مؤسسه مربوط به خود.

۱۳-۶، قطعنامه پیرامون: تبدیل کلیه مراکز تحصیلی (مهدکودک، دبستان، دبیرستان، مراکز کار آموزی، دانشگاه) به مجموعه های آموزشی، ورزشی و پژوهشی تمام وقت؛ باید بخش اعظم فرصتهای یادگیری، رشد شخصیت، آشناییها و رابطه های انسانی کودکان، نوجوانان و جوانان، در چنین مراکزی سپری شده، از تأثیرات مناسبات اسلامی- ارتجاعی خانواده ایرانی، مصون بمانند.

۱۳-۷، قطعنامه پیرامون: هدف فوری توسعه و تکامل همه سیستمهای آموزشی و تحقیقی در کشور، بر پایه بکارگیری وسیع و گسترده تکنولوژی نوین تولید و کار بر روی اطلاعات (کامپیوتر، اینترنت).

۱۳-۷-۱، تعیین جمع آوری، کار منظم و علمی بر روی اطلاعات، بمثابة یک ماده تحصیلی مهم در کلیه مراکز آموزشی و کار آموزی؛ از این طریق هماهنگ سازی مدلها، فکر و تصمیم گیری

شخصی و اجتماعی، با نیازهای جهان مداوماً در حال تغییر کنونی؛ سرعت دادن به گسست از اشکال سنتی و "طبیعی" فکر و تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی، بویژه نوع سلطنتی-اسلامی آن؛ تسریع تثبیت مناسبات مدرن دموکراتیک در جامعه همچنین از این طریق.

۷-۱۳-۲، نوسازی کامل همه مراکز آموزشی و کارآموزی در کشور؛ و انطباق آنها با مدرن‌ترین سطح سیستم تعلیم و تربیت و آموزش در جهان آتی؛ کارآموزی در ایران دموکراتیک، باید با چشم انداز تکامل کیفی تولید و دانش در محیط کار، و بهبود مداوم مناسبات انسانی در کارخانجات، انجام گیرد.

۷-۱۳-۳، تأسیس دانشگاهها و مراکز کارآموزی جدید، بویژه در شهرهای کوچک، متوسط و روستاهای بزرگ.

۷-۱۳-۴، یکسان‌سازی استانداردهای علمی، اداری و نوع مدارک همه دانشگاههای کشور.

۷-۱۳-۵، ایجاد ارتباط کامل بین همه مدارس، دانشگاهها و مراکز کارآموزی، از طریق شبکه اینترنت به یکدیگر، و ایجاد نظام اداری متناسب با آن، با هدف توسعه متوازن کیفی و کمی همه سیستم آموزشی کشور؛ تبدیل جمع‌آوری و کار با اطلاعات و ابزار نوین، به یک رشته مهم تحصیلی.

۷-۱۳-۶، ایجاد امکانات وسیع برای استفاده مناسب و یاریگان نسل جوان، از امکانات جدید اطلاع‌رسانی.

۷-۱۳-۷، ایجاد امکانات وسیع در مدارس برای تشویق و گسترش عادت به تحقیق علمی و تبدیل مسائل دوران تحصیل، شناخت خود، جامعه و تاریخ سلطه رژیمهای سلطنتی و اسلامی، به موضوعات کار تحقیقی و علمی دائمی.

۷-۱۳-۸، ایجاد امکانات همه‌جانبه، برای گسترش وسیع رقابتهای علمی و ورزشی در سراسر کشور.

۷-۱۳-۹، امرتبدیل آموزش مناسبات عاطفی-انسانی میان شهروندان جوان، به یک ماده تحصیلی، از این طریق جبران هر چه سریعتر کمبودهای شکل گرفته ناشی از شرایط سلطه رژیمهای ترور در ایران.

۷-۱۳-۱۰، تأسیس گسترده مراکز تفریحی-اجتماعی برای جوانان، تشویق نسل جوان به ایجاد مناسبات وسیع با محیط پیرامون و کسب آماده‌گی برای تأسیس یک زندگی شغلی، روابط مشترک و یا تشکیل خانواده.

۷-۱۳-۱۱، حق دانشجویان به تحصیل رایگان در چندین رشته تحصیلی، و تأمین هزینه‌های آن از طریق دولت؛ از این طریق، افزایش امکانات تضمین بهتر کسب فرصتهای شغلی.

۷-۱۳-۱۲، حق دانشجویان و محققین به تحصیل مادام‌العمر و رایگان؛ از این طریق، تشویق فرهنگ آموزش و تحقیق در جامعه؛ گسترش مؤسسات تحقیقی و جذب هر چه بیشتر تحصیل‌کرده‌گان غیر شاغل در این مراکز.

۷-۱۳-۱۳، ارتباط ارگانیک، سازمانیافته و دائمی میان مراکز آموزش و مراکز تولید و خدمات نزدیک به محل فعالیت هر مؤسسه‌ای؛ الزام سرمایه‌داران و مدیران، به همکاری با تشکلهای کارگران، جوانان و کارآموزان در این زمینه.

۱۳-۷-۱۴، تعیین دو زبان بین المللی کشورهای قدیمی صنعتی، بمثابة ماده تحصیلی اجباری، از سطوح اولیه دبستان.

۱۳-۸، قطننامه پیرامون: تأسیس آموزشگاه عالی ویژه توده های مردم؛ تا از این طریق، توده های مردم، سطحی از آموزشهای علمی، حائز اهمیت عملی در زندگی روزمره را، با مناسبت ترین تسهیلات دریافت نمایند.

۱۳-۸-۱، عمومیت بخشیدن به برگزاری سمینارهای علمی- آموزشی خارج از دانشگاه، برای استفاده همه شهروندان.

۱۳-۸-۲، قطننامه پیرامون: تأسیس امکانات رشد توانایی آکادمیک برای کارگران و کارمندان در فرصتهای پس از کار، تعطیلات و یا آخر هفته، بدون مدارک کافی تحصیلی؛ به این وسیله، بهبود کیفیت و تخصص نیروی کار و مدیریت کشور؛ تأثیر دانش کسب شده از این طریق، بر ارزش گذاری شغلی شهروندان.

۱۳-۸-۳، قطننامه پیرامون: تأسیس فرستنده های متعدد رادیو- تلویزیونی سراسری و منطقه ای، که آموزشها، تحقیقات و تجارب علمی را، در بالاترین سطوح ترویج نموده، استانداردهای یکسان در این زمینه ها را، جایگزین روشها و اشکال قدیمی نماید. تأسیس " سینما دانش " در همه شهرها و روستاهای بزرگ، برای ترویج فکر نگرش علمی و رشد ابتکارات شهروندان.

۱۴ - مطالبات کارگری

- ۱۴-۱، قطننامه پیرامون: تضمین حق کار و حق امنیت شغلی، ...
- ۱۴-۱-۱، جامعه باید با بکارگیری همه ظرفیتهای اقتصادی- سیاسی خود، ...
- ۱۴-۲، قطننامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به کارگران، ...
- ۱۴-۳، قطننامه پیرامون: برابر حقوقی زنان و مردان در محیط کار، ...
 - ۱۴-۳-۱، حق زنان به جبران هر چه سریعتر تبعیضهای ناشی ...
 - ۱۴-۳-۲، پرداخت دستمزد برابر در قبال کار برابر، به زنان و مردان.
 - ۱۴-۳-۳، حق برخورداری از امکانات نگهداری از کودکان ...
 - ۱۴-۳-۴، پرداخت کامل دستمزد مرخصی دوران بارداری به زنان، ...
 - ۱۴-۳-۵، پرداخت حق فرزند (اولاد) متناسب با نیازهای رشد جسمی ...
 - ۱۴-۳-۶، حق زنان در عدم پذیرش مشاغل زیانبار، برای ...
 - ۱۴-۳-۷، الزام هر مؤسسه ای به در نظر گرفتن نیازهای بهداشتی ...
- ۱۴-۴، قطننامه پیرامون: ممنوعیت قانونی اشتغال برای افراد کمتر از ۱۸ سال؛ ...
 - ۱۴-۴-۱، خروج هر چه سریعتر کودکان و نوجوانان شاغل کنونی ...
 - ۱۴-۴-۲، تأمین کامل هزینه های زندگی خانواده هایی، ...
 - ۱۴-۴-۳، جایگزینی همه انواع مشاغل کودکان در محیطهای ...
- ۱۴-۵، قطننامه پیرامون: حق کنترل کارگری، بمثابة امکان ضروری ...
 - ۱۴-۵-۱، حق کارگران به شرکت در تدوین مقررات و آیین نامه های داخلی
 - ۱۴-۵-۲، تحقق اصل کنترل کارگری، باید شرکت کارگران را در کلیه ...
- ۱۴-۶، قطننامه پیرامون: حق ایجاد تشکل مستقل و حق توسل به اعتصاب، ...
 - ۱۴-۶-۱، حق کارگران به فعالیت سیاسی علنی و آزاد در جامعه، و اعلام آشکار ...
 - ۱۴-۶-۲، برسمیت شناسی حق کارگران در استفاده از اشکال ...

- ۳-۶-۱۴، حق کارگران به دفاع قهر آمیز از خود، در صورت اقدام پلیس ...
- ۴-۶-۱۴، ممنوعیت هرشکلی از اعتصاب شکنی؛ ...
- ۵-۶-۱۴، پرداخت کامل دستمزد دوران اعتصاب، با محاسبه خسارات ...
- ۷-۱۴، قطعنامه پیرامون: حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی کارگران با ...
- ۸-۱۴، قطعنامه پیرامون: انحلال وزارت کار و تأسیس وزارت ایجاد کار و حفظ ...
- ۱-۸-۱۴، حق تشکلهای مستقل کارگری رشته های مختلف ...
- ۲-۸-۱۴، حق تشکلهای مستقل کارگری، در تعیین و معرفی ...
- ۹-۱۴، قطعنامه پیرامون: تدوین یک قانون کار دموکراتیک ...
- ۱-۹-۱۴، هر مؤسسه تولیدی/بازرگانی/خدماتی/کار فکری، ...
- ۲-۹-۱۴، حق کارگران و همه شهروندان به استفاده از بیمه ...
- ۳-۹-۱۴، ممنوعیت اخراج کارگران بمتابیه یک قانون ثابت؛ ...
- ۴-۹-۱۴، حق کارگر به عدم پذیرش تصمیم اتحادیه سراسری ...
- ۵-۹-۱۴، حق قانونی همسر و فرزندان بزرگسال کارگر ...
- ۶-۹-۱۴، حق یک نهاد تخصصی کودکان و نوجوانان، ...
- ۱۰-۱۴، قطعنامه پیرامون: کاهش ساعات کار هفتگی به ۳۰ ساعت کار ...
- ۱۱-۱۴، قطعنامه پیرامون: حق همه شهروندان به استفاده از بیمه ...
- ۱۲-۱۴، قطعنامه پیرامون: افزایش مداوم سطح دستمزدهای کارگران ...
- ۱۳-۱۴، قطعنامه پیرامون: افزایش منظم و مداوم دستمزدهای ...
- ۱-۱۳-۱۴، تعیین سطح حداقل دستمزدها از سوی تشکلهای ...
- ۲-۱۳-۱۴، ممنوعیت کسر اجباری دستمزد به هر دلیلی؛ ...
- ۱۴-۱۴، قطعنامه پیرامون: برقراری مرخصی سالانه به میزان ۶ هفته ...
- ۱-۱۴-۱۴، حق کارگران به برخورداری از مرخصی کامل ...
- ۲-۱۴-۱۴، پرداخت حق هزینه های استفاده از مرخصی، ...
- ۳-۱۴-۱۴، پرداخت مزایا و دستمزد روزهای تعطیلی، ...
- ۵-۱۴، قطعنامه پیرامون: اعلام روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ...
- ۶-۱۴، قطعنامه پیرامون: الغاء فوری کار موقت، بمتابیه ...
- ۱-۱۶-۱۴، موظف ساختن همه مؤسسات اقتصادی خصوصی، ...
- ۲-۱۶-۱۴، ادغام همه اشکال مناسبات کارگران و سرمایه داران، ...
- ۳-۱۶-۱۴، الزام همه مؤسسات به استفاده از فرمهای ثابت ...
- ۴-۱۶-۱۴، الزامی بودن ذکر تعهد کامل طرفین به همه مواد قانون کار ...
- ۵-۱۶-۱۴، هر تغییری در فرمهای ثابت قراردادهای کار، ...
- ۱۷-۱۴، قطعنامه پیرامون: الغاء قطعه کاری و کار کنتراتی،
- ۱-۱۷-۱۴، لغو پرداخت جنسی و الزام مؤسسات به پرداخت نقدی ...
- ۲-۱۷-۱۴، تعهد تشکلهای کارگری، سازمانهای حرفه ای سرمایه داران، ...
- ۳-۱۷-۱۴، ممانعت از آسیب رسیدن به حق امنیت شغلی کارگران در این ...
- ۸-۱۴، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت اضافه کاری بمتابیه ...
- ۹-۱۴، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت شب کاری، بجز مواردی ...
- ۱-۹-۱۴، تعیین سطح دستمزدهای ناشی از شب کاری، ...
- ۲-۹-۱۴، حق کارگران به انجام کنترلهای ویژه پزشکی، ...
- ۲۰-۱۴، قطعنامه پیرامون: ایجاد یک سیستم بازرسی منظم محیط ...
- ۲۱-۱۴، قطعنامه پیرامون: بهبود مداوم استانداردهای ایمنی ...
- ۱-۲۱-۱۴، پرداخت کامل خساراتی که در اثر بروز سوانح ...
- ۲۲-۱۴، قطعنامه پیرامون: بهبود مداوم نظام بیمه و بازنشستگی ...
- ۱-۲۲-۱۴، کاهش سن بازنشستگی به ۵۵ سال (مردان) ...
- ۲-۲۲-۱۴، حق بازنشستگان به شرکت در تصمیم گیریهای مربوط به استفاده ...
- ۳-۲۳-۱۴، قطعنامه پیرامون: پرداخت کامل خسارات ناشی از سلطه ...
- ۱-۲۳-۱۴، حق کارگران به بررسی کامل حقوقی همه سرکوبگریها ...
- ۲-۲۳-۱۴، پرداخت کامل دستمزد دوران اعتصاب، و جبران ...
- ۳-۲۳-۱۴، پرداخت کامل دستمزدهای پرداخت نشده، و جبران ...
- ۴-۲۳-۱۴، بازپرداخت کامل هرگونه کسریهای ناشی از سرقت ...

- ۵- ۲۳-۱۴، بازپرداخت خسارات ناشی از اخراج از کار، ...
- ۶- ۲۳-۱۴، مؤسساتی که قادر و یا مایل به جبران مالی ناشی ...
- ۴- ۲۴-۱۴، قطعهنامه پیرامون: بهبود موقعیت کارگران خارجی شاغل در ایران.
- ۱- ۲۴-۱۴، انطباق سطح دستمزدها و تأمین اجتماعی این گروه ...
- ۲- ۲۴-۱۴، حق کارگران خارجی مقیم ایران به دریافت تابعیت ایرانی ...
- ۳- ۲۴-۱۴، کمکهای همه جانبه، به برابری حقوق شهروندی ...
- ۴- ۲۴-۱۴، ممانعت از هر گونه اعمال تبعیض، علیه کارگران خارجی در ایران.
- ۵- ۲۴-۱۴، تشویق کارگران ایرانی به ایجاد امکانات برای شرکت کارگران ...
- ۲۵-۱۴، قطعهنامه پیرامون: لغو همه اشکال استثمار و مناسبات ...
- ۱- ۲۵-۱۴، ایجاد بالاترین استاندارد حفاظت و ایمنی در محیطهای کار ...
- ۲- ۲۵-۱۴، کاهش ساعات کار و تقلیل چشمگیر سن بازنشستگی ...
- ۳- ۲۵-۱۴، الزام این مؤسسات به ایجاد و یا گسترش ...
- ۶- ۲۴-۱۴، قطعهنامه پیرامون: اتخاذ یک سیاست متمرکز مبتنی بر بکارگیری ...
- ۱- ۲۶-۱۴، تا دوره ای که معضل اجازه نشینی برای کارگران ...
- ۷- ۲۴-۱۴، قطعهنامه پیرامون: تأمین هزینه رفت و آمد، و امکانات بهداشت فردی ...
- ۱- ۲۷-۱۴، پرداخت کامل هزینه رفت و آمد به و از محل کار ...
- ۲- ۲۷-۱۴، تعیین وقت کافی برای صرف غذا و احتساب ...
- ۳- ۲۷-۱۴، حق استفاده از حمام در محیط کار.
- ۸- ۲۴-۱۴، قطعهنامه پیرامون: لغو کلیه بدهیهای خانواده های کارگری، ...
- ۹- ۲۴-۱۴، قطعهنامه پیرامون: حق کارگران به گذراندن دوره های متعدد آموزش ...
- ۳۰- ۱۴، قطعهنامه پیرامون: تأسیس دانشگاه کار در کشور.
- ۱- ۳۰-۱۴، دانشگاه کار به کارگران علاقمند و یا با تجربه و فرزندان ...
- ۲- ۳۰-۱۴، دانشگاه کار تحت مسئولیت مشترک تشکلهای مستقل ...
- ۳- ۳۰-۱۴، ارتباط فعالانه دانشگاه کار و مراکز کار آموزی، ...
- ۴- ۳۰-۱۴، شرکت استادان و مسئولین دانشگاه کار ...
- ۵- ۳۰-۱۴، حق قانونی هیئت علمی دانشگاه کار به ارائه نظر ...

۱- ۱۴، قطعهنامه پیرامون: تضمین حق کار و حق امنیت شغلی، برای کارگران و همه شهروندان.

۱- ۱۴، جامعه باید با بکارگیری همه ظرفیتهای اقتصادی- سیاسی خود، تحقق عملی حق کار و تضمین ایجاد محل کار برای همگان، و نسل در حال رشد را تأمین کند.

۲- ۱۴، قطعهنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به کارگران، کار آموزان و غیر شاغلین، از سوی تشکلهای مستقل کارگری؛ بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۳- ۱۴، قطعهنامه پیرامون: برابر حقوقی زنان و مردان در محیط کار، در بهره مندی از تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی، و شرکت در تصمیم گیریها.

۱- ۳-۱۴، حق زنان به جبران هر چه سریعتر تبعیضهای ناشی از اعمال محرومیتها متعدد، در طول دوران سلطه رژیم اسلامی، بویژه در زمینه کسب فرصتهای شغلی.

۲- ۳-۱۴، پرداخت دستمزد برابر در قبال کار برابر، به زنان و مردان.

۳- ۳-۱۴، حق برخورداری از امکانات نگهداری از کودکان در نزدیکی محل کار؛ بدون اینکه حفظ تماس شخصی مادر و کودک، به کسری از دستمزد مادر منجر گردد.

۱۴-۳-۴، پرداخت کامل دستمزد مرخصی دوران بارداری به زنان، حداقل ۳ ماه قبل و ۶ ماه پس از زایمان.

۱۴-۳-۵، پرداخت حق فرزند (اولاد)، متناسب با نیازهای رشد جسمی و فکری کودکان، و افزایش منظم آن.

۱۴-۳-۶، حق زنان در عدم پذیرش مشاغل زیانبار، برای سلامتی جسمی و ظاهری، و یا نامناسب برای روحيات و روابط اجتماعی آنان؛ نظیر شرایط تحقیرآمیز، محل کاری تحت مسئولیت سرپرستان ضد زن، و یا محیط کار خشن و عصبی کننده.

۱۴-۳-۷، الزام هر مؤسسه ای به در نظر گرفتن نیازهای بهداشتی و تندرستی خاص زنان.

۱۴-۴، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت قانونی اشتغال برای افراد کمتر از ۱۸ سال؛ تعیین موارد استثنایی از سوی تشکلهای مستقل کارگری، زنان، دانش آموزان و دانشجویان که به کار جوانان در شرایط تعطیلات فصلی محیطهای آموزشی، مربوط میگردد.

۱۴-۴-۱، خروج هر چه سریعتر کودکان و نوجوانان شاغل کنونی در کارگاههای آجری، فرش بافی ها و نظایر آن، ادغام سازمانیافته و همه جانبه آنها در مجموعه های آموزشی، ورزشی و تفریحی.

۱۴-۴-۲، تأمین کامل هزینه های زندگی خانواده هایی، که به کار کودکان خود، وابسته هستند.

۱۴-۴-۳، جایگزینی همه انواع مشاغل کودکان در محیطهای سنتی کار با استخدام کارگران بزرگسال، و ارائه کمکهای وسیع دولتی برای نوسازی این کارگاهها، جهت مدرنیزه ساختن روشهای تولید.

۱۴-۵، قطعنامه پیرامون: حق کنترل کارگری، بمثابة امکان ضروری شرکت مستقیم کارگران در تصمیم گیریهای مهم در محیط کار.

۱۴-۵-۱، حق کارگران به شرکت در تدوین مقررات و آیین نامه های داخلی محل کار خود.

۱۴-۵-۲، تحقق اصل کنترل کارگری، باید شرکت کارگران را در کلیه تصمیم گیریهایی که به سرنوشت واحد تولیدی/بازرگانی/خدماتی، محصول تولید، قراردادها، حسابرسی دفاتر مؤسسه، به محل کار، نقل و انتقالات در محیط کار، استخدام و اخراج پرسنل، و مناسبات میان صاحبان کارخانه، مدیران، دولت و کارگران مربوط میگردد را، شامل شود.

۱۴-۶، قطعنامه پیرامون: حق ایجاد تشکل مستقل و حق توسل به اعتصاب، بمثابة حقوق اولیه کارگران و کارکنان.

۱۴-۶-۱، حق کارگران به فعالیت سیاسی علنی و آزاد در جامعه، و اعلام آشکار تمایلات سیاسی-ایدئولوژیک خود در محیط کار.

۱۴-۶-۲، برسمیت شناسی حق کارگران در استفاده از اشکال اعتراضی گوناگون؛ نظیر انجام تحصن در محیط کار و یا خارج از آن، بستن جاده و اشغال کارخانه، ممانعت از ورود مدیران و مسئولین ضد کارگری به کارخانه، بمنظور دستیابی به خواستهای خود.

۳-۶-۱۴، حق کارگران به دفاع قهر آمیز از خود، در صورت اقدام پلیس و یا وابستگان به سرمایه داران، به تهاجم مسلحانه به تجمعات کارگری.

۴-۶-۱۴، ممنوعیت هرشکلی از اعتصاب شکنی؛ اعلام اعتصاب شکنی، بمثابه جرم و اقدامی ضد دموکراتیک.

۵-۶-۱۴، پرداخت کامل دستمزد دوران اعتصاب، با محاسبه خسارات ناشی از زیانهای جنبی اعتصاب بر زندگی کارگران.

۷-۱۴، قطعنامه پیرامون: حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی کارگران با کارفرمایان.

۸-۱۴، قطعنامه پیرامون: انحلال وزارت کار و تأسیس وزارت ایجاد کار و حفظ اشتغال؛ سیاست نهادهای دولتی مربوط به کار، تماماً بر ایجاد کار و تحقق اشتغال کامل، متکی خواهد بود.

۱-۸-۱۴، حق تشکلهای مستقل کارگری رشته های مختلف تولید و خدمات، به شرکت مستقیم در نشستهای مهم این وزارتخانه.

۲-۸-۱۴، حق تشکلهای مستقل کارگری، در تعیین و معرفی مدیران اصلی این وزارتخانه به هیئت دولت.

۹-۱۴، قطعنامه پیرامون: تدوین یک قانون کار دموکراتیک از سوی نماینده گان تشکلهای مستقل کارگری؛ الزام کلیه واحدهای تولیدی/بازرگانی/خدماتی/کارفکری، داخلی و خارجی و وابسته به هر بخش و رشته اقتصادی- اجتماعی و هر نوعی از کار مولد، خصوصی، اجتماعی، دولتی و تعاونی، به پذیرش حقوق و وظایف مندرج در قانون کار، بمثابه شرط اول اقدام به هر شکلی از فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی.

۱-۹-۱۴، هر مؤسسه تولیدی/بازرگانی/خدماتی/کارفکری، در کلیه بخشهای اقتصادی، تحت مالکیت ایرانی و یا غیر ایرانی، باید بدون استثناء تحت پوشش همه مواد قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قوانین مالیاتی، و قوانین ناظر بر رعایت حقوق شهروندی در محیط کار، قرار گیرد. این قانون، همه مؤسساتی که بیش از یک فرد شاغل را در بر بگیرند، شامل میگردد.

۲-۹-۱۴، حق کارگران و همه شهروندان به استفاده از بیمه کامل درمانی، و جبران خسارات ناشی از هر شکلی و هر سطحی از صدمات و بیماریهای ناشی از محیط کار و یا خارج از آن؛ پرداخت کامل دستمزد دوران بیماری و استراحت.

۳-۹-۱۴، ممنوعیت اخراج کارگران بمثابه یک قانون ثابت؛ در موارد استثنایی، جابجایی کارگر در محل کار و یا انتقال به یک مؤسسه دیگر، از طریق توافق تشکل مستقل کارگری کارخانه، و با تأیید اتحادیه سراسری- که کارگر مزبور تحت پوشش آن قرار دارد- مجاز است.

۴-۹-۱۴، حق کارگر به عدم پذیرش تصمیم اتحادیه سراسری در این رابطه؛ در این صورت پیگیری موضوع، از طریق ارجاع آن به دادگاه کار.

۵-۹-۱۴، حق قانونی همسر و فرزندان بزرگسال کارگر به دخالت در این زمینه، و محسوب شدن آن بمثابه رأی قانونی نهاد خانواده.

۹-۱۴-۶، حق یک نهاد تخصصی کودکان و نوجوانان، به نماینده گی از سوی خردسالان خانواده، به شرکت با حق رای در نشست تصمیم گیری نهایی پیرامون اخراج کارگر.

۱۴-۱۰، قطعنامه پیرامون: کاهش ساعات کار هفتگی به ۳۰ ساعت کار و ۱۰ ساعت حضور اجباری در کلاسهای تندرستی، سواد آموزی، تخصصی و آموزش حقوق کار در محل کارخانه، طی ۵ روز کار در هفته؛ این امر در گام اول، غلبه هر سریعتر بر معضل بیکاری، افزایش کیفیت تولیدات صنعتی کشور، و توسعه دموکراتیک مناسبات محیط کار را، هدف خود قرار میدهد.

۱۴-۱۱، قطعنامه پیرامون: حق همه شهروندان به استفاده از بیمه بیکاری، متناسب با سطح هزینه های یک خانواده متوسط شهری؛ افزایش آن به موازات افزایش هزینه های زندگی.

۱۴-۱۲، قطعنامه پیرامون: افزایش مداوم سطح دستمزدهای کارگران و حفظ دریافتی خالص کارگران، حداقل در سطح درآمد متوسط کارمندان دولت.

۱۴-۱۳، قطعنامه پیرامون: افزایش منظم و مداوم دستمزدهای کارگران و کارکنان از طریق اتخاذ یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، که ایجاد کار و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان در مرکز آن قرار گیرد.

۱۴-۱۳-۱، تعیین سطح حداقل دستمزدها از سوی تشکلهای مستقل کارگری، و ارائه آن به پارلمان و دولت.

۱۴-۱۳-۲، ممنوعیت کسر اجباری دستمزد به هر دلیلی؛ حق کارگران به بازپس گیری همه دستمزدهای کسر شده در دوران سلطه رژیم اسلامی.

۱۴-۱۴، قطعنامه پیرامون: برقراری مرخصی سالانه به میزان ۶ هفته کاری، با پرداخت کامل دستمزد.

۱۴-۱۴-۱، حق کارگران به برخورداری از مرخصی کامل، پس از ۶ ماه اشتغال در یک مؤسسه.

۱۴-۱۴-۲، پرداخت حق هزینه های استفاده از مرخصی، مستقل از دستمزد کامل دوران مرخصی.

۱۴-۱۴-۳، پرداخت مزایا و دستمزد روزهای تعطیلی، بویژه تعطیلات آخر سال.

۱۴-۱۵، قطعنامه پیرامون: اعلام روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، و هشت مارس روز جهانی زن، بمنابه روزهای ثابت تعطیلی کارگری.

۱۴-۱۶، قطعنامه پیرامون: الغاء فوری کار موقت، بمنابه غیر انسانی ترین شکل کارمزدی.

۱-۱۶-۱۴، موظف ساختن همه مؤسسات اقتصادی خصوصی، تعاونی، اجتماعی و دولتی، داخلی و یا خارجی، به استخدام همه کارکنان موقت کنونی خود، طی ۷ روز پس از صدور این مصوبه از سوی کنگره شوراها؛ صرفنظر از تشکیل و یا عدم تشکیل دولت جدید در این فاصله.

۲-۱۶-۱۴، ادغام همه اشکال مناسبات کارگران و سرمایه داران، در چهارچوب قراردادهای استاندارد و ثابت کار، که از سوی تشکلهای مستقل کارگری، به پارلمان و دولت ارائه میگردند.

۳-۱۶-۱۴، الزام همه مؤسسات به استفاده از فرمهای ثابت و استاندارد قراردادهای کار.

۴-۱۶-۱۴، الزامی بودن ذکر تعهد کامل طرفین، به همه مواد قانون کار دموکراتیک در قرارداد کار.

۵-۱۶-۱۴، هر تغییری در فرمهای ثابت قراردادهای کار، تنها با توافق تشکلهای مستقل کارگری امکان پذیر است.

۱۴-۱۷، قطعنامه پیرامون: الغاء قطعه کاری و کار کنتراتی.

۱-۱۷-۱۴، لغو پرداخت جنسی و الزام مؤسسات به پرداخت نقدی دستمزد کارگران.

۲-۱۷-۱۴، تعهد تشکلهای کارگری، سازمانهای حرفه ای سرمایه داران، مدیران و دولت، به تنظیم هر چه سریعتر روابط کارگران و سرمایه داران در چهارچوب آن دسته از مشاغلی، که بطور کوتاه مدت و یا فصلی، شکل میگیرند.

۳-۱۷-۱۴، ممانعت از آسیب رسیدن به حق امنیت شغلی کارگران در این موارد.

۱۸-۱۴، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت اضافه کاری بمتابیه یک قاعده عمومی، بقصد مبارزه با بیکاری، و استفاده از فرصتهای خارج از ساعات مقرر کار برای شرکت کارگران در کلاسهای آموزشی؛ از این طریق، بهبود کیفیت زندگی شخصی- خانواده گی کارگران، بهبود فضا، سازماندهی و مدیریت محیط کار، همچنین افزایش کیفیت تولیدات صنعتی کشور.

۱۹-۱۴، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت شب کاری، بجز مواردی که از طریق تشکلهای مستقل کارگری، اجتناب ناپذیر تلقی گردند.

۱-۱۹-۱۴، تعیین سطح دستمزدهای ناشی از شب کاری، با نظر تشکلهای مستقل کارگری.

۲-۱۹-۱۴، حق کارگران به انجام کنترلهای ویژه پزشکی، برای شناخت بموقع عوارض منفی ناشی از شب کاری، جهت توقف سریع آن.

۲۰-۱۴، قطعنامه پیرامون: ایجاد یک سیستم بازرسی منظم محیط و شرایط کار با مشارکت دولت و تشکلهای مستقل کارگری؛ حق این ارگان بازرسی، به بررسی مناسبات کارگران و سرمایه داران در یک مؤسسه، وضعیت بهداشت، ایمنی محیط کار، تغذیه و خدمات تندرستی به شاغلین؛ همچنین کنترل سطح و چگونگی پرداخت دستمزدها و مزایا، و سایر مواردی که به مناسبات محیط کار و تعهدات ذکر شده در قانون کار دموکراتیک، مربوط میگردند.

۱۴-۲۱، قطعنامه پیرامون: بهبود مداوم استانداردهای ایمنی در محیط کار، و انطباق آن با بهترین سطح تکنولوژی ایمنی محیط کار در جهان.

۱۴-۲۱-۱، پرداخت کامل خساراتی که در اثر بروز سوانح محیط کار، متوجه کارگران میگردد. حق کارگران به مطالبه غرامتهای پرداخت نشده، در طول دوران سلطه رژیم اسلامی.

۱۴-۲۲، قطعنامه پیرامون: بهبود مداوم نظام بیمه و بازنشستگی و افزایش درآمد کارگران بازنشسته، متناسب با بالا رفتن سطح هزینه های زندگی، مستقل از پرداختی گذشته آنها به صندوق بازنشستگی.

۱۴-۲۲-۱، کاهش سن بازنشستگی به ۵۵ سال (مردان) و ۵۰ سال (زنان)؛ این امر، کیفیت زندگی شهروندان، مدرنیزه ساختن شرایط کار و تولید، و تضمینهای کافی برای نسل جوان به جذب شدن در بازار کار را افزایش میدهد.

۱۴-۲۲-۲، حق بازنشستگان به شرکت در تصمیم گیریهای مربوط به استفاده از منابع موجود در صندوق تأمین اجتماعی، جهت سرمایه گذاریهای انتفاعی؛ افزایش منظم سهم بازنشستگان، از سود حاصل از این سرمایه گذاریها.

۱۴-۲۳، قطعنامه پیرامون: پرداخت کامل خسارات ناشی از سلطه رژیم اسلامی و سرمایه داران به کارگران.

۱۴-۲۳-۱، حق کارگران به بررسی کامل حقوقی همه سرکوبگرها و بی عدالتیهای صورت گرفته، از سوی عوامل رژیم اسلامی و سرمایه داران، در دوران سلطه رژیم اسلامی؛ این قبل از همه، اقدامات مدیریت، دسته جات حراست کارخانجات، مأمورین شوراها، بسیج و غیره را در بر میگیرد. باید نقش مدیران، شوراها، انجمنهای اسلامی و مأمورین حفاظت و حراست طی نسل کشی دهه ۶۰ و جنگ ارتجاعی، مورد بررسی و بازبینی قرار گیرند.

۱۴-۲۳-۲، پرداخت کامل دستمزد دوران اعتصاب، و جبران مالی خسارات ناشی از آن در زندگی کارگران، در تمام دوران سلطه رژیم اسلامی.

۱۴-۲۳-۳، پرداخت کامل دستمزدهای پرداخت نشده، و جبران خسارات ناشی از آن.

۱۴-۲۳-۴، بازپرداخت کامل هرگونه کسریهای ناشی از سرقت دستمزدها، به بهانه کمک به جبهه های جنگ و نظایر آن.

۱۴-۲۳-۵، بازپرداخت خسارات ناشی از اخراج از کار، در دوران سلطه رژیم اسلامی.

۱۴-۲۳-۶، مؤسساتی که قادر و یا مایل به جبران مالی، ناشی از نتایج اقدامات ضد کارگری خود نباشند، بدون پرداخت خسارت به مالک موسسه، به نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، منتقل میگردند.

۱۴-۲۴، قطعنامه پیرامون: بهبود موقعیت کارگران خارجی شاغل در ایران.

۱۴-۲۴-۱، انطباق سطح دستمزدها و تأمین اجتماعی این گروه از کارگران، با سطح استانداردهای رایج در ایران.

۲-۲۴-۱۴، حق کارگران خارجی مقیم ایران به دریافت تابعیت ایرانی و یا دوگانه، با کمترین موانع اداری.

۳-۲۴-۱۴، کمکهای همه جانبه، به برابری حقوق شهروندی آنان با سایر مردم.

۴-۲۴-۱۴، ممانعت از هر گونه اعمال تبعیض، علیه کارگران خارجی در ایران.

۵-۲۴-۱۴، تشویق کارگران ایرانی به ایجاد امکانات برای شرکت کارگران خارجی، در سطوح تصمیم گیری در اتحادیه های کارگری.

۲۵-۱۴، قطعنامه پیرامون: لغو همه اشکال استثمار و مناسبات غیر انسانی بر جای مانده از دوران اولیه توسعه سرمایه داری؛ نظیر شرایط کار در کارگاههای سنتی و کوچک، بویژه کارگاههای فرش بافی، آجرپزیها و معادن کشور.

۱-۲۵-۱۴، ایجاد بالاترین استاندارد حفاظت و ایمنی در محیطهای کار فوق، بهبود مداوم آن با نظر و خواست کارگران و تشکلهای مستقل آنان.

۲-۲۵-۱۴، کاهش ساعات کار و تقلیل چشمگیر سن بازنشستگی برای شاغلین در این بخشها؛ تعیین دقیق آن از طریق ارائه طرحی از سوی تشکلهای مستقل کارگری.

۳-۲۵-۱۴، الزام این مؤسسات به ایجاد و یا گسترش بخشهای تحقیق و توسعه، بمنظور بکارگیری سریع و گسترده تکنولوژیهای مدرن؛ حمایت مالی دولت از تغییرات فنی مناسب در این مؤسسات، با هدف کاهش دشواریهای کار برای کارگران.

۲۶-۱۴، قطعنامه پیرامون: اتخاذ یک سیاست متمرکز مبتنی بر بکارگیری وسیعترین امکانات بمنظور ایجاد مسکن برای کارگران؛ از این طریق، تضمین امنیت سکونت و ایجاد استانداردهای مدرن مسکن کارگران.

۱-۲۶-۱۴، تا دوره ای که معضل اجاره نشینی برای کارگران وجود دارد، پرداخت حق مسکن متناسب با نیازهای شرایط سکونت یک خانواده متوسط در جامعه.

۲۷-۱۴، قطعنامه پیرامون: تأمین هزینه رفت و آمد، و امکانات بهداشت فردی در محیط کار.

۱-۲۷-۱۴، پرداخت کامل هزینه رفت و آمد به و از محل کار؛ افزایش سطح آن متناسب با بالا رفتن هزینه های حمل و نقل.

۲-۲۷-۱۴، تعیین وقت کافی برای صرف غذا و احتساب آن جزء ساعات کار؛ زمان ضروری برای صرف غذا در واحدهای تولیدی، باید با نظر یک نهاد تخصصی تغذیه و تندرستی، و تأیید تشکلهای مستقل کارگری تعیین گردد.

۳-۲۷-۱۴، حق استفاده از حمام در محیط کار.

۲۸-۱۴، قطعنامه پیرامون: لغو کلیه بدهیهای خانوادگی کارگری، غیر شاغلین و شهروندان کم درآمد روستایی به بانکها و مؤسسات اعتباری، در کوتاه ترین زمان ممکن.

۱۴-۲۹، قطعنامه پیرامون: حق کارگران به گذراندن دوره های متعدد آموزش حرفه ای ضمن کار، از این طریق تضمین بهتر امنیت شغلی خود.

۱۴-۳۰، قطعنامه پیرامون: تأسیس دانشگاه کار در کشور.

۱۴-۳۰-۱، دانشگاه کار به کارگران علاقمند و یا با تجربه، و فرزندان آنان امکان میدهد، در رشته های مربوط به حقوق کار، موقعیت کار و سرمایه در ساختار اقتصادی کشور، تربیت بازرسان کار، پژوهشهای اقتصادی ایران و جهان و رشته های نظیر آن تحصیل نموده، بنیه سیاسی- فکری دموکراتیک کشور و طبقه کارگر را تقویت نمایند.

۱۴-۳۰-۲، دانشگاه کار تحت مسئولیت مشترک تشکلهای مستقل کارگری، وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت ایجاد کار و حفظ اشتغال، قرار خواهد گرفت.

۱۴-۳۰-۳، ارتباط فعالانه دانشگاه کار و مراکز کار آموزی، بمنظور بهبود مداوم کیفیت آموزشهای شغلی کارگران.

۱۴-۳۰-۴، شرکت استادان و مسئولین دانشگاه کار در کلیه بحثهای تخصصی و تصمیم گیریهایی که به شرایط کار، حقوق کارگران، موضوع اشتغال در کشور، و موارد مشابه مربوط میگردد.

۱۴-۳۰-۵، حق قانونی هیئت علمی دانشگاه کار به ارائه نظر تخصصی؛ پیرامون تأثیر قراردادهای خارجی کشور بر موضوع اشتغال در داخل، پیش از انعقاد چنین قراردادهایی.

۱- شهرسازی روستاهای کشور

- ۱۵-۱، قطعنامه پیرامون: حق همه شهروندان روستایی به مالکیت زمین ...
 - ۱-۱-۱۵، ارائه کمکهای وسیع دولتی برای کشت و برداشت، ...
 - ۱-۲-۱۵، حق شهروندان روستایی، به دریافت حد معینی از سهام ...
 - ۱-۳-۱۵، اعلام موضوع رفع کمبود آب کشاورزی و نوشیدنی، ...
- ۱۵-۲، قطعنامه پیرامون: حق دموکراتیک شهروندان روستایی در ...
 - ۱-۱-۱۵، تعیین روستاهای متوسط، روستاهای بزرگ و شهرهای کوچک، ...
 - ۱-۳-۱۵، قطعنامه پیرامون: تبدیل روستاها به جزئی از طرح عمومی ...
 - ۱-۱-۱۵-۳، ایجاد و گسترش نهادهای دولتی، خصوصی و اجتماعی، ...
 - ۱-۲-۱۵-۳، برسمیت شناسی خانه داری در روستا بمثابة ...
 - ۱-۳-۱۵-۳، تأسیس گسترده خانه های سالمندان روستایی و بهبود ...
 - ۱-۴-۱۵-۳، آغاز هر چه سریعتر ساخت مناطق مسکونی ضد زلزله ...
 - ۱-۵-۳-۱۵، ارائه تسهیلات و تشویق شهروندان روستاهای ...
 - ۱-۶-۱۵-۳، تأسیس دانشکده های وابسته به دانشگاههای بزرگ ...
 - ۱۵-۴، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط ...
 - ۱-۱-۱۵-۴، تعیین شوراهای روستایی، منتخب مستقیم روستاییان، ...
 - ۱-۲-۱۵-۴، شورای روستا، در ارتباط ارگاتیک با ارگانهای دولتی ...
 - ۱-۳-۱۵-۴، تأسیس نهادهای قضایی در روستاهای بزرگ؛ ...
 - ۱-۴-۱۵-۴، تأسیس خانه های شهروندان، در همه روستاهای کشور؛ ...
 - ۱۵-۵، قطعنامه پیرامون: لغو فوری کلیه بدهیهای روستاییان کم درآمد، ...
 - ۱۵-۶، قطعنامه پیرامون: تضمین بیمه و حق بازنشستگی ...
 - ۱۵-۷، قطعنامه پیرامون: ایجاد مراکز علمی- صنعتی ثابت در همه روستاهای ...

- ۱-۷-۱۵، تأسیس مراکز پژوهشی آب و خاک و بذر در همه ...
۱۵-۸، قطعهنامه پیرامون: ادغام مراکز تحصیلی و کار آموزی ...
۱۵-۹، قطعهنامه پیرامون: ادغام مراکز بهداشت، تندرستی ...
۱۵-۱۰، قطعهنامه پیرامون: بکارگیری وسیع تکنولوژی ...

۱-۱۵، قطعهنامه پیرامون: حق همه شهروندان روستایی به مالکیت زمین کشاورزی، در روستای محل سکونت خود؛ میزان سهم زمین برای دهقانان، بر اساس امکانات موجود، و نیازهای زندگی خانواده های وابسته به تولید کشاورزی، تعیین میگردد.

۱-۱۵-۱، ارائه کمکهای وسیع دولتی برای کشت و برداشت، تأمین آب کشاورزی، تأمین سوخت و انرژی، انبارسازی و حمل و نقل محصولات کشاورزی دهقانان کم در آمد.

۱-۱۵-۲، حق شهروندان روستایی، به دریافت حد معینی از سهام مؤسسات کشت و صنعت دولتی (اجتماعی) در مناطق روستایی.

۱-۱۵-۳، اعلام موضوع رفع کمبود آب کشاورزی و آشامیدنی، بمثابة یک ضرورت استراتژیک جهت توسعه اقتصادی- اجتماعی، همچنین، انجام طرحهای توسعه روستایی؛ تمرکز بر هدف شیرین سازی انبوه و صنعتی آب، و بهره مند ساختن روستاییان از آن.

۱۵-۲، قطعهنامه پیرامون: حق دموکراتیک شهروندان روستایی در سهم ببری از اشتغال صنعتی.

۱-۱۵-۲، تعیین روستاهای متوسط، روستاهای بزرگ و شهرهای کوچک، بمثابة مراکز آتی برای تأسیس واحدهای تولیدی و صنعتی؛ از این طریق افزایش امکان ایجاد مشاغل برای شهروندان روستایی، بهبود ساختاری سطح درآمدهای روستاییان، به این وسیله همچنین، کاهش نرخ مهاجرت به شهرهای بزرگ.

۱۵-۳، قطعهنامه پیرامون: تبدیل روستاها به جزئی از موضوع طرح عمومی شهرسازی در کشور؛ و برابر سازی کامل سطح زندگی در کیفیت تغذیه، بهداشت و تندرستی، تحصیل و تعلیم و تربیت، کیفیت سکونت، و فرصتهای برابر شغلی با استانداردهای زندگی مدرن شهری.

۱-۱۵-۳، ایجاد و گسترش نهادهای دولتی، خصوصی و اجتماعی، برای بهبود هر چه سریعتر موقعیت شغلی، فردی و اجتماعی زنان و دختران در مناطق روستایی.

۱۵-۳-۲، برسمیت شناسی خانه داری در روستا بمثابة یک شغل مولد، و پرداخت دستمزدی معادل متوسط حقوق کارگران در کشور به زنان خانه دار، از سوی نهاد شهروندی خانواده و کودک.

۱۵-۳-۳، تأسیس گسترده خانه های سالمندان روستایی و بهبود شرایط زندگی، تندرستی و تغذیه این بخش از شهروندان کشور.

۱۵-۳-۴، آغاز هر چه سریعتر ساخت مناطق مسکونی ضد زلزله در مناطق روستایی زلزله خیز کشور؛ تشویق مؤسسات ساختمانی بخش خصوصی، به شرکت فعال در این طرح استراتژیک.

۱۵-۳-۵، ارائه تسهیلات و تشویق شهروندان روستاهای کوچک، پراکنده و دور افتاده، به شرکت در طرحهای ایجاد تمرکز مناطق روستایی؛ و از این طریق کاهش هزینه ها، سرعت بخشیدن به ارائه خدمات بیشتر به روستاییان، و توسعه صنعتی مناطق روستایی.

۱۵-۳-۶، تأسیس دانشکده های وابسته به دانشگاههای بزرگ در شهرهای کوچک و نزدیک به روستاهای بزرگ؛ از این طریق، بهبود فرصتهای تحصیلی برای شهروندان روستایی کشور و تسریع توسعه اقتصادی این مناطق.

۱۵-۴، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به روستاییان و اقتصاد روستایی، از طریق سازمانهای دهقانی و روستایی، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۱۵-۴-۱، تعیین شوراهای روستایی منتخب مستقیم روستاییان، بمثابة پایه نظام اداری در روستاهای کشور.

۱۵-۴-۲، شورای روستا، در ارتباط ارگانیک با ارگانهای دولتی، نهاد پیشنهاد دهنده طرحهای قانونی، و مسئولیت امور اجرایی در محل را بعهده خواهد داشت.

۱۵-۴-۳، تأسیس نهادهای قضایی در روستاهای بزرگ؛ و کمک به حل و فصل معضلات حقوقی در مناطق روستایی، بر اساس موازین دموکراتیک.

۱۵-۴-۴، تأسیس خانه های شهروندان، در همه روستاهای کشور؛ تشویق روستاییان به تجمعات منظم در این مراکز؛ طرح معضلات خود و کسب اطلاعات ضروری؛ تأسیس دفاتر اطلاعات شهروندی از سوی دولت در این مراکز.

۱۵-۵، قطعنامه پیرامون: لغو فوری کلیه بدهیهای روستاییان کم درآمد، به بانکها و مؤسسات اعتباری.

۱۵-۶، قطعنامه پیرامون: تضمین بیمه درمانی و حق بازنشستگی برای شهروندان روستایی، صرفنظر از موقعیت شغلی و درآمد آنان.

۱۵-۷، قطعنامه پیرامون: ایجاد مراکز علمی- صنعتی ثابت در همه روستاهای کشور، که بر امر بهبود مداوم تولیدات کشاورزی، خرید محصولات از روستاییان، و افزایش کیفیت خاک و آبیاری، نظارت خواهند داشت.

۱۵-۷-۱، تأسیس مراکز پژوهشی آب و خاک و بذر در همه روستاهای کشور، و ادغام این مراکز در بخشهای تحقیقات کشاورزی دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی نزدیک به روستاها؛ این مراکز بلحاظ سازمانی، پرسنلی و بودجه نیز، بخشی از دانشگاه و مؤسسه نزدیک به روستا، محسوب خواهند گشت.

۱۵-۸، قطعنامه پیرامون: ادغام مراکز تحصیلی و کار آموزی مناطق روستایی، در مراکز تحصیلی شهرهای نزدیک و الزام مدیران و پرسنل آموزشی مزبور، به همکاری همه جانبه، برای ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس روستایی نزدیک به خود.

۹-۱۵، قطعه‌نامه پیرامون: ادغام مراکز بهداشت، تندرستی و تغذیه روستایی در مراکز نزدیک شهری، و الزام مؤسسات مربوطه، به یکسان سازی هر چه سریعتر استانداردهای موارد برشمرده با سطح کیفی موجود در مناطق شهری.

۱۰-۱۵، قطعه‌نامه پیرامون: بکارگیری وسیع تکنولوژی تولیدی خاص صنایع کوچک در روستاهای کشور؛ تشویق جوانان جویای کار به ایجاد مؤسسات تولیدی/خدماتی کوچک در روستاها، بعنوان سیاستی جهت کاهش نرخ بیکاری در مناطق روستایی؛ کمکهای مشورتی و بازاریابی رایگان، از سوی نهادهای دولتی برای تولیدات/خدمات این مؤسسات.

۱۶- نوسازی نظام ارتش و خدمت نظامی

- ۱-۱۶، قطعه‌نامه پیرامون: دموکراتیزاسیون کامل نیروهای مسلح کشور؛ ...
- ۱-۱۶-۱، الغاء نظام اطاعت کورکورانه در نیروهای مسلح؛ ...
- ۱-۱۶-۲، حق شهروندان به عدم انجام خدمت نظامی و عدم شرکت ...
- ۱-۱۶-۳، ممنوعیت مطلق تأسیس یک نیروی نظامی، انتظامی ...
- ۱-۱۶-۴، همه سازمانهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی، ...
- ۱-۱۶-۵، یک واحد و یا یک فرد نظامی/ انتظامی/ امنیتی در ضمن خدمت، ...
- ۲-۱۶، قطعه‌نامه پیرامون: انتخابی بودن فرماندهان و مسئولین ...
- ۱-۲-۱۶، شورای عمومی پرسنل، بمتابجه عالیترین ارگان ...
- ۲-۲-۱۶، حق سربازان، درجه داران، افسران و پرسنل غیرنظامی ...
- ۳-۲-۱۶، حق پرسنل نیروهای مسلح به شرکت در فعالیتهای سیاسی ...
- ۳-۱۶، قطعه‌نامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به پرسنل ...
- ۱-۳-۱۶، پاکسازی محیط ارتش و نیروهای انتظامی از آموزشها ...
- ۲-۳-۱۶، کاهش دوره خدمت نظامی به ۱۸ ماه؛ ...
- ۳-۳-۱۶، امکانات وسیع برای گذراندن دوره خدمت وظیفه، ...
- ۴-۳-۱۶، تأسیس مراکز مجهز تحقیقات علمی- صنعتی در پادگانهای ...
- ۵-۳-۱۶، بکارگیری دوره خدمت نظامی، همچنین برای تحکیم آموزشهای ...
- ۶-۳-۱۶، اعطای مدارک معتبر تخصصی در دوران خدمت نظامی ...
- ۷-۳-۱۶، الزام همه پرسنل ثابت در ارتش بویژه در مناصب فرماندهی، ...
- ۴-۱۶، قطعه‌نامه پیرامون: ایجاد و حفظ حداکثر توانایی دفاعی در نیروهای ...
- ۱-۴-۱۶، حق مردم ایران به دفاع از خود، در برابر احتمال ...
- ۲-۴-۱۶، حق نظام دموکراتیک- شورایی، به انجام و بسط ...

۱-۱۶، قطعه‌نامه پیرامون: دموکراتیزاسیون کامل نیروهای مسلح کشور؛ مناسبات درونی و رابطه آن با جامعه.

۱-۱۶-۱، الغاء نظام اطاعت کورکورانه در نیروهای مسلح؛ حق شهروندان نظامی به عدم اجرای دستوراتی که محتوای آنها را، مغایر با تعهد به حقوق دموکراتیک و اصول اولیه انسانی، تشخیص دهند.

۲-۱۶-۱، حق شهروندان به عدم انجام خدمت نظامی و عدم شرکت در جنگ؛ در صورتیکه این امر با عادات و روحیات صلح طلبانه آنها، سازگار نباشد؛ نظیر زنان، هنرمندان، نویسندگان، محققین، فعالین حفظ محیط زیست، مربیان و مدافعین حقوق خانواده و کودکان ...

۱-۱۶-۳، ممنوعیت مطلق تأسیس یک نیروی نظامی، انتظامی و یا اطلاعاتی مخفی از سوی دستگاه‌های ذیربط.

۱-۱۶-۴، همه سازمانهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی، همچنین پرسنل، ساختار اداری و مبنای قضاوت پیرامون بازدهی فردی و ترقی شغلی شاغلین آنها، مشمول قوانین عمومی کشور میباشند.

۱-۱۶-۵، یک واحد و یا یک فرد نظامی/انتظامی/امنیتی در ضمن خدمت، باید برای محیط اطراف، کاملاً قابل شناسایی گردد؛ موارد استثنایی، تنها از طریق حکم قضایی جداگانه مجاز بوده، به امور بسیار حساس، محدود خواهند گشت.

۱۶-۲، قطعنامه پیرامون: انتخابی بودن فرماندهان و مسئولین در کلیه سطوح، از طریق انتخابات شورایی.

۱۶-۲-۱، شورای عمومی پرسنل، بمثابة عالیترین ارگان تصمیم گیری در یک واحد نظامی/انتظامی/امنیتی.

۱۶-۲-۲، حق سربازان، درجه داران، افسران و پرسنل غیرنظامی به عضویت در احزاب سیاسی، و تأسیس تشکل صنفی مستقل خود؛ در عین الزام به عضویت هر تشکل صنفی در شورای عمومی پرسنل.

۱۶-۲-۳، حق پرسنل نیروهای مسلح به شرکت در فعالیتهای سیاسی دموکراتیک، در خارج از محیط نظامی؛ حق اعلام تمایل حزبی و سیاسی در محیط کار و دفاع از آن، در عین الزام قانونی به غیرحزبی عمل کردن در محل خدمت.

۱۶-۳، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به پرسنل نیروهای مسلح، از طریق سازمانهای صنفی پرسنل نظامی/انتظامی/امنیتی، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۱۶-۳-۱، پاکسازی محیط ارتش و نیروهای انتظامی از آموزشها و فرهنگ ناسیونال-شونیستی، قومی و مذهبی؛ برجیدن نظام آموزشی متکی بر روح عظمت طلبی و سوء ظن به همسایگان.

۱۶-۳-۲، کاهش دوره خدمت نظامی به ۱۸ ماه؛ پرداخت حقوق کافی به سربازان وظیفه؛ افزایش مرخصی و ساعات استراحت سربازان.

۱۶-۳-۳، امکانات وسیع برای گذراندن دوره خدمت وظیفه، از طریق انجام فعالیتهای غیر نظامی در خارج از پادگان؛ بویژه در بخش تندرستی و ارائه خدمات به سالمندان و نیازمندان.

۱۶-۳-۴، تأسیس مراکز مجهز تحقیقات علمی-صنعتی در پادگانهای نظامی، و بکارگیری نیروی سربازان و پرسنل فنی در این پژوهشها؛ از این طریق، توسعه تکنولوژی دفاعی کشور.

۱۶-۳-۵، بکارگیری دوره خدمت نظامی، همچنین برای تحکیم آموزشهای پایه ای شغلی و گسترش تواناییهای فکری سربازان؛ خدمت نظامی باید در خدمت ساختن انسانی آگاه و بردبار در برابر مشکلات، و جبران کمبود های ناشی از دوره تربیت خانواده گی و تحصیلی، قرار گیرد. این امر به تحکیم خود-آگاهی فرد در دفاع از کشور و جامعه دموکراتیک منجر شده، کیفیت برقراری یک امنیت پایدار در کشور را، افزایش میدهد. دوران خدمت سربازی برای شهروندان جوان

کشور، باید به بهترین و پر ثمرترین دوران زندگی آنان مبدل گشته، موجب تحکیم تعهدات ملی آنها گردد.

۱۶-۳-۶، اعطای مدارک معتبر تخصصی در دوران خدمت نظامی به سربازان، به تأیید وزارت علوم و آموزش عالی، و با اهمیت پایه ای برای کسب توانایی شغلی بعدی در زمینه های فنی، مدیریت، حفاظت و امنیت، ورزشی و هنری، همپراز با سطحی از مدارک دانشگاهی.

۱۶-۳-۷، الزام همه پرسنل ثابت در ارتش بویژه در مناصب فرماندهی، به گذراندن تحصیلات دانشگاهی در محیط کار؛ خصوصاً با تأکید بر مواد درسی مربوط به تکامل اجتماعی بشر، حقوق فرد در قبال دولت و تعهدات متقابل شهروندان؛ استقرار واحدهایی از دانشگاههای نزدیک در محوطه پادگانهای نظامی؛ به این ترتیب، تسریع روند نوسازی دموکراتیک، تقویت روح عدالت خواهی و اومانیسیم در نیروهای مسلح، و بهبود کیفی بازدهی نیروی دفاعی کشور.

۱۶-۴، قطعهنامه پیرامون: ایجاد و حفظ حداکثر توانایی دفاعی در نیروهای مسلح، منطبق با نیازهای تأمین امنیت یک جامعه انسانی و مدرن؛ تضمین حق مردم ایران به زندگی بدون ترس و نگرانی، ناشی از احتمال تهاجم قدرتهای سرکوبگر؛ اتخاذ سیاستهای دفاعی کشور بر اساس واقعیت وجود و ادامه خطرات کنونی در جهان، علیه یک نظام دموکراتیک و مستقل؛ امر دفاع از کشور نه تنها بر پایه اعتماد به آگاهی و انگیزه های شهروندان، بلکه همچنین با تکیه بر توانمندی اقتصادی و تکنولوژیک، امکان پذیر است.

۱۶-۴-۱، حق مردم ایران به دفاع از خود، در برابر احتمال وقوع جنگ هسته ای در جهان؛ بکارگیری وسیع تکنولوژی پزشکی ضد تشعشعات رادیواکتیویته و تخریب هسته ای؛ آموزش منظم شهروندان، بویژه از طریق سیستم آموزشی؛ ایجاد و تجهیز پناهگاههایی به این منظور در سراسر کشور.

۱۶-۴-۲، حق نظام دموکراتیک- شورایی، به انجام و بسط پژوهشهای علمی-صنعتی، تهیه و دریافت تکنولوژی لازم، به منظور تسهیل امر دستیابی به اهداف بالا.

۱۷- رفع تبعیضهای ناشی از توسعه ضد دموکراتیک سرمایه داری

- ۱۷-۱، قطعهنامه پیرامون: رفع تبعیضات سیاسی، اقتصادی ...
- ۱۷-۱-۱، فراخواندن هر چه سریع تر انتخابات همگانی و شورایی در هر ...
- ۱۷-۱-۲، حق کاربرد زبان مادری در سیستم آموزشی ...
- ۱۷-۱-۳، تخصیص بودجه اضطراری، برای آغاز اجرای طرح توسعه ...
- ۱۷-۱-۴، ارائه امکانات وسیع و رایگان، و تشویق روستاییان ...
- ۱۷-۱-۵، تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به برچیدن ...
- ۱۷-۱-۶، شهروندان عشایر کشور نیز طی دوران سلطه رژیمهای ارتجاعی، ...
- ۱۷-۲، قطعهنامه پیرامون: محکومیت سیاست آبارتاید ضد انسانی و جنایات ...
- ۱۷-۲-۱، تأکید بر حق دموکراتیک بهائیان، بمثابه شهروندان برابر ...
- ۱۷-۲-۲، بازگشت به کار و تحصیل محروم شده گان از شغل ...
- ۱۷-۲-۳، تأمین حضور نماینده گان منتخب بهائیان در همه نهادهای ...
- ۱۷-۲-۴، تشویق شهروندان بهایی به شرکت فعال در سرنوشت سیاسی ...
- ۱۷-۲-۵، دفاع از حق این بخش از مردم کشور، در صورت تمایل ...
- ۱۷-۲-۶، بازپس دادن همه اموال و داراییهای شخصی تسویه ...

- ۱۷-۲-۷، مقرر نمودن امتیازاتی در زندگی شغلی و تحصیلی، ...
- ۱۷-۲-۸، حق شهروندان بهایی به ارائه پیشنویس قوانینی به پارلمان و دولت، ...
- ۱۷-۳، قطعنامه پیرامون: محکومیت تبعیضهای گسترده علیه شهروندانی ...
- ۱۷-۴، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به فعالیتهای ...
- ۱۷-۵، قطعنامه پیرامون: ضرورت توسعه فرهنگی دموکراتیک کشور؛ ...
- ۱-۱۷-۵، تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به رعایت و روش ...
- ۲-۱۷-۵، تغییر تدریجی زبان سراسری کنونی، و جایگزینی آن با زبان انگلیسی، ...
- ۳-۱۷-۵، بررسی پیشاپیش هرگونه تغییرات در زبان فارسی، ...
- ۴-۱۷-۵، بازسازی و تغییر مدیریت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ...
- ۵-۱۷-۵، حضور نماینده گان فرهنگی-دموکراتیک سایر زبانهای ...
- ۶-۱۷-۵، الغاء عنوان دولتی "شاعر ملی" برای شعرای دوره قدیم؛ ...
- ۷-۱۷-۵، موضوع زبانهای منطقه ای و سراسری و شیوه برخورد ...
- ۸-۱۷-۵، تأمین امکانات شرکت فعال نماینده گان فرهنگستانها ...
- ۹-۱۷-۵، الزام مؤسسات دولتی و خصوصی به رابطه فعال ...
- ۱۰-۱۷-۵، جدایی موقعیت زبانهای رایج در ایران از قدرت حاکم، ...
- ۱۱-۱۷-۵، جدایی موقعیت کنونی زبان فارسی از تاریخ نویسی ارتجاعی ...
- ۱۲-۱۷-۵، تعیین ۲ زبان بین المللی [کشورهای صنعتی قدیمی]، ...
- ۶-۱۷، قطعنامه پیرامون: تشکیل فرهنگستانهای ویژه زبانهای مختلف ایرانی، ...

۱-۱۷، قطعنامه پیرامون: رفع تبعیضات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، علیه شهروندانی با زبانهایی غیر از زبان سراسری؛ نظام دموکراتیک- شورایی، بمنظور رفع بنیادی و گسترده همه تبعیضات برجای مانده، ناشی از تاریخ توسعه ضد دموکراتیک سرمایه داری ایران، امکانات وسیعی را در این زمینه، در سطوح مختلف بکار خواهد گرفت. این موضوع بطور خاص به شهروندان دارای زبانهای مادری کردی، ترکی آذربایجانی، سیستانی و بلوچی، عربی، ترکمنی، ارمنی و موارد مشابه، مربوط میگردد.

۱-۱-۱۷، فراخواندن هر چه سریع تر انتخابات شورایی در هر استان، بمنظور انتخاب کلیه نهادها و مسئولین آنها از سوی مردم، بعنوان اولین گام در این جهت.

۲-۱-۱۷، حق کاربرد زبان مادری در سیستم آموزشی در هر استان موضوع این قطعنامه؛ حدود و چگونگی انجام آن را، سازمانهای دموکراتیک- شورایی و گروههای تخصصی نزدیک به آنان، با توجه به نیازهای توسعه اقتصادی-اجتماعی استان، بازار اقتصادی- مالی سراسری، آینده شغلی نسل جوان، و الزامات تحکیم همبستگی سیاسی- صنفی شهروندان کشور، تعیین خواهند نمود.

۳-۱-۱۷، تخصیص بودجه اضطراری، برای آغاز اجرای طرحهای توسعه اقتصادی- اجتماعی همه جانبه مناطق مورد بحث.

۴-۱-۱۷، ارائه امکانات وسیع و رایگان، و تشویق روستاییان در استانهای موضوع این قطعنامه به همکاری در امر ایجاد تمرکز روستایی، با هدف تسریع توسعه صنعتی مناطق کمتر توسعه یافته.

۵-۱-۱۷، تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به برچیدن عوارض ناشی از سلطه گری نظامات ضددموکراتیک، از طریق نهادهای دموکراتیک- شورایی در این مناطق، بمنظور ارائه به شوراهای استانها و نهادهای سراسری (پارلمان و دولت).

۶-۱-۱۷، شهروندان عشایر کشور نیز طی دوران سلطه رژیمهای ارتجاعی، متحمل سرکوب و انواع تبعیضات ضد دموکراتیک گشته، از بهبود شرایط کار و زندگی شایسته خود، بازمانده اند.

نظام دموکراتیک- شورایی، با تضمین حقوق شرایط زندگی متفاوت شهروندان عشایری، توده های زحمتکش را به روی آوری به اسکان کامل و ادغام در زندگی روستایی و شهری، تشویق خواهد نمود. نظام شورایی، با رایگان سازی همه هزینه های سکونت دانم، امکانات وسیع مالی و حقوقی را، در اختیار این بخش از شهروندان جامعه، قرار خواهد داد.

۱۷-۲، قطعنامه پیرامون: محکومیت سیاست آیرتاید ضد انسانی و جنایات رژیم اسلامی، علیه شهروندان بهایی کشور.

۱۷-۲-۱، تأکید بر حق دموکراتیک بهائیان، بمثابه شهروندان برابر حقوق برای انجام آزادانه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی.

۱۷-۲-۲، بازگشت به کار و تحصیل محروم شده گان از شغل و آموزش؛ جبران خسارات ناشی از جنایات رژیم علیه بهائیان، بویژه بازسازی کامل کتابخانه ها و مراکز فرهنگی.

۱۷-۲-۳، تأمین حضور نماینده گان منتخب بهائیان در همه نهادهای عمومی کشور، از جمله در هیئت نظارت بر رسانه های عمومی و نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی.

۱۷-۲-۴، تشویق شهروندان بهایی به شرکت فعال در سرنوشت سیاسی کشور و حضور مؤثر در احزاب، اتحادیه ها، سندیکاها و شوراها؛ بعهده گرفتن نقشی شایسته در مراکز تصمیم گیری سیاسی، قانونگذاری و قضایی.

۱۷-۲-۵، دفاع از حق این بخش از مردم کشور، در صورت تمایل به ایجاد تشکلهای سیاسی جداگانه، واعزام نماینده گان منتخب خود به پارلمانهای سراسری و شوراها استانی.

۱۷-۲-۶، بازپس دادن همه اموال و داراییهای شخصی تسویه و اخراج شده گان، و یا شهروندان بهایی ای که به شیوه جنایتکارانه ای، به جوخه های اعدام سپرده شدند. این امر شامل داراییها و مؤسسات انتفاعی شهروندان بهایی نیز میگردد.

۱۷-۲-۷، مقرر نمودن امتیازاتی در زندگی شغلی و تحصیلی، که به نحو مؤثری به جبران هر چه سریعتر آثار تبعیضها و جنایات رژیم اسلامی علیه بهائیان، منجر گردد.

۱۷-۲-۸، حق شهروندان بهایی به ارائه پیشنویس قوانینی به پارلمان و دولت، که به موضوع جبران خسارات، همچنین بهبود فرصتهای شغلی و اجتماعی این بخش از شهروندان کشور، مربوط میگردد.

۱۷-۳، قطعنامه پیرامون: محکومیت تبعیضهای گسترده علیه شهروندانی که دارای علانق مذهبی غیر اسلامی و یا غیر شیعی هستند؛ ایرانیانی با سنتهای مذهبی مسیحی، کلیمی، آشوری، گرایشهای اسلامی غیر شیعی (سنی)؛ تأکید بر برابر حقوقی گروههای نامبرده با سایر شهروندان؛ حق انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی آزادانه، و حتی المقذور، جبران خسارات تحمیل شده بر آنان.

۱۷-۴، قطعنامه پیرامون: تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به فعالیت‌های فرهنگی- مذهبی " اقلیت‌های مذهبی" نامبرده در بالا، از طریق سازمانهای اجتماعی گروهبندی های فوق، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۱۷-۵، قطعنامه پیرامون: ضرورت توسعه فرهنگی دموکراتیک کشور؛ همه زبانهای موجود در ایران، بمثابه زبانهای ملی کشور ایران، برسمیت شناخته میشوند.

۱-۵-۱۷، تدوین پیشنویس اولیه قوانین مربوط به رعایت و روش برخورد به تنوع زبانی در کشور، از طریق نهادهای شورایی استانی و سراسری، بمنظور ارائه به پارلمان و دولت.

۲-۵-۱۷، تغییر تدریجی زبان سراسری کنونی، و جایگزینی آن با زبان انگلیسی، بمثابه زبان اداری- آموزشی همگانی؛ حفظ زبان فارسی بعنوان زبان سراسری، تا تثبیت و همگانی شدن زبان انگلیسی؛ تغییر زبان سراسری، به زمان طولانی و صرف هزینه ای سنگین، نیازمند است. از این رو توافق اکثریت مردم، بویژه تشکلهای کارگران و دهقانان، ضروری است.

۳-۵-۱۷، بررسی پیشاپیش هرگونه تغییرات در زبان فارسی، جهت جلوگیری از عملکرد انگیزه های قومی و اهداف ارتجاعی، که به کاربرد زبان برای مردم عادی، و همبستگی شهروندی در جامعه ایران، لطمه وارد میسازند.

۴-۵-۱۷، بازسازی و تغییر مدیریت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، بمنظور تحکیم زمینه های پایبندی مسئولین و اعضاء آن به موازین دموکراتیک، و رعایت حق شهروندان به زندگی صلح آمیز در کشوری با تنوع زبانی.

۵-۵-۱۷، حضور نماینده گان فرهنگی- دموکراتیک سایر زبانهای ملت ایران در مدیریت این فرهنگستان، جهت ارائه نظرات علمی پیرامون توسعه زبان فارسی.

۶-۵-۱۷، الغاء عنوان دولتی " شاعر ملی"، برای شعرای دوره قدیم؛ این اصل، شامل نماینده گان ادبیات مربوط به همه زبانهای رایج در ایران میگردد. تشویق پژوهشگران و ارائه امکانات مالی و قانونی، برای انجام تحقیقات علمی، پیرامون خلاقیتهای فرهنگی- هنری ساکنان جوامع سپری شده در فلات ایران.

۷-۵-۱۷، موضوع زبانهای منطقه ای و سراسری و شیوه برخورد به آن، یک امر تخصصی محسوب شده، حل و فصل آن به نظرات و تصمیمات اتحادیه های کارگری، نهادهای کارفرمایی، مشاورین امور اشتغال و بازار کار، و توصیه های جامعه شناسان، روانشناسان و کارشناسان علوم تعلیم و تربیت، واگذار میگردد. نظام دموکراتیک- شورایی باید مکانیزمی برای انجام یک فعالیت تحقیقی همه جانبه در این زمینه را فراهم ساخته، براساس نتایج ناشی از آن و بطور یکسان در همه استانهای کشور، عمل نماید. در هر تصمیم گیری پیرامون کاربرد زبانهای منطقه ای در محیط آموزش، میبایستی رابطه آن با موضوع توسعه اقتصادی منطقه، آینده نسل جوان و زندگی شغلی - اجتماعی همه شهروندان کشور، معیار قرار گیرد. جامعه با به رسمیت شناسی حق کار و الزام به ایجاد کار برای همگان، در هر تغییری که بنوعی به زندگی شغلی شهروندان، بویژه نسل جوان مربوط گردد، از جمله بکارگیری زبانهای منطقه ای در سیستم آموزشی استان، مجاز به دخالت فعالانه است.

۸-۵-۱۷، تأمین امکانات شرکت فعال نماینده گان فرهنگستانها و روشنفکران، بمثابه نهادهای تخصصی، در همه امور مربوط به زبانهای کشور.

۹-۵-۱۷، الزام مؤسسات دولتی و خصوصی، به رابطه فعال با نهادهای تخصصی زبانهای موجود در کشور؛ بمنظور بهبود کیفیت ادبیات اداری دستگاههای دولتی.

۱۰-۵-۱۷، جدایی موقعیت زبانهای رایج در ایران از قدرت حاکم، و از تبلیغات و اهداف احزاب سیاسی؛ احزاب سیاسی مجاز نیستند، مسئله زبان را به موضوع محوری شعارها و تبلیغات سیاسی خود مبدل سازند؛ از آنجا که این فعالیت، امکان سوء استفاده وسیع از آن را فراهم نموده (نظیر سوء استفاده سیاسی از زبان فارسی)، از این طریق، اصل برابر حقوقی شهروندان را نقض میکند. حق همه احزاب و نهادهای سیاسی، به پشتیبانی از بهبود روشهای کاربرد زبانهای منطقه ای و سراسری، ارائه طرح و نظر در این رابطه، و ایجاد امکانات برای شهروندان علاقمند به پژوهش در این زمینه.

۱۱-۵-۱۷، جدایی موقعیت کنونی زبان فارسی از تاریخ نویسی ارتجاعی منتسب به " قوم پارس" و " نژاد آریا"؛ تحقیقات تاریخی پیرامون دورانهای باستان و یا زبان فارسی، نباید به روشهای قومی و ضدعلمی آلوده شده، در خدمت توجیه ستمگری بر بخشی از شهروندان قرار گرفته، و بر مناسبات دموکراتیک در جامعه، آسیب وارد آورد.

۱۲-۵-۱۷، تعیین ۲ زبان بین المللی [کشورهای صنعتی قدیمی]، بعنوان زبانهای رایج در سیستم آموزش و تحقیق در کلیه استانهای کشور.

۶-۱۷، قطعنامه پیرامون: تشکیل فرهنگستانهای ویژه زبانهای مختلف ایرانی، به هزینه دولت و بعنوان نهادهای فرهنگی-اجتماعی دموکراتیک؛ با هدف تضمین توسعه اقتصادی-اجتماعی برابر حقوق شهروندان مناطق مختلف کشور:

- ۱- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی،
- ۲- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات کردی،
- ۳- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات بلوچستانی و سیستانی،
- ۴- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات عربی،
- ۵- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات ترکمنی،
- ۶- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات ارمنی،
- ۷- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات شهروندان کلیمی،
- ۸- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات گرجی،
- ۸- تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات آشوری،
- ۹- حمایت مالی و سیاسی از تأسیس سازمانهای فرهنگی شهروندان بهائی، و سایر گروههای فرهنگی-زبانی و یا فرهنگی-مذهبی دموکراتیک در کشور.

۱۸ - حفظ محیط زیست

- ۱۸-۱، قطعنامه پیرامون: حق برخورداری از محیط زیست پاکیزه ...
- ۱-۱۸، تأسیس موزه های طبیعی، گسترش مناطق حفاظت شده ...
- ۲-۱۸، مقابله با هرگونه تخریب محیط زیست در ایران، ...

- ۳-۱-۱۸، اختصاص امکانات دولتی برای ایجاد یک زندگی شغلی جدید، ...
- ۴-۱-۱۸، انعقاد قراردادهای چند جانبه با کشورهای همسایه، ...
- ۵-۱-۱۸، الزام همه مؤسسات تولیدی/بازرگانی/خدماتی/کارفکری، ...
- ۶-۱-۱۸، قرار دادن استانداردهای مدرن برای رعایت حفظ محیط زیست، ...
- ۷-۱-۱۸، ایجاد تسهیلات وسیع برای مؤسساتی که تولید را بر رعایت ...
- ۸-۱-۱۸، حق سازمانهای دولتی مربوط به محیط زیست، ...
- ۹-۱-۱۸، آلوده سازی سطوح وسیعی از آب، خاک، گیاهان و هوا، ...
- ۱۰-۱-۱۸، تعیین هدف تبدیل نیمی از مساحت هر شهری به فضای سبز؛ ...
- ۲-۱۸، قطعهنامه پیرامون: تبدیل تکنولوژی و تولیدات صنعتی متکی بر حفظ ...
- ۱-۲-۱۸، سیاست ایجاد گسترده محل کار در رشته صنعتی متکی بر حفظ ...

۱-۱۸، قطعهنامه پیرامون: حق برخورداری از محیط زیست پاکیزه، بمثابة یک حق اولیه دموکراتیک برای همه شهروندان.

۱-۱-۱۸، تأسیس موزه های طبیعی؛ گسترش مناطق حفاظت شده و حفظ همه انواع گیاهان و جانوران، از آلوده گی ناشی از تعرض سرمایه داران سودجو به محیط زیست.

۲-۱-۱۸، مقابله با هرگونه تخریب محیط زیست در ایران؛ این شامل ممنوعیت فوری قطع درخت، ممنوعیت هر نوع شکار، و جلوگیری از اشکال زیانبار آلوده سازی هوا، آبها، خاک و مناطق سبز کشور است.

۳-۱-۱۸، اختصاص امکانات دولتی برای ایجاد یک زندگی شغلی جدید، برای شهروندانی که تأمین هزینه های زندگی آنها، به شکار حیوانات و یا قطع درختان وابسته است.

۴-۱-۱۸، انعقاد قراردادهای چند جانبه با کشورهای همسایه، برای مقابله با آلوده گی آبهای خلیج فارس و دریای خزر؛ ایجاد مؤسسات تحقیقی مشترک به این منظور.

۵-۱-۱۸، الزام همه مؤسسات تولیدی/بازرگانی/خدماتی/کارفکری، به تأسیس دفتر حفظ محیط زیست در مؤسسه خود.

۶-۱-۱۸، قرار دادن استانداردهای مدرن برای رعایت موازین حفظ محیط زیست، در دریافت مجوز تأسیس واحدهای تولیدی جدید.

۷-۱-۱۸، ایجاد تسهیلات وسیع برای مؤسساتی که تولید را بر رعایت حفظ محیط زیست، متکی سازند.

۸-۱-۱۸، حق سازمانهای دولتی مربوط به محیط زیست، به ورود بدون اعلام قبلی به محیط همه کارخانجات و مراکز کار، برای کنترل رعایت استانداردهای حفظ محیط زیست.

۹-۱-۱۸، آلوده سازی سطوح وسیعی از آب، خاک، گیاهان و هوا، یک جرم جنایی سنگین علیه تندرستی عمومی و حق حیات همگان، محسوب میگردد.

۱۰-۱-۱۸، تعیین هدف تبدیل نیمی از مساحت هر شهری به فضای سبز؛ تعیین هدف تبدیل حداقل نیمی از مساحت کشور به مناطق طبیعی حفاظت شده.

۲- ۱۸، قطعهنامه پیرامون: تبدیل تکنولوژی و تولیدات صنعتی متکی بر حفظ محیط زیست ("صنعت سبز")، به یک رشته مولد و تکنولوژی آینده در کشور.

۱-۲-۱۸، سیاست ایجاد گسترده محل کار، در رشته صنعتی/خدماتی حفظ محیط زیست؛ همکاری مداوم دستگاه‌های دولتی با اتحادیه‌های کارگران و کارفرمایان برای بهبود مداوم استانداردهای حفظ محیط زیست در حوزه تولید، خدمات، صنعتی و کشاورزی.

۱۹ - تضمین سلامت محیط سیاست

- ۱-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت سوء استفاده سیاسی از عناوین ...
- ۲-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، ...
- ۳-۱۹، قطعنامه پیرامون: محکومیت جریان‌های ملی- اسلامی ...
 - ۱-۳-۱۹، حق مردم ایران برای مجازات عناصر تصمیم گیرنده ...
 - ۴-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری ...
 - ۵-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، ...
 - ۶-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری ...
 - ۱-۶-۱۹، حق شهروندان به تعقیب قضایی نقض حقوق انسانی خود ...
 - ۷-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، ...
 - ۸-۱۹، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به بررسی کامل نوع ...
 - ۹-۱۹، قطعنامه پیرامون: حق دموکراتیک مردم ایران ...
 - ۱۰-۱۹، قطعنامه پیرامون: عناوین " فدايي خلق " و " مجاهد خلق "، ...
 - ۱۱-۱۹، قطعنامه پیرامون: تعهدات متقابل احزاب در برابر جامعه. ...

۱-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت سوء استفاده سیاسی از عناوین دانشگاهی، از سوی فعالین سیاسی-اجتماعی؛ بمنظور فخر فروشی و امتیاز طلبی، ارباب مردم و ایجاد پیش داوری، پیرامون تواناییهای احتمالی خود در محیط سیاست؛ اشاره به تخصص آکادمیک فعالین سیاسی- اجتماعی، تنها در زندگی نامه جداگانه فرد، و یا در صورت الزام به بیان آن، مجاز است. فعالین سیاسی از جناح لیبرال، ملی گرایان دروغین و سلطنت طلبان (نخبگان؟!)، برخلاف همفکران غیرایرانی خود، با توسل به این شیوه بدوی و سراپا تبعیض آمیز- که در هیچ کشور پیشرفته ای مرسوم نیست- در جامعه دست به تحقیر مردم زده، عملاً، داشتن مدارک دانشگاهی را شرط دخالت در سیاست معرفی میکنند. این سیاست ارتجاعی و تماماً ضد دموکراتیک، طی یک قرن، به تشدید بی تفاوتی سیاسی و دوری مردم از مبارزات سیاسی دامن زده، نقشی غیرقابل انکار در کم علاقه گی و یا عدم پیوستن توده شهروندان به احزاب و افکار سیاسی، ایفا کرده است.

۲-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، برای افراد و احزابی که در سرکوب و جنایت علیه مردم ایران، شرکت نموده اند. این، شامل تأسیس کننده گان و پشتیبانان مؤثر، سیاسی و یا نظامی رژیمهای پهلوی و اسلامی، میگردد. حق مردم ایران برای مجازات چنین عناصری.

۳-۱۹، قطعنامه پیرامون: محکومیت جریان‌های ملی- اسلامی و توده ای- اکثریتی، بدلیل نقش بسیار مؤثر آنها در استقرار و تحکیم یک رژیم فاشیستی، و سهم آشکار در کشتار صدها هزار نفر از شهروندان کشور در طول حیات رژیم اسلامی؛ ممنوعیت تصدی مشاغل سیاسی- اداری دولتی، از سوی وابستگان به این جریان‌های ارتجاعی.

۱-۳-۱۹، حق مردم ایران برای مجازات عناصر تصمیم گیرنده در این احزاب، و همدستان مستقیم رژیم اسلامی در سرکوب شهروندان مبارز؛ حتی اگر افراد سهمیم در این تبهکاری، در سازمانهای سیاسی دیگر ادغام گشته، و یا تابعیت دولتی کشور دیگری را کسب کرده باشند.

۴-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، برای افرادی که فعالانه از جنگ ارتجاعی ۸ ساله دفاع نموده، و یا برای ادامه کشتار مردم و ویرانی کشور، دست به تبلیغات علنی و مستمر، بنفع ادامه جنگ زده اند؛ نظیر:

- ۱- شرکت در طراحی و فرماندهی عملیتهای نظامی تجاوزگرانه،
 - ۲- شناسایی و بازداشت مخالفین جنگ، در جامعه و جبهه های جنگ ارتجاعی،
 - ۳- حمایت از جنگ ارتجاعی به بهانه دفاع از موقعیت ارتش، و تقویت آن در برابر سپاه پاسداران،
 - ۴- دینفع شدن در این آدمکشی و ویرانگری بیسابقه، از طریق خرید و فروش غیر قانونی نفت، برای تأمین نیازهای جنگی و سودجویی شخصی،
 - ۵- جمع آوری کمک مالی برای ادامه جنگ ارتجاعی، و یا کسر دستمزد کارگران و کارمندان، بمنظور تخصیص آن برای ادامه جنگ،
 - ۶- کمک به ادامه جنگ، از طریق قاچاق اسلحه به ایران،
 - ۷- همکاری با رژیم اسلامی، از طریق انجام تبلیغات و توسل به توجیه مذهبی، برای شرکت در جنگ ارتجاعی،
 - ۸- داشتن مسئولیت در تشویق، جذب و اعزام کودکان و نوجوانان به جبهه های جنگ، و وادار نمودن آنان به قربانی ساختن خود،
 - ۹- حمایت فعالانه از جنگ ارتجاعی، از طریق تولید فیلم تلویزیونی و سینمایی، تهیه موزیک، سرودن شعر، برگزاری مراسمهای مذهبی با مضمون تبلیغ برای ادامه جنگ؛ انجام سخنرانی عمومی، برگزاری سمینارهای دانشگاهی در دفاع از جنگ ارتجاعی؛ انتشار مقالات و کتب تحت پوشش " دفاع از میهن"، بویژه پس از خروج ارتش عراق از شهر خرمشهر، از پاییز سال ۱۳۶۰ به بعد،
 - ۱۰- شرکت در جنگ و سازماندهی تهاجم علیه شهروندان مبارز در کردستان، ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان و خوزستان؛ در تمام دوران پس از استقرار رژیم اسلامی.
-

۵-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، برای افرادی که علیرغم حضور در صف اپوزیسیون، بطور آشکار از جنایات رژیم اسلامی علیه کمونیستها و مبارزین حمایت کرده، تحت پوشش مقابله با " تجزیه طلبی"، سرکوب مبارزات مردم کردستان و مناطق مشابه را تأیید نمودند.

۶-۱۹، قطعنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، برای افرادی که در درون سازمانهای سیاسی، حقوق دموکراتیک شهروندان مبارز را بطور مسلم و آگاهانه نقض

کرده، به انگیزه دستیابی به منافع شخصی و موقعیت تشکیلاتی، دست به سوء استفاده از موقعیت سازمانی خود زده، سازمانهای سیاسی بزرگ کشور را تضعیف نموده، یا منحل ساختند. این بویژه موارد مشخص زیر را شامل میگردد:

۱- افراد مسنول در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مقطع انشعاب بزرگ در سال ۱۳۵۹؛ این عناصر، بخش اعظم بزرگترین سازمان چپ ایران را، به قسمتی از دستگاه سرکوب یک رژیم فاشیستی، مبدل ساختند.

۲- مسنولین و سیاستگذاران سازمان مجاهدین خلق در جریان " انقلاب ایدئولوژیک " آن، طی سالهای ۶۳ تا ۶۶؛ مسنولین توسل به سیاست سرکوب و زندانی ساختن مخالفین رهبری این سازمان؛ موضوع رابطه این سازمان با دولت سابق عراق، بویژه در مقطع موشک باران مناطق مسکونی ایران در اواخر جنگ ارتجاعی.

۳- طراحان و سازماندهنده گان عملیات نظامی موسوم به " فروغ جاویدان "، از سوی سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۶۷، که به کشتار بیش از ۱۲۰۰ نفر از شهروندان مبارز، و کمک به زمینه سازی قتل عام هزاران زندانی سیاسی از سوی رژیم جنایتکار حاکم، در روزهای پس از آن، گردید. برای عملیات فوق، هیچ چشم اندازی از موفقیت، با در نظر گرفتن ساده ترین معیارهای سیاسی و نظامی وجود نداشت، و مسنولین طراحی آن نیز، هرگز این اشتباه نبود کننده و یا اقدام عمد برای بهره برداری سیاسی بعدی از آن را، مورد بررسی و نقد قرار نداده اند.

۴- مسنولین و عناصر مؤثر در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- اقلیت، در مقطع درگیری مسلحانه درونی در روز ۴ بهمن سال ۱۳۶۴ (در کردستان عراق)، که به کشته شدن ۵ نفر، زخمی شدن ۶ نفر و فروپاشی بزرگترین سازمان چپ سراسری در این مقطع، منجر گردید. اطلاعات و اسناد بعدی نشان داد، که جناحهای متعددی در این سازمان در خفا، هدف انحلال تشکیلات و زندگی در خارج از کشور را دنبال کرده، ریختن خون شهروندان مبارز کشور و نابودی یک سازمان سیاسی مردم ایران را، با هدف دستیابی به منافع شخصی خود، مرتکب شدند.

۱-۶-۱۹، حق شهروندان به تعقیب قضایی نقض حقوق انسانی خود در موارد مذکور، حتی اگر عناصر احتمالاً مجرم، تابعیت کشور دیگری را کسب نموده باشند.

۱۹-۷، قطعهنامه پیرامون: ممنوعیت کسب مشاغل سیاسی- اداری دولتی، برای افرادی از نیروهای اپوزیسیون که توسل به روشهای مخرب زیر از سوی آنان، اثبات گردد. اقدامات مورد بحث، به تضعیف توان مبارزاتی جامعه، تقویت موقعیت رژیم ترور اسلامی و افزودن بر انبوه رنج و آلام دهها میلیون نفر از مردم ایران انجامید. این موارد عبارتند از:

۱- سوء استفاده از قدرت تشکیلاتی در سازمانهای سیاسی و توسل به اقدامات توطئه گرانه، حذف و اخراج فعالین سیاسی، بمنظور انحصار قدرت شخصی و یا محفلی،

۲- صدور حکم بازداشت و یا صدور حکم اعدام عضو یک سازمان بدلائل سیاسی؛ اقدام به محدودیت حق مسافرت، بازداشت و یا شکنجه شهروندان مبارز با انگیزه های سرکوبگرانه، از سوی عناصر صاحب مسئولیت در سازمانهای سیاسی،

۳- زمینه سازی و سازماندهی درگیری مسلحانه درون سازمانی و اقدام به قتل مبارزین،

۴- سانسور و سرکوب نظرات نیروی مبارز، از این طریق، لطمه وارد آوردن به مبارزه علیه یک رژیم فاشیستی، و ضدیت با توسعه سیاسی- فرهنگی جامعه،

۵- سوء استفاده از اموال سازمانهای سیاسی، و تملک شخصی منابع مالی سازمانهای اپوزیسیون،

۶- تخریب آگاهانه شخصیت فردی مبارزین، و آسیب زدن به توانایی مبارزاتی آنان،

۷- عدم پاسخگویی به اعضاء در قبال اقدامات خود، و ظفره رفتن از برگزاری نشستهای قانونی، بمنظور ادامه سلطه غیر دموکراتیک بر شهروندان مبارز جامعه،

۸- بی کفایتی، سهل انگاری، لاپالیگری، پوشاندن حقایق و ارتکاب اشتباهات نابود کننده، در موقعیت رهبری و اعضاء تصمیم گیرنده سازمانهای سیاسی.

۸-۱۹، قطعهنامه پیرامون: حق مردم ایران به بررسی کامل نوع و سطح رابطه (احتمالی) سازمان مجاهدین خلق ایران با رژیم فاشیستی صدام حسین، بویژه در طول جنگ ۸ ساله و مقطع موشک باران مناطق مسکونی ایران، توسط ارتش دولت سابق عراق؛ حق شهروندان ایران، به اطلاع از علل و چگونگی درگیریهای نظامی این سازمان، با مردم و احزاب سیاسی در کردستان عراق، و شناسایی مسئولین صدور فرمان شلیک (احتمالی) به سوی شهروندان کرد عراقی.

۹-۱۹، قطعهنامه پیرامون: حق دموکراتیک مردم ایران به بررسی جنگ داخلی ۴ ساله در کردستان ایران (۱۳۶۳-۱۳۶۷)، میان حزب دموکرات کردستان ایران و کومه له (در این مقطع: سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، و شناخت مسئولین آن: جنگ داخلی در کردستان، بخش اعظم بنیه مبارزاتی مردم کردستان را نابود کرده، وسیعاً به گریز مردم از مبارزه انقلابی و بی اعتمادی به سازمانهای سیاسی دامن زده، به وقوع انشعاب در دو جریان نامبرده انجامیده، و عملاً قطع کامل مبارزه مسلحانه در کردستان را موجب گردید. این رویداد فوق العاده زیانبار، در تداوم حیات رژیم اسلامی، و تحکیم سلطه آن بر مردم ایران، تأثیر گذاشت.

این درگیری خونین و پرخسارت، نه بر زمینه یک محدودیت تاریخی (صف بندیهای عشیره ای و مناسبات فنودالی)، بلکه بر اساس قدرت طلبی شخصی و گروهی، انگیزه های اعلام نشده و اشتباهات مهلک روشنفکران مدافع لیبرالیسم و سوسیالیسم، رخ داد. از این رو، در چهارچوب نظامات جامعه مدرن قرار داشته، موضوعی با اهمیت سیاسی- حقوقی تلقی گشته، و به یک بررسی کامل از نقطه نظر الزامات پایبندی به حقوق شهروندی، نیازمند است. جامعه حق دارد، صلاحیت سیاسی و اخلاقی مسئولین این رویداد دردناک و مهلک را، برای بعهده گرفتن مناصب اداری جدید، زیر سوال برده، از نفوذ آنها در دستگاههای اداری و قضایی کشور و استان، ممانعت کند.

۱۰-۱۹، قطعهنامه پیرامون: عناوین " فدایی خلق " و " مجاهد خلق "، نشریه " کار " و نشریه " مجاهد "؛ کنگره شوراها، تنها مرجع صالح و نماینده حقیقی مبارزات و فداکاریهای نسل پیشیناز گذشته است. نظر به سوء استفاده وسیع از عناوین " فدایی " و " مجاهد "، نشریه " کار " و نشریه " مجاهد " از سوی دسته جات منفعل و کاسبکار، سرکوبگر و تبهکار، بکارگیری این عناوین برای احزاب سیاسی، تنها در صورت موافقت کنگره شوراها، مجاز خواهد بود.

۱۱-۱۹، قطعنامه پیرامون: تعهدات متقابل احزاب در برابر جامعه؛ احزاب سیاسی موظفند، بطور همه جانبه، جهت تشکل سیاسی و صنفی توده های مردم، دست به فعالیتهای عملی زده، به بسیج نیروی نزدیک بخود در جامعه اقدام کرده، وسیعاً عضوگیری نموده، منظمأ به جامعه، گزارش کار ارائه دهند. احزاب سیاسی، باید روشهای سازماندهی و شیوه کار ارگانهای رهبری کننده خود را مداوماً بهبود بخشیده، برای خلاقیتهای اعضا و توده مردم، امکان شکوفایی ایجاد کنند. انتشار ثابت و روزمره ارگانهای حزبی، تشکیل منظم جلسات، سمینارها و کلاسهای آموزشی، برگزاری نشستها، کنفرانسها و کنگره های حزبی و عمومی، اجباری بوده، یکی از معیارهای اصلی بازدهی یک حزب سیاسی، محسوب خواهند شد. عدم رعایت الزامات قانونی از این نوع، به حذف کمکهای جامعه به احزاب سیاسی منجر شده، در صورت تداوم بی عملی و سوء استفاده از عنوان " حزب " و " سازمان "، میتواند انحلال یک حزب سیاسی را از سوی پارلمان و دولت، بدنبال آورد.

۲۰ - سیاست خارجی کشور

- ۲۰-۱، قطعنامه پیرامون: سیاست خارجی جمهوری شورایی ایران؛ ...
- ۲۰-۱-۱، جمهوری شورایی ایران، مخالف هر شکلی از دیپلماسی سری ...
- ۲۰-۱-۲، نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، خواهان لغو فوری کلیه ...
- ۲۰-۱-۳، جمهوری شورایی ایران، خواهان تعیین یک زمانبندی ...
- ۲۰-۱-۴، تا برچیدن کامل سلاحهای کشتار جمعی از جهان، ...
- ۲۰-۱-۵، نظام دموکراتیک- شورایی، انعقاد قراردادهای خارجی را به میزان ...
- ۲۰-۱-۶، مؤسسات دولتی و خصوصی ایرانی، مجاز به ...
- ۲۰-۲، قطعنامه پیرامون: بازبینی کلیه قراردادهای اقتصادی- مالی ...
- ۲۰-۳، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه ...
- ۲۰-۳-۱، حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه شرکتهای خارجی ...
- ۲۰-۳-۲، حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه شرکتهای خارجی، ...
- ۲۰-۴، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به بررسی کامل اقدامات ...
- ۲۰-۴-۱، حق مردم ایران برای طرح شکایات احتمالی، علیه مسئولین ...
- ۲۰-۴-۲، حقانیت حقوقی نظام شورایی، به رعایت الزامات ...
- ۲۰-۵، قطعنامه پیرامون: اهمیت امنیت دست جمعی؛ نظام دموکراتیک- شورایی، ...
- ۲۰-۵-۱، چنین پیمانهای مشترکی، نباید علیه دولتهای دیگر سمت گیری نمایند.
- ۲۰-۶، قطعنامه پیرامون: ضرورت ایجاد یک جامعه مشترک آسیایی- اروپایی؛ ...
- ۲۰-۷، قطعنامه پیرامون: خروج کشور ایران از سازمانهای منطقه ای و بین المللی، ...
- ۲۰-۷-۱، مبانی ناسیونال- شوینستی، قومی و یا مذهبی، بر برسمیت شناسی ...
- ۲۰-۸، قطعنامه پیرامون: مبانی دموکراتیک سیاست خارجی کشور؛ ...
- ۲۰-۸-۱، نظام رادیکال- دموکراتیک، مجاز است، تنها با آندسته از مؤسسات ...
- ۲۰-۸-۲، جمهوری شورایی محق است، نسبت به نقض حقوق زنان، ...
- ۲۰-۸-۳، نظام دموکراتیک- شورایی، سرکوبگری علیه خلق کرد در ...
- ۲۰-۸-۴، هر شهروند کرد در خاورمیانه حق دارد، تابعیت ایرانی ...
- ۲۰-۸-۵، نظام شورایی، از مبارزات دموکراتیک و سوسیالیستی، ...
- ۲۰-۹، قطعنامه پیرامون: تأکید بر عدم وجود اختلافات مرزی میان ایران و ...
- ۲۰-۱۰، قطعنامه پیرامون: ضرورت برقراری صلح و همزیستی مسالمت ...
- ۲۰-۱۰-۱، برسمیت شناسی برابر حقوق کشورهای فلسطین ...
- ۲۰-۱۰-۲، خواست آزادی فوری همه زندانیان فلسطینی از زندانهای ...
- ۲۰-۱۰-۳، خواست بازگشت همه مردم آواره فلسطین به سرزمین خود؛ ...
- ۲۰-۱۰-۴، مخالفت نظام شورایی در ایران با دخالتهای سودجویانه دولتهای غربی ...
- ۲۰-۱۰-۵، برقراری روابط سیاسی- اقتصادی و فرهنگی جمهوری ایران ...

۲۰-۱۱، قطعنامه پیرامون: الزام دولتهای خارجی به تعویض کامل پرسنل خارجی ...

۲۰-۱، قطعنامه پیرامون: سیاست خارجی جمهوری شورایی ایران؛ نظام دموکراتیک- شورایی، از روابط همه جانبه میان کشورها، خلع سلاح هسته ای و تحکیم صلح، حفظ محیط زیست، همزیستی دموکراتیک دولتها و ملل جهان، احترام به حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، و روابطه عادلانه اقتصادی بنفع ملل محروم، حمایت خواهد کرد. نظام شورایی، خود با برقراری روابط گسترده با همه کشورهای جهان، نقشی مؤثر و شایسته در مناسبات بین المللی، برعهده خواهد گرفت. نظام رادیکال- دموکراتیک در ایران در همه حال، از راه حل‌های صلح آمیز در روابط میان دولتها پشتیبانی نموده، مخالفت خود را با لشگرکشی قدرتهای نظامی آشکارا بیان نموده، و ابزارهای سیاسی ممکن را جهت توقف هر گونه راهزنی امپریالیستی، بکار خواهد گرفت. در همان حال، مناسبات سیاسی- اقتصادی در عرصه جهانی نیز باید در مسیر برقراری عدالت در نظام تصمیم گیریهای سیاسی و تجارت جهانی، سمت گیری نموده، به بهبود شرایط زندگی ملل محروم جهان، منجر شود. در وضعیت کنونی، تصمیم گیریهای دیکتاتورمنشانه و روابط تجاری نابرابر در جهان، تماماً به زیان ملل محروم تمام شده، و به تحمیل فقر و گرسنگی بر بخش بزرگی از بشریت، انجامیده است.

۲۰-۱-۱، جمهوری شورایی ایران، مخالف هر شکلی از دیپلماسی سری بوده، از علنیت و بیان روشن، در مناسبات میان دول و سازمانهای بین المللی، حمایت خواهد نمود.

۲۰-۱-۲، نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، خواهان لغو فوری کلیه بدهیهای کشورهای فقیر به بانکها، مؤسسات مالی و کشورهای ثروتمند جهان است.

۲۰-۱-۳، جمهوری شورایی ایران، خواهان تعیین یک زمانبندی از سوی قدرتهای بزرگ، برای برچیدن کامل سلاحهای هسته ای، میکروبی، و شیمیایی در جهان است.

۲۰-۱-۴، تا برچیدن کامل سلاحهای کشتار جمعی از جهان، در متون درسی کلیه سطوح آموزشی در ایران، دولتهای دارنده چنین سلاحهایی، با عنوان " تهدید کننده حیات بشریت"، توصیف خواهند گشت.

۲۰-۱-۵، نظام دموکراتیک- شورایی، انعقاد قراردادهای خارجی را به میزان رعایت موازین حفظ محیط زیست در کلیه مؤسسات، شرکتهای و شعبات داخلی و بین المللی طرف قرارداد خود، پیوند خواهد زد. از این طریق باید مؤسسات خارجی، هر چه بیشتر به توسعه تکنولوژی مدرن، منطبق با نیازهای حفظ محیط زیست، سوق داده شوند.

۲۰-۱-۶، مؤسسات دولتی و خصوصی ایرانی، مجاز به انعقاد قراردادهایی با شرکتهای خارجی، که در قطع درختان جنگلهای طبیعی جهان نقش دارند، نخواهند بود. همچنین بانکهای بین المللی و نهادهای مالی داخلی هر کشوری، که به تأمین مالی شرکتهای فوق میپردازند، مشمول این ممنوعیت میگردند.

۲۰-۲، قطعنامه پیرامون: بازبینی کلیه قراردادهای اقتصادی- مالی خارجی کشور؛ تغییر آنها؛ در صورتی که ضرورتهای توسعه اقتصادی کشور، آن را الزامی سازد.

۲۰-۳، قطعنامه پیرامون: حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه افراد، شرکتهای، نهادها و دولتهایی، که در طول دوران سلطه حکومت اسلامی، از طرق مختلف، ماشین سرکوب رژیم

اسلامی را به سلاحها و امکانات ادامه جنگ، کشتار مردم و تحکیم سلطه بر جامعه، مسلح ساختند.

۱-۳-۲۰، حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه شرکتهای خارجی، که سیاست سرکوب رژیم اسلامی را از طریق صدور ابزارهای شکنجه و وسایلی با کاربرد پلیسی-امنیتی، تقویت کرده، در جنایات رژیم اسلامی، شریک شدند.

۲-۳-۲۰، حق مردم ایران به اقامه دعوی علیه شرکتهای خارجی، که سیاست سرکوب رژیم اسلامی علیه زنان را، از طریق صدور خودروها و ابزارهای جداسازی جنسی شهروندان، تأیید و تقویت نمودند.

۴-۲۰، قطعهنامه پیرامون: حق مردم ایران به بررسی کامل اقدامات تروریستی رژیم اسلامی، در خارج از کشور علیه فعالین سیاسی.

۱-۴-۲۰، حق مردم ایران برای طرح شکایات احتمالی، علیه مسئولین دولتی و امنیتی سابق و یا کنونی دولتهای غربی، بدلیل احتمال پوشاندن عمدی نقش رژیم اسلامی در این جنایات.

۲-۴-۲۰، حقانیت حقوقی نظام شورایی، به رعایت الزامات ناشی از اثبات برخورد ضد دموکراتیک دولتهای غربی در این رابطه، در تنظیم محتوا و سطح مناسبات آتی خود با دولتها و مؤسسات غربی.

۵-۲۰، قطعهنامه پیرامون: اهمیت امنیت دست جمعی؛ نظام دموکراتیک- شورایی، همسایگان کشور را به امضاء قراردادهای دو و یا چند جانبه با ایران، جهت احترام به مناسبات صلح آمیز و تحکیم حسن همجواری فراخوانده، فعالانه در این جهت، گام برخواهد داشت.

۱-۵-۲۰، چنین پیمانهای مشترکی، نباید علیه دولتهای دیگر، سمت گیری نمایند.

۶-۲۰، قطعهنامه پیرامون: ضرورت ایجاد یک جامعه مشترک آسیایی- اروپایی؛ جمهوری شورایی ایران، در ایجاد یک اتحادیه اقتصادی- سیاسی مشترک، میان ایران، کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی ذینفع است. این اتحاد در وحله اول میتواند، کشورهای ایران، افغانستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را در بر بگیرد. کشورهای فوق بدلائل متعددی، امکانات بالقوه تشکیل چنین اتحادی، بنفع همه شهروندان خود را دارا هستند. همچنین ایجاد این اتحاد، تشکیل یک قطب سیاسی تأثیرگذار در آسیای مرکزی و نزدیک، حوزه دریای خزر و دریای سیاه را موجب شده، تعیین سرنوشت معادلات سیاسی در این منطقه و خاورمیانه را، از انحصار قدرتهای بزرگ در جهان، خارج میسازد.

۷-۲۰، قطعهنامه پیرامون: خروج کشور ایران از سازمانهای منطقه ای و بین المللی، که مبانی ناسیونال- شوینستی، قومی و مذهبی را، پایه وجودی خود قرار داده اند؛ نظیر کنفرانس کشورهای اسلامی و یا اتحادیه عرب.

۱-۷-۲۰، مبانی ناسیونال- شوینستی، قومی و یا مذهبی، بر برسمیت شناسی نابرابری حقوقی میان انسانها متکی بوده، ناقض اصول و اساس یک نظام رادیکال- دموکراتیک میباشد.

۲۰-۸، قطعهنامه پیرامون: مبانی دموکراتیک سیاست خارجی کشور؛ دفاع از حقوق زنان در جهان، بویژه در کشورهای اسلام زده و توسعه نیافته، دفاع از حقوق کارگران در ایجاد تشکلهای مستقل خود، و دفاع از حقوق دموکراتیک شهروندان کرد در خاورمیانه، به جزئی از سیاست خارجی جمهوری شورایی ایران، تعلق خواهند داشت.

۲۰-۸-۱، نظام رادیکال- دموکراتیک، مجاز است، تنها با آندسته از مؤسسات اقتصادی (خصوصی، دولتی) خارجی، قراردادهای متقابل امضاء نماید، که کارگران شرکتهای فوق، از وجود یک تشکل مستقل در محیط کار خود، برخوردار باشند. این امر همچنین باید از اشباع شدن بازار داخلی کالا، از کالاهای خارجی ای که تحت شرایط برده گی و بی حقوقی کارگران تولید میشوند، جلوگیری نماید.

۲۰-۸-۲، جمهوری شورایی محق است، نسبت به نقض حقوق زنان، بویژه اعمال جنایتکارانه ای نظیر ختنه دختران، اعتراض خود را به دولتها و مجامع بین المللی، آشکارا اعلام نموده، خواهان قطع فوری چنین اقدامات بربرمنشانه ای علیه زنان گردد.

۲۰-۸-۳، نظام دموکراتیک- شورایی، سرکوبگری علیه خلق کرد در کشورهای خاورمیانه را محکوم نموده، از برابر حقوقی کامل مردم کردستان و سایر شهروندان هر کشوری دفاع نموده، اعتراض آشکار علیه سیاست ارتجاعی کنونی را، وظیفه خود میدانند.

۲۰-۸-۴، هر شهروند کرد در خاورمیانه، حق دارد، تابعیت ایرانی و یا دوگانه، کسب کند. این امر باید سدی در برابر سرکوبگری و اعمال تبعیضهای متعدد علیه شهروندان کرد، ایجاد کند.

۲۰-۸-۵، نظام شورایی، از مبارزات دموکراتیک و سوسیالیستی در کشورهای دیگر، پشتیبانی نموده، فعالین و تعقیب شده گان را، بمتابه پناهنده سیاسی می پذیرد. جامعه ایران ضمن محکوم نمودن هر گونه جنگ افروزی، آوارگان ناشی از جنگهای منطقه ای را بمتابه پناهنده گان جنگی، خواهد پذیرفت. نظام رادیکال- دموکراتیک، اقدامات سیاسی و نظامی، برای تأسیس رژیمهای مذهبی و سرکوبگر را، در این چهارچوب ارزیابی نمیکند.

۲۰-۹، قطعهنامه پیرامون: تأکید بر عدم وجود اختلافات مرزی میان ایران و همسایگان خود؛ برسمیت شناسی مرزهای کشور با ملل همسایه تا مقطع سرنگونی رژیم سلطنتی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ (ماه فوریه سال ۱۹۷۹)؛ حفظ نامها و عناوین مناطق خشکی و آبی موجود در خاورمیانه، منطبق بر اسناد بین المللی.

۲۰-۱۰، قطعهنامه پیرامون: ضرورت برقراری صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای خاورمیانه.

۲۰-۱۰-۱، برسمیت شناسی برابر حقوق کشورهای فلسطین و اسرائیل در چهارچوب مرزهای مورد توافق هر دو ملت، و دفاع از حق زندگی صلح آمیز شهروندان هر دو کشور در کنار یکدیگر.

۲۰-۱۰-۲، خواست آزادی فوری همه زندانیان فلسطینی از زندانهای اسرائیل، و پرداخت غرامت به زندانیان و بستگان آنان.

۳-۱۰-۲۰، خواست بازگشت همه مردم آواره فلسطین به سرزمین خود؛ پرداخت غرامت به آنان از سوی دولت اسرائیل و یا یک صندوق کمک بین المللی.

۴-۱۰-۲۰، مخالفت نظام شورایی در ایران، با دخالت‌های سودجویانه دولتهای غربی و منطقه ای، در مناسبات میان دو ملت فلسطین و اسرائیل.

۵-۱۰-۲۰، برقراری روابط سیاسی- اقتصادی و فرهنگی کامل ایران با کشور اسرائیل، مشروط به استقلال کشور فلسطین، برسمیت شناسی آن از سوی دولت اسرائیل، و بازگشت آوارگان فلسطینی به شهرها و روستاهای اولیه محل سکونت خود است.

۱۱-۲۰، قطعنامه پیرامون: الزام دولتهای خارجی به تعویض کامل پرسنل خارجی سفارتخانه ها و مراکز فرهنگی خود در ایران؛ بعلت تأثیر پذیرفتن آنها از روحیات سرکوبگرانه ناشی از سلطه رژیم اسلامی، در برخورد به مراجعین ایرانی این مراکز؛ الزام همه مؤسسات و شرکتهای خارجی به تغییر کامل کارشناسان، مدیران و مسئولین دفاتر و مراکز خود در ایران.

ضمیمه ۱

توضیح: ضمیمه زیر در چهارچوب انتشار اول " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها "، تحت عنوان: " نظام دموکراتیک- شورایی و مسئله ملی در ایران"، درج شد. در انتشار دوم در اینجا، تغییری کیفی صورت گرفته، فقط قسمتی از آن، جزئی از اصل طرح و بخش دیگری که مربوط به " مسئله ملی" است، حذف شده است. در انتهای انتشار دوم، بخش حذف شده نقل گردیده، و علت این تغییر نیز، توضیح داده شده است. متناسب با این تغییر، عنوان جدیدی برای ضمیمه مزبور، انتخاب شده است.

جمهوری شورایی و مسائل قومی در ایران

جامعه ایران، یک جامعه توسعه یافته سرمایه داری است. از این رو، پیوند های خونی و این یعنی، هویت‌های قومی و خانواده گی، در آن کم رنگ گشته، بر جای آن، هویت مشترک انسان جامعه صنعتی، رابطه حقوقی- شهروندی نشسته است. این یک روند اجتناب ناپذیر بوده، از مناسبات بنیادی جامعه سرمایه داری، تبدیل انسان به فروشنده و خریدار نیروی کار و کالا، و غلبه کامل تولید کالایی ناشی میشود. هر میزان از دیکتاتوری و ترور، در این واقعیت هیچگونه تغییری نمیدهد؛ بلکه این فقط، لحظات شکل گیری و نقش سرکوب، در کند ساختن پیدایش یک جامعه مدرن، و محروم کردن مردم از دست آوردهای مثبت این جامعه، در برابر جوامع غیر سرمایه داری را بیان میکند.

انحلال هویت‌های قومی، به بخشی از ترقی خواهی جامعه بورژوازی، در دوران اولیه پیدایش آن تعلق دارد، که با برجیدن همه مناسبات سنتی و متکی بر پدرسالاری، جهانی متفاوت از بدویت نظامات کهن آفرید. زوال هویت‌های قومی، به موضوع ستم ملی مربوط نیست، بلکه در شرایط وجود ستم ملی، سلطه سرمایه انحصاری، تمرکز افراطی حکومت مرکزی و سرکوب و فقر، به آن پیوند میخورد. فارس زبان و یا کرد زبان بودن، در شرایط یک جامعه توسعه یافته سرمایه داری، دیگر نه بیان حقیقی رابطه خونی میان عناصر این دو گروهبندی جمعیتی، بلکه عمدتاً، تعلق شهروندان به دو گروه زبانی، و تمرکز در شرایط جغرافیایی متفاوت را مجسم میکند.

هویت یابی خود با عناصر قومی، و درک از خود بمثابة عضوی از یک گروه قومی، نظیر درک فردی از مذهب و باور به آن، یک احساس شخصی محسوب شده، ابراز آن و زندگی با آن، حق دموکراتیک شهروندان است. اما بازسازی هویت‌های قومی بمثابة یک رابطه اجتماعی، و تأکید بر ایجاد پیوندهای فروپاشیده، مقدم قرار دادن آن بر اصل برابر حقوقی انسانها، و تحمیل آن به سایر اعضای جامعه، یک اقدام سیاسی محسوب گشته، که دارای جوهر دموکراتیک نیست. وجود افرادی با احساس و خود- آگاهی قومی، قادر به اثبات حقانیت هویت یابی قومی نیست؛ از آنجا که، عدم وجود این نوع کاراکتر، در میان سایر عناصر همزبان در همان محیط و یا خارج از آن را، توضیح نمیدهد. احساس شخصی داشتن هویت قومی، حق هر انسان ایرانی، مضر دانستن و انکار آن نیز، حق همه مردم است.

در میان افراد و یا مناطقی از کشور، که چنین سطحی از هویت یابی، دیگر وجود ندارد، و یا راه زوال طی میکند، ایجاد آن و بدتر از آن، تبدیل آن به مبنای صف بندیهای سیاسی، با روح ترقی خواهی در جامعه مدرن، سازگار نیست. تعلق به یک گروه زبانی، مساوی تعلق به یک گروه قومی نیست. زبان، ابزار ارتباط میان انسانها، وسیله یادگیری، فکرکردن و بیان خود، و امر مناسبات اجتماعی میان مردم است. اما هویت قومی و یا مذهبی، دارای هیچیک از مشخصه های فوق نبوده، بلکه صرفاً رابطه طبیعی بازمانده از دورانهای ماقبل سرمایه داری، و علانق قدرتهای سنتی در سلطه بر سرنوشت قوم خود را، منعکس میسازد. احزاب سیاسی کشور، در صورت توسل به هویت‌های قومی، و اجبار مردم همزبان به بازسازی آن، نظیر توسل به مذهب و رنگ پوست، به محتوای دموکراتیک فعالیت خود آسیب زده، امر اتحاد توده های مردم، برای برچیدن رژیم اسلامی را دشوار میکنند. ...

خواننده گرامی!

جمله آخر در پاراگراف بالا- که حذف آن با ۳ نقطه مشخص شده است- و پاراگرافهای بعدی در این ضمیمه، از اصل " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها" حذف شده، تماماً به خارج از طرح و در انتهای کل متن، منتقل شده است. دلیل این تغییر محتوایی آشکار در اصل " طرح اولیه ..."، در محل جدید توضیح داده شده است.

ضمیمه ۲

ضمیمه زیر در انتشار اول " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها"، تحت عنوان " سیاست اقتصادی در یک نظام دموکراتیک- شورایی"، منتشر گشت. در انتشار دوم، از نظر شکلی و دقت در بیان محتوا، تغییراتی صورت گرفته، با عنوان جدیدی ارائه میگردد.

سیاست اقتصادی در جمهوری شورایی ایران

یک نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، از سیاستهای اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول، تبعیت نخواهد کرد. سیاستهای تحمیل شده از سوی نهادهای مالی بین المللی، به تشدید بیکاری، فقر هر چه بیشتر توده های زحمتکش، و به تضعیف نقش مردم در دخالتگری سیاسی انجامیده است. جامعه نمی تواند سرنوشت اقتصاد کشور را، به رهنمودها و دستورات نهادهای مالی سرمایه داری جهانی واگذار نموده، سطح معیشت مردم را، تابع منافع انحصارات بین المللی سازد. از سوی دیگر، شرایط یک جامعه انقلابی و فقر و فلاکت طاقت فرسای موجود، ادامه سیاستهای ارتجاعی، و تحمیل وخامت بیشتر بر زندگی توده های زحمتکش را، عملاً نیز

غیر ممکن میسازد. در عین حال، بر اساس تجارب عینی و شواهد متعدد، رشد اقتصادی تحت شرایط بازار سرمایه داری، نه به ایجاد کار برای همگان، بلکه به بی عدالتی بیشتر، و ایجاد و حفظ ارتش ذخیره بیکاران، منجر شده است. علاوه بر این، تأثیرات سیاستهای مراکز مالی-اقتصادی بین المللی، یک پدیده عمومی در جهان گشته، آشکارا در جهت تحکیم موقعیت سیاسی سرمایه داران، عمل میکند. از این رو، اتخاذ یک سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، نه تنها ضروری، بلکه از بیشترین امکان پشتیبانی توده ای و موفقیت عملی، برخوردار خواهد شد.

سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، بر ترکیبی از سیاستها، تجارب و دانش جدید، در عرصه ملی و بین المللی، استوار است:

- ۱- دست آوردهای مثبت سیاستهای اقتصادی سوسیالیستی در جهان،
- ۲- اشکال عملکرد اقتصادی و مالی در اقتصاد سرمایه داری،
- ۳- تجارب معین و مثبت از نقش دولت در اقتصاد کشورهای پیشرفته سرمایه داری،
- ۴- اقدامات مقطعی دولتی (بویژه در شرایط پس از جنگ در غرب)، برای افزایش قدرت خرید مردم،
- ۵- سیاستهای اقتصادی مدافعین بازار داخلی در غرب (سرمایه صنعتی، سوسیال دموکراسی، اتحادیه های کارگری)،
- ۶- سیاست تسهیلات مالیاتی برای تقویت سرمایه گذاریهای مولد،
- ۷- سیاستهای ویژه جهت جذب سرمایه گذاریهای مولد خارجی،
- ۸- سیاستهای اقتصادی خاص شرایط بحرانهای مالی و اقتصادی بین المللی،
- ۹- کاربردهای وسیع و جدید تجارب سازماندهی بیمه های اجتماعی،
- ۱۰- کاربرد وسیع و سیستماتیک ابزارهای نوین جمع آوری و کار بر روی اطلاعات (کامپیوتر، اینترنت).

سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، باید خود و عمدتاً بکمک مکانیزمهای اقتصادی و مالی روتین عمل کند، و نه از طریق محدود ساختن مصرف، تعیین نوع آن و یا توسل به دخالتهای بوروکراتیک.

سیاست اقتصادی در یک نظام دموکراتیک- شورایی، بر ایجاد کار، حفظ مشاغل موجود، گسترش رفاه و ارائه خدمات اجتماعی مداوماً بهبود یابنده، استوار است. این امر، توسعه اقتصادی تضمین شده، متوازن و منظم را الزامی، در عین حال، تسهیل میسازد. جامعه ایران آینده، نه فقط به رشد اقتصادی همه جانبه و سریع، بلکه بویژه به پیوند تنگاتنگ چنین سیاستی، با تحقق هدف برجیدن کامل بیکاری، و دستیابی به عدالت اجتماعی نیازمند است.

ظرفیتهای ایجاد کار در شرایط اقتصاد سرمایه داری اما، محدود بوده، و عملاً به افزایش سطح مصرف طبقات مرفه و میانی شهری، و یا تجارت خارجی، وابسته است. در شرایط اقتصادی کنونی کشور، هر چه طبقات دارای قدرت خرید، به مصرف مولد روی آورند، به همان میزان، رشد حقیقی اقتصاد تولیدی، امکان پذیر است؛ از آنجا که نقش ناچیز صادرات صنعتی ایران، و عدم وجود هیچگونه چشم اندازی در کسب جایگاه مهمی در بازار اشباع شده جهانی، یک واقعیت غیرقابل انکار است.

اما عدم نیازمندی طبقات میانی به مصرف بیش از نیازهای آن، روی آوری آن به دلالتی و قاچاق، صرف پس اندازها در خارج، مصرف تجملی و غیر مولد، و یا خرید کالاهای وارداتی قاچاق، بر معضلات موجود افزوده، به تحمیل هر چه بیشتر محدودیت توسعه بر بازار داخلی، منجر گردیده است. در کنار آن، تضعیف مداوم قدرت خرید کارگران و زحمتکشان روستایی از مقطع سرنگونی رژیم پهلوی تاکنون، باز هم بر عدم گسترش مصرف داخلی، از این طریق عدم تقویت یک اقتصاد مولد، انجامیده است. اتکاء به سیاستهای اقتصادی سرمایه داری و با هدف پاسخ گویی به تقاضای بخشهای میانی و مرفه بعنوان قدرت خرید کلاسیک، به دستیابی به هدف تضمین حق کار و ایجاد شغل برای انبوه جوینده گان کار، منتهی نمی شود؛ صرف نظر از اینکه در میان این بخش نیز، نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان، مصرف تجملی وسیعاً گسترش یافته، از این طریق نیز سهم مصرف مولد آن، رو به کاهش می رود.

در کنار عوامل فوق، یک عامل بسیار مؤثر دیگر نیز عمل میکند، که از خود ویژه گیهای اقتصاد ایران، محسوب میگردد: اقتصاد ایران، اساساً اقتصادی متکی بر فروش نفت، و دلالتی کالاهای وارداتی است، و این نیز نقش اصلی در عدم شکل گیری یک اقتصاد مولد را، که به ایجاد گسترده محل کار منجر شود، ایفا میکند. یک سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، باید:

۱- رابطه رشد اقتصادی و ایجاد کار را با نیازهای مصرف طبقات دارا، کاهش دهد.

۲- بازار داخلی را از انحصار قدرت خرید طبقات دارا، خارج سازد.

۳- به اقتصاد متکی بر فروش نفت و دلالتی کالاهای وارداتی، خاتمه دهد.

۴- به افزایش مداوم قدرت خرید کارگران و شهروندان روستایی، برای تضمین حیات یک اقتصاد مولد، مراجعه کند.

بدون تبدیل کارگران و زحمتکشان، به نیروی فعال و اصلی مصرف در بازار داخلی، توسعه اقتصادی تضمین شده و ایجاد کار- بیش از آنچه هم اینک عملی است- امکانپذیر نیست.

ثروت‌های عمومی کشور و قبل از همه نفت و گاز و صنایع پتروشیمی، در تمام سالهای سلطه دیکتاتوری و ترور، در خدمت انحصارات امپریالیستی، سرمایه داران و دلالتی داخلی و تحکیم رژیمهای ارتجاعی، قرار گرفته است. ثروت اصلی کشور در کنترل دولتهای سرکوبگر، نه به امکانی برای رشد اقتصادی، رفاه زحمتکشان و گسترش حقوق دموکراتیک مردم، بلکه به ابزاری برای سلطه دسته جات راهزن، و کسب ثروت برای یک اقلیت استثمارگر، مبدل شده است. صنایع نفت به دلیل عدم وجود مالکیت اجتماعی و کنترل دموکراتیک بر آن، عمدتاً و عملاً بمنابهِ هسته یک اقتصاد سیاسی خاص سیستم بازتولید دیکتاتوری و ترور در جامعه، عمل کرده است. بطریق اولی شکل گیری یک نظام دموکراتیک، بدون تبدیل این ثروت عظیم عمومی به یک ثروت اجتماعی و بدون کنترل جامعه بر آن، غیر ممکن است. محروم ساختن دستگاه دولتی از مالکیت بر صنایع کلیدی و شرکتهای دولتی، به طور جدی به کاهش قدرت سرکوبگری سیستم اداری- نظامی نیز، منجر خواهد شد.

صنایع نفت کشور، همواره نظیر ملک خصوصی مدیران دولتی، و هزارفامیل شریک در قدرت در رژیمهای تاکنونی، بکار گرفته شده است. بخش بزرگی از سوء استفاده های مالی و رواج اقتصاد دلالتی، مستقیم و یا غیر مستقیم، از غارت درآمدهای نفتی از سوی لایه های مختلف بورژوازی، و دسته جات حاکم ناشی شده است؛ این یک روال ثابت و جا افتاده، در هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی بوده است. رژیم اسلامی در سوء استفاده از درآمدهای نفتی، به افراطی ترین روشهای ممکن روی آورد. بگفته برخی منابع، بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار از ثروتهای کشور فقط طی ۸

سال، صرف ادامه جنگی ارتجاعی- جنگی که دولت عراق از سال ۱۳۶۰ خواستار پایان آن بود- گردید. از این گذشته، هزینه دستگاه انگلی عریض و طویل سرکوب و تحمیق مذهبی رژیم نیز، تماماً از طریق غارت درآمدهای نفتی، تأمین میگردد. قطع رابطه میان دولت و ثروت اصلی کشور، آغاز اقدامات بنیادی در مبارزه با فساد مالی و اداری را نیز، امکانپذیر میسازد.

بکارگیری صنایع نفت و ثروتهای دولتی کنونی در مسیر توسعه اقتصادی- اجتماعی، به تغییر مالکیتهای دولتی و ایجاد مناسبات جدیدی، بر اساس مالکیت اجتماعی بر این ثروتها، نیازمند است. از این رو، نظام دموکراتیک- شورایی، سرمایه های عمومی، مالکیتها و فعالیتهای اقتصادی دولتی در این رابطه را، از کنترل دستگاه دولتی خارج ساخته، به یک نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، انتقال میدهد. اداره نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، مستقیماً از طریق ارگانهای نماینده گی مردم در دو پارلمان سراسری، نهادها و سازمانهای توده ای، عمومی و اجتماعی، صورت خواهد گرفت. دولت در یک نظام دموکراتیک- شورایی، دارای فعالیتهای انتفاعی- خارج از وظایف مربوط به خدمات اجتماعی اولیه- بطریق اولی، مالکیت اقتصادی از نوع کنونی آن، نخواهد بود. کنترل حقیقی جامعه بر ثروتهای عمومی، تبدیل این منابع را به پشتوانه مالی ضروری، برای اتخاذ یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، ممکن میسازد. تبدیل مالکیتهای دولتی به مالکیت اجتماعی و تحت کنترل مردم، دارای نتایج مثبت متعددی است، که بتدریج دموکراتیزاسیون کامل همه عرصه های فعالیتهای اقتصادی- مالی را نیز، تسهیل خواهد ساخت.

نظام دموکراتیک- شورایی، بر تقویت پیوسته و سیستماتیک قدرت خرید توده های زحمتکش، بعنوان دینامیزم رشد اقتصادی و ایجاد کار و رفاه عمومی، تکیه خواهد کرد. افزایش مداوم و منظم قدرت خرید مردم، نه بر زمینه چاپ اسکناس و کاهش مداوم ارزش آن از این طریق، و یا تلاش بیهوده برای رشد تراز بازرگانی خارجی در بازار پر رقابت و اشباع شده بین المللی، بلکه از طریق هدایت سازمانیافته بازار عرضه و تقاضا، و این یعنی تکیه همه جانبه و تسلط کامل بر بازار داخلی، امکانپذیر است. ایجاد یک سیستم اعتبار ملی، آن ابزار دخالت در تعیین حدود عرضه و تقاضا بوده، که با پشتوانه نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، قابل تحقق است. هدایت هدفمند بازار داخلی، همچنین بر تنظیم سیاستهای پولی تأثیر گذارده، از وابستگی تحولات پولی و سیاستهای بانکی، به اقتصاد غیر مولد و دلالی، و یا تأثیر تخریبی کش و قوسهای بازار بورسهای بین المللی بر اقتصاد کشور، جلوگیری نموده، بحرانهای ناشی از تحولات بازار مالی را، قابل پیش بینی و کنترل پذیر میسازد.

تأسیس سیستم اعتبار ملی، و افزایش قدرت خرید توده های زحمتکش از این طریق، به تقویت بازار عرضه و تقاضا، رشد سرمایه گذاریهای مولد و تأمین باثبات اشتغال، منجر خواهد شد. به کمک تضمینهای مالی این نهاد به نفع خریداران، حجم تقاضا برای بازار منکی بر ارزش افزوده داخلی توسعه یافته، بدنبال خود، افزایش عرضه برای پوشاندن آن را الزامی میسازد. پاسخ به قدرت خرید جدید از سوی بازار عرضه، هر بار دور تازه ای از تقاضای بازار برای تولید کننده گان را آزاد ساخته، بطور اجتناب ناپذیری، افزایش سطح اشتغال را بدنبال می آورد. افزایش قدرت خرید مردم از سوی دیگر، سرمایه گذاریهای مولد در بخشهای جدیدی از تولید/خدمات را نیز به جریان انداخته، بنوبه خود، دامنه شمول سیستم اعتباری را گسترش داده، خرید کالاهای جدیدی را، مشمول تضمین مالی از سوی اعتبار دهنده ملی میسازد. کارکرد بازار عرضه و تقاضا بر این اساس، پیدایش یک سیکل اقتصادی نسبتاً با ثبات را موجب شده، به رشد مداوم و قابل پیش بینی سرمایه گذاریهای مولد می انجامد. از طریق پیدایش این روند قابل محاسبه و تابع دخالت سازمانیافته جامعه در بازار، توسعه اقتصادی منظم و درازمدت، ایجاد گسترده محل کار، و حفظ مشاغل موجود تضمین میگردد. تحت این شرایط، نه فقط مداوماً محل کار ایجاد خواهد شد، بلکه

با شکل گیری یک اقتصاد مولد وابسته به نقش با ثبات قدرت خرید در بازار، ایجاد کار در درازمدت، خود به دینامیزم درونی خود نیز، شکل خواهد داد. سرمایه عمومی نفت در چنین حالتی، به طور کامل در خدمت توسعه ساختارهای پایه ای و تولیدی کشور بکار گرفته شده، از گردونه اقتصاد دلالتی کالاهای وارداتی، خارج خواهد شد.

در مناسبات متکی بر اقتصاد سرمایه داری، بدهی مردم و دولت، کارخانجات و موسسات گوناگون به بانکها و به یکدیگر، یکی از عناصر تعیین کننده کارکرد این نظام را تشکیل میدهد. در پرتو یک سیاست اقتصادی رادیکال-دموکراتیک، نظام قرض در جامعه سرمایه داری، در محتوا و شکل تغییر کرده، نقشی مولد در رشد اقتصادی و ایجاد کار، بر عهده میگیرد. در نظام قرض کنونی، خریدار از طریق خرید غیر نقدی به فروشنده مقروض است؛ توزیع کننده به بانک و تولید کننده بدهکار بوده؛ در همانحال، تولید کننده نیز به بانک مقروض و به حمایتهای دولتی وابسته گشته؛ و دولت به بانکهای داخلی و خارجی، دولتها، شرکتهای خصوصی و مؤسسات اعتباری بین المللی بدهکار است. این نظام قرض از طریق دخالت سیستم اعتبار ملی، با بدهی خریدار کالا در بازار مصرف به سیستم اعتبار ملی، با قرض سیستم اعتبار ملی به عرضه کننده، بدهی عرضه کننده به تولید کننده، و مقروض شدن سیستم اعتبار ملی به بانکها، جایگزین میگردد. به این ترتیب نوعی نظام قرض متوازن و هدفمند، در نتیجه عملکرد مجموعه ساختار تولید و بازار، بر جای همه اشکال قرض کنونی قرار میگیرد.

سیستم اعتبار ملی، بطور واقعی موجب کاهش بدهی تولید کننده گان به بانکها، از طریق ارائه اعتبارات مناسب به آنان میگردد؛ اعتباراتی که خود این نهاد، به دلیل قدرت مالی عظیم آن- ناشی از پشتوانه نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی- قادر به دریافت از بانکها است. سیستم اعتبار ملی به این وسیله، هزینه های ناشی از بهره بانکی برای تولید کننده گان را به حداقل میرساند. این امر به تقویت بخش تولید کمک کرده، امکان فروشهای با مهلت بازپرداخت طولانی تر بدهیها به سیستم توزیع را، افزایش میدهد. تضمین بازار عرضه کالا از طریق افزایش مداوم تقاضای شکل گرفته از سوی اعتبار دهنده از یکطرف، و امکان بازپرداخت تدریجی بدهیها از طرف توزیع کننده گان به تولید کننده گان از سوی دیگر، ایجاد ثبات در سیستم توزیع، مولد شدن هر چه بیشتر بازار، و کاهش نقش دلالتی را بدنبال می آورد. کارکرد بازار عرضه و تقاضای کالا به اینترتیب، به تدریج به پیدایش نرخ معین قرض، در سطح کل اقتصاد جامعه، منجر میشود.

قرض طرفین خریدار کالا، فروشنده و تولید کننده در مجموعه سیستم اقتصادی کشور، بمرور زمان، دینامیزم خاص خود را کسب کرده، در سطح معینی قرار گرفته، نرخ آن به نرخ رشد اقتصادی، یعنی سرمایه گذاری مولد، گره میخورد. هر چه نرخ رشد اقتصادی افزایش یابد، نرخ قرض ناشی از بدهی متقابل خریداران، تولید کننده گان و توزیع کننده گان تنزل یافته، افزایش نقدینگی بانکها را موجب شده، و این به نوبه خود، نرخ بهره بانکی را کاهش میدهد. از آنجا که بهبود منابع مالی سیستم اعتبار ملی، ناشی از بازپرداختهای جدید از سوی بخش تولید و خریداران کالا، به افزایش بازپرداخت بدهی این نهاد نیز به بانکها منجر شده و این بسهم خود، حجم سرمایه راکد بانکها را افزایش میدهد؛ بانکها نیز بناچار در واکنش، برای جلوگیری از سقوط بیش از حد ارزش دارایی خود، به کاهش داوطلبانه نرخ بهره اعتبارات بانکی دست زده، از این طریق، به کاهش حجم سرمایه راکد خود، اقدام میکنند.

به این ترتیب کاهش نرخ بهره بانکی، نه از کاهش مستقیم تقاضا برای اعتبارات بانکی، و یا افزایش حجم سرمایه بانکی ناشی از هجوم پس اندازهای کوچک به بانکها- آنچه که در کارکرد کلاسیک بانکها روی میدهد- بلکه به طور مستقیم از بهبود ذخایر مالی سیستم اعتبار ملی، یعنی مشتری اصلی وامهای بانکی، و به طور غیر مستقیم، از بهبود موقعیت مالی بخش تولید، ناشی میشود. این با منطق اقتصاد سرمایه داری نیز کاملاً سازگار بوده، بوضوح آشکار میسازد، که

قدرت گیری بخش تولید، به افزایش قدرت رقابت سرمایه صنعتی در برابر سرمایه مالی و بازرگانی، منجر میشود. در واقع، کاهش بهره بانکی در اینجا، نتیجه رقابتهای سرمایه صنعتی و سرمایه مالی، در شرایط وجود پشتیبانی نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی از بخش تولید است، که در انتها، وزنه سرمایه صنعتی، یعنی تولید را، در مقابل سرمایه بانکی و بازرگانی، سنگین تر میسازد. مطمئناً بدون وجود سیستم اعتبار ملی، این کشمکش، همواره به نفع سرمایه مالی تمام شده و نتیجه آن، ورشکستگی مداوم واحدهای تولیدی و افزایش نرخ بیکاری است.

در حقیقت، قدرتگیری بخش تولید، تقاضا برای دریافت اعتبارات جدید توسط این بخش از سیستم اعتبار ملی (و از این طریق: از بانکها) را افزایش داده، اما این موجب افزایش نرخ بهره بانکی نگشته، بلکه برعکس، نرخ بهره بانکی را تنزل میدهد. این از آن روست، که تمایل حاکم بر تغییر نرخ بهره، تحت فشار مشتری اصلی بانکها، یعنی سیستم اعتبار ملی، گرایش نزولی داشته، صعود آن به هر دلیل و تحت هر شرایطی، تحت تأثیر وزنه بخش تولید (از طریق سیستم اعتبار ملی)، پس از مدت کوتاهی متوقف شده، در حالت تعادل سابق قرار میگیرد. دقیقتر: با افزایش مقطعی نرخ بهره (بدلیل افزایش تقاضای پول و یا برای جذب پس اندازها)، تنها تا حد متوسط نرخ بهره پیش رفته، نرخ بهره دلخواه سیستم اعتبار ملی، به حالت کم و بیش ثابت آن برمیگردد. تحت این شرایط، کاهش نرخ بهره بانکی، دریافت اعتبارات جدید برای سیستم اعتبار ملی از بانکها را مقرون به صرفه ساخته، و این نهاد بکمک اعتبارات دریافت شده جدید، تولید کننده و خریدار کالا در بازار را، با تضمینهای بیشتر، باز هم تقویت میکند.

در تحلیل نهایی، پرداختهای مالی حقیقی، که در اختیار تولید کننده گان و عرضه کننده گان قرار میگیرند، از وامهای نقدی دریافت شده توسط سیستم اعتبار ملی از بانکها، تأمین میشوند. سرمایه ها و مالکیتها تحت کنترل نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، که بنیه اقتصادی سیستم اعتبار ملی را تشکیل میدهند، فقط نوعی پشتوانه مالی، برای دریافت اعتبارات بانکی سنگین و متمرکز از بانکها، محسوب میشود؛ اعتباراتی که حدود آن، بر اساس محاسبات اقتصادی کلان، از نیازهای جامعه به محل کار، از این رو، تقویت بخش تولید، و در پیوند با این، تقویت قدرت خرید تقاضا کننده در بازار کالا، ناشی میشود. قدرت مالی نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی به طور واقعی، صرف سرمایه گذارهای زیر ساختی صنعتی- کشاورزی، و بهبود مداوم سیستم بهداشت، آموزش و مسکن شده، با بهبود استانداردهای زندگی کارگران و زحمتکشان، بازدهی نیروی کار را افزایش داده، از این طریق نیز، هزینه های تولید را کاهش میدهد. به این ترتیب، بخش تولید پیوسته تقویت، و قدرت آن، در ارضاء نیازهای بازار تقاضای مداوماً فزاینده، بهبود مییابد. این آن سیکل اقتصادی است، که ایجاد کار و برچیدن کامل بیکاری را، ممکن میسازد.

بتدریج تأثیرات منفی کش و قوسهای نرخ بهره بانکی، ناشی از قدرت بخش دلالی و غیر مولد اقتصاد، در مجموعه سیستم تولید و توزیع کم رنگ شده، به حجم بدهی و توانایی بازپرداخت سیستم اعتبار ملی به بانکها، وابسته میشود. سیستم اعتبار ملی اما، به دلیل قدرت اقتصادی عظیم پشتوانه آن (مالکیت بر نفت و شرکتهای دولتی سابق) و حضور فعال نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، بعنوان تولید کننده همچنین (شرکتهای تولیدی دولتی کنونی و ادامه حضور مؤثرتر در بخش تولید، بازرگانی، خدمات)، به تعیین کننده واقعی نرخ بهره بانکی تبدیل شده، خود عملاً شرایط دریافت و بازپرداخت وامها به سیستم بانکی را، تعیین میکند. تحت این شرایط، قرضه های بانکی به بخش تولید ارزان شده، و نرخ بهره بانکی به میزان فعال بودن سیستم اعتبار ملی در تقویت قدرت خرید مردم، پیوند میخورد.

سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک به مرور، بانکها و سیستم مالی دولتی و خصوصی را، عملاً به بخش تأمین نیازهای بخش تولید و تابعی از آن مبدل نموده، نقش منفی آن را در تخریب تولید، و رواج اقتصاد دلالی، حذف میکند. کاهش نرخ بهره بانکی تا پایین ترین سطح ممکن در

هر سیکل اقتصادی، نه فقط به شکل گیری پس اندازهای بانکها لطمه نمیزند، بلکه به دلیل قدرت بخش تولید و وابستگی بانکها به این بخش، به پیدایش یک نظام پس انداز مدت دار، سودمند و تضمین شده برای مشتریان بانکها انجامیده، پس اندازهای سرگردان در بخش دلالی و بورس را، به بانکها سوق میدهد. لازم به اثبات نیست، که تولید کننده گان منفرد و بخش تولید در نظام سرمایه داری، هرگز دارای چنین موقعیتی، در مناسبات با سیستم بانکی نیستند. ورشکستگی هر روزه مؤسسات تولیدی و اخراجهای دسته جمعی کارگران، بدلیل بدهی این شرکتها به بانکها، در تمام جهان، یک پدیده عمومی و گسترده است.

بتدریج نظام بانکی، نرخ بهره و حجم اعتبارات تضمین شده از سوی سیستم اعتبار ملی به تولید کننده گان و خریداران، عملاً در یک رابطه ارگانیک قرار گرفته، به یکدیگر نیازمند گشته، در هم تنیده میشوند. در چهارچوب سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، بمرور زمان، نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، و سیستم اعتبار ملی تأسیس شده از سوی آن، مؤسسات بزرگ توزیع، بانک مرکزی کشور، بانکها، مؤسسات بیمه و نظام مالیات و گمرک، در مناسبات نزدیک با یکدیگر قرار گرفته، به عناصر یک پیکره وابسته به یکدیگر تبدیل شده، یک واحد کم و بیش همگون با جهت گیری مشترک را، بوجود می آورند. روشن است، یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، سهمین بودن حقیقی طبقه کارگر در قدرت سیاسی، و وجود یک قانون کار دموکراتیک را فرض میگیرد. بدون تضمین حقوق سیاسی کارگران، بعنوان یک طبقه اجتماعی، تشکلهای کارگری مستقل و نقش مؤثر آنها در تصمیم گیریها، بهترین سیاست اقتصادی نیز طعمه سودجویی و بند و بستهای مدیران دستگاههای دولتی، احزاب سیاسی ارتجاعی و توطئه گریهای سرمایه داران شده، فاقد امکان هر گونه تأثیر گذاری مثبت خواهد بود.

ارائه یک سیاست اقتصادی در فقدان شرایط سیاسی عملی ساختن آن، نمیتواند همه جزئیات و احتمالات را در بر بگیرد. در مورد بالا، مطمئناً اجرای تدریجی و گام به گام، و کنترل کارکرد همه جنبه های این سیاست، نقش مهمی در تحقق اهداف آن، ایفا خواهد کرد. بویژه اینکه، پیش بینی احتمالاتی نظیر میزان کاهش نرخ بهره بانکی، در نتیجه اجبار بانکها (اجبار بدلیل افزایش نقدینه گی آنها، بدلیل بازپرداختهای وسیع سیستم اعتبار ملی به آن و یا دلایل دیگر) به تخصیص اعتبارات ارزان به سیستم اعتبار ملی (از این طریق به بخش تولید و افزایش قدرت خرید مصرف کننده)، که هم شکل گیری پس اندازهای مولد در بانکها را تسهیل کند، و هم ارائه اعتبارات بانکی از سوی بانکها به سیستم اعتبار ملی را مقرون به صرفه سازد، ساده نیست. بدون وجود سطح قابل قبولی از نرخ بهره برای پس اندازهای مشتریان بانکها، همچنین بدون کسب نرخ سود " مناسب" بانکها از پرداخت اعتبارات خود به سیستم اعتبار ملی، شکل گیری پس اندازها مشکل شده، سرمایه های فردی، همچنین سرمایه های بانکها، به بخش بورس بازی و دلالی، و فعالیتهای غیرمولد، سرازیر خواهند گشت. این بویژه به این دلیل اهمیت دارد، که یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، بانکها و کارکرد رایج آنها را، بعنوان یک واقعیت اقتصادی پذیرفته، و هدف فروپاشی نظام بانکی را دنبال نمیکند.

سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک، در اساس، یک سیاست غیر سرمایه داری است، که به اقتصاد سرمایه داری تعبیه شده، با بکارگیری پشتوانه نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی، سیستم اعتبار ملی آن، و مکانیزمهای متعدد دیگر، هدف ایجاد کار و دستیابی به اشتغال کامل را تعقیب میکند. روشن است، وجود اشکال کاملاً سرمایه داری کارکرد اقتصاد نیز، در کنار کارکرد اقتصاد رادیکال- دموکراتیک، ممکن، حتی اجتناب ناپذیر است.

یک سیاست اقتصادی در نمونه بالا، بر ایجاد یک توازن نسبی، میان قدرت و نقش اقتصادی سرمایه تولیدی، سرمایه بانکی، و سرمایه بازرگانی سمت گیری شده، در عین حال قدرت سرمایه تولیدی را، در مقایسه با دو بخش دیگر، از طریق حمایت نهاد شهروندی مالکیت اجتماعی،

مداوماً تقویت میکند. در این چهارچوب، رابطه بخش تولید با بانکها، نه بطور مستقیم و منفرد، بلکه غیر مستقیم و از طریق واسطه سیستم اعتبار ملی، برقرار میگردد. چنین رابطه ای، به بخش تولید امکان میدهد، سرمایه بانکی را به تابعی از نیازهای توسعه خود، تبدیل سازد. همچنین افزایش قدرت خرید مردم، از طریق افزایش منظم اعتبارات تضمین شده برای خریداران، از سوی نهادی خارج از بازار، یعنی سیستم اعتبار ملی، یک سیاست غیر سرمایه داری بوده، که در نظام عرضه و تقاضا، ادغام میگردد.

جمهوری شورایی ایران، نه فقط در زمینه تحقق مطالبات سیاسی- فرهنگی معوقه همه جنبشهای تائکونوی، کاملترین چهارچوب سیاستهای دموکراتیک را فراهم میسازد، بلکه در مقایسه با سیاست اقتصادی خانه خراب کن احزاب سرمایه داری نیز، از امکانات بمراتب مناسب تری برای موفقیت برخوردار است. احزاب سرمایه داری بنا به طبیعت خود، یعنی حمایت از کسب حداکثر سود برای سرمایه داران، و رها کردن سرنوشت مردم به عملکرد بازار، چیزی جز فلاکت هر چه بیشتر وضعیت توده های زحمتکش را، در چشم انداز جامعه قرار نخواهند داد. در حالیکه جمهوری شورایی، که بر دخالت سیاسی توده متشکل، خلاقیت شهروندان کشور، و به ابتکارات و دست آوردهای مدرن سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک متکی است، قادر است، مکانیزمهای جدیدی، که در عین حال بر تجربیات سیاسی و اقتصادی مثبت گذشته و فعلی در جهان متکی هستند را، نه بطور موضعی و تحت شرایط اضطراری، بلکه بمتابیه یک مجموعه کامل و سیستماتیک از سیاست اقتصادی بکار گیرد. جامعه انقلابی ایران، مطمئناً بیشترین استعداد را برای انتخاب راه حل‌های انسانی و پیشرو، بویژه یک سیاست اقتصادی رادیکال- دموکراتیک خواهد داشت.

تغییرات و موارد حذف شده در انتشار دوم- این بخش، جزء برنامه سیاسی، محسوب نمیشود.

متن اصلی این پاراگراف از آخرین قسمتهای " توضیحات ضروری در آغاز" و پیش از شروع بخش یک (صفحه ۴) به پایین و خارج از متن اصلی، منتقل شده است؛ دلیل آن، تغییر متن اصلی در بالا است. خواننده خود میتواند به تفاوت موجود پی ببرد. آنچه که در زیر میخوانید، متن اولیه است. قسمت حذف شده در بالا، با رنگ آبی، و قسمت جدید با رنگ سبز، مشخص شده است.

" قطعنامه های زیر از سوی فراکسیون فدایی(فراکسیون جمهوری شورایی)، به کنگره شوراها ارائه میگردد. کنگره شوراها یک کنگره عمومی است، که در لحظات سرنوشتی رژیم اسلامی، از تجمع نمایندگان شوراها، سندیکاها و اتحادیه ها، کمیته ها، نهادها و ارگانهای صنفی و دموکراتیک همه اقشار و طبقات سپیم در سرنوشتی رژیم اسلامی، در داخل کشور، تشکیل میگردد. این کنگره، از قدرت گیری مدافعین رژیم پهلوی و سازمان مجاهدین، جریانات اسلامی، در درون و **یا بیرون از رژیم اسلامی**، ممانعت بعمل آورده، راه سوء استفاده از خلاء قدرت برای شروع کشمکشهای قومی، توسل به تخریب و انتقام جویی را سد نموده، خطوط کلی نظام سیاسی آتی را روشن ساخته، و موعد انتخابات ارگانهای دائمی در کشور را معین میکند."

دلیل تغییر در پاراگراف بالا، یعنی عدم نام بردن از سازمان مجاهدین در انتشار دوم برنامه سیاسی، به شرایط رشد جنبش انقلابی- دموکراتیک کنونی برمیگردد. اکثریت قاطع مردم ایران، خواهان عدم انتقال اختلافات احزاب سیاسی، به درون جنبشهای اعتراضی فعلی هستند؛ تا از این طریق، به گسترده گی و دامنه این جنبش، زیانی وارد نشود.

قسمتی از ضمیمه سابق: " نظام دموکراتیک - شورایی و مسئله ملی در ایران"- عنوان سابق بحث کنونی در انتهای بخش ۲۰ متن بالا- که به توضیح وجود مسئله ملی در کردستان و تبعیضهایی از نوع تبعیضهای ملی در برخی مناطق ایران تعلق دارد، از اصل " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها " حذف شده، در انتها و خارج از متن اصلی، در اختیار خواننده قرار میگردد. دلیل آن، معضل بزرگ نگارنده، در عدم امکان دفاع از وجود مسئله ملی در ایران است؛ هر چند که در طرح دیدگاه اولیه نیز، وجود مسئله ملی در ایران، منحصر به کردستان اعلام شده بود.

نویسنده " طرح اولیه قطعنامه هایی برای ارائه به کنگره شوراها"، دیگر قادر به دفاع تئوریک و سیاسی از وجود " مسئله ملی " در ایران نیست؛ و آن را نمیخواهد، و نباید پنهان کند. در عین حال، انجام بحث تبلیغی و ترویجی پیرامون عدم

وجود مسئله ملی در ایران نیز، باید قبل از هر چیزی، بر یک نقد تنوریک و برخورد به نظرات نادرست موجود در این زمینه، همراه گردد. فعالیت مزبور اما، به یک برنامه مطالعاتی منظم، و وقت کافی برای تنظیم نتایج بررسیها نیاز دارد. این موضوع با تأکید دوباره، به موضوع عدم وجود مسئله ملی در شرایط کنونی ایران تعلق داشته، به همه مقاطع تاریخ سیاسی معاصر ایران و یا کشورهای دیگر، مربوط نمیگردد.

تک جمله پایین، آخرین جمله در پاراگرافی از ضمیمه: " نظام دموکراتیک- شورایی و مسئله ملی در ایران" را تشکیل داده است. در ادامه و با پاراگراف بعدی، کل بخش حذف شده در اشاره بالا، بدون تغییر آورده میشود.

...

تضعیف هویت‌های قومی، و وجود یک ساختار قوام یافته سرمایه داری اما، هنوز بمعنای عدم وجود مسئله ملی در ایران نیست.

در ایران و خاورمیانه، مسئله کردستان یک مسئله ملی کلاسیک، و عمر آن، به درازای عمر سرمایه داری در این منطقه است. یک نظام دموکراتیک- شورایی در ایران، در حل مسئله کردستان وسیعاً ذینفع بوده، خود را متعهد به ارائه یک راه حل دموکراتیک میداند.

پیدایش مسئله کردستان، به دوران فروپاشی امپراطوریهای فئودالی، شکل گیری بازار سرمایه داری، و تشکیل ملت‌های ایران، ترکیه، عراق و سوریه، همچنین تحولات بین المللی، فرارسیدن مرحله امپریالیسم، وقوع جنگ اول جهانی و نقش قدرتهای امپریالیستی در این روند، برمیگردد. بعد از نزدیک به ۴۰۰ سال کشمکش، جنگها و قراردادهای متعدد، مرزهای دولتهای جدید در این منطقه، تعیین گردید. وجود مراکز نیرومند سیاسی و اقتصادی در امپراطوریهای سابق، تسهیل توسعه بازار سرمایه داری و ایجاد دولتهای جدید در این مناطق را، بدنبال آورد. شرایط قدرت جدید، متقابلاً بر توسعه سرمایه داری تأثیر گذارده، به شکل دادن به بازار نیروی کار و کالا در حوزه نفوذ کشورهای تثبیت شده، شتاب بخشید. عدم وجود مرکز سیاسی و یک کشور کردستان در کنار دولتهای موجود، عدم توسعه یافتگی بازار داخلی سرمایه داری در این منطقه، و از این طریق فقدان یک طبقه ذینفع، همچنین نقش عامل قهر، از روند توسعه ملی جامعه کردستان، ممانعت بعمل آورد.

تشکیل ملت‌های جدید در جهان سه قرن گذشته، قبل از هر چیزی، محصول توسعه سرمایه داری است. ملت، دارای یک پایه اقتصادی است. ملت یک ساختار سیاسی برای اقتصاد سرمایه داری، پدیده ای کاملاً جدید و بر دو پایه، یعنی وجود بازار داخلی کالا و نیروی کار در یک سرزمین مشخص (مرزهای سیاسی)، و دولت بمثابه نیروی حافظ این شرایط اقتصادی- جغرافیایی، شکل میگیرد. تشکیل ملت‌های جدید در اواخر دوران فئودالیسم، با عامل قومیت، زبان خاص، مذهب و یا فرهنگ متفاوت، قابل توضیح نیست؛ چه بسا مطلقاً به این عناصر مربوط نیست. روشن است، عامل قدرت، بند و بست‌ها و کشمکش‌های طبقات و نیروهای مسلط در منطقه و جهان، خود یک فاکتور عینی است؛ از آنجا که: " قهر، قابله جامعه جدید است."* ۱

عدم وجود امکان تشکیل کشور کردستان، و سرکوب هولناک و فاشیستی مردم کرد در ترکیه، عراق، سوریه و ایران، به انباشته شدن هر چه بیشتر تبعیض‌های گسترده، به زیان خلق کرد، در کشورهای فوق انجامید. نه فقط خلق کرد از پروسه ملت شدن بازماند، و این ریشه در آغاز توسعه سرمایه داری داشت، بلکه بعدها نیز به شکل بربرمنشانه ای، از بدیهی ترین حقوق دموکراتیک، حتی اعلام علنی هویت شهروندی خود، و استفاده از زبان کردی، محروم گشت.

سرکوب بیرحمانه مردم بخش‌های مختلف کردستان، در پی چندین برآمد توده ای، یک موضوع سیاسی دانمی در جهان و منطقه را، بوجود آورد. کردستان در اولین برآمد جنبش ملی، در جمهوری مهاباد در سال ۱۳۲۴ خورشیدی، برای مدت کوتاهی به عنوان یک منطقه خودمختار در ایران، عرض اندام کرد. اما عدم توسعه یافتگی بورژوازی کردستان، سرکوب وحشیانه از سوی رژیم سلطنتی، و تغییر شرایط ناشی از خروج ارتش سرخ از ایران، به حیات دور اول جنبش انقلابی خلق کرد، پایان داد. در سالهای بعد بتدریج کردستان عراق، به عرصه سربلند کردن دومین موج بزرگ مبارزه مردم کردستان مبدل گشته، دست آوردهایی نیز برای توده های مردم، بدنبال آورد. سومین تلاش بزرگ خلق کرد، همزمان از ترکیه و تحت نفوذ حزب کارگران کردستان آغاز شد، که بتدریج تا اواخر دهه ۹۰، به دلایل متعددی، راه عقب نشینی در پیش گرفت. همه تجارب تاکنونی نشان میدهد، حل قطعی مسئله کردستان در خاورمیانه، به سرانجام یک انقلاب پیروزمند در ایران، گره خورده است.

یک نظام دموکراتیک- شورایی، باید حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد در ایران را برسمیت شناخته، از برسمیت شناسی آن در کشورهای دیگر خاورمیانه، بمثابه جزئی از سیاست خارجی خود، دفاع کند. کردستان ایران در اولین گام، از خودمختاری وسیع اداری- اجرایی برخوردار شده و امور داخلی منطقه، از طریق نهادهای دموکراتیک- شورایی، سازماندهی خواهد گشت. زبان کردی در کنار زبان فارسی پذیرفته شده، استفاده از آن در هر سطحی که نهادهای دموکراتیک مردم تعیین کنند، در سیستم اداری- آموزشی رواج خواهد یافت. هر گونه تصمیم گیری که به سرنوشت مردم در این منطقه مربوط است، از طریق نهادهای نماینده گی مردم کردستان صورت گرفته، دخالت دولت مرکزی در شئون داخلی منطقه، خاتمه مییابد. توسعه اقتصادی کردستان، باید از طریق برنامه های اضطراری، و تخصیص اعتبارات وسیع و فوری، بسرعت آغاز شود. هر چه توسعه اقتصادی- اجتماعی در این منطقه شتاب گیرد، حل قطعی مسئله کردستان، از امکانات

مساعده‌تری بر خوردار خواهد شد. اینکه گام‌های بعدی در این رابطه ضرورت پیدا کرده، و یا چگونه عملی شوند، باید از طریق نهاد های دموکراتیک و اراده مردم، تعیین گردد.

وجود تبعیض‌های ملی اما، مختص کردستان نیست. بی عدالتی و سرکوب نسبت به مردم کردستان، در عین حال به تسری سیاست اعمال تبعیض علیه سایر شهروندان، در مناطقی که از آغاز پیدایش سرمایه داری، در بازار سراسری ادغام گشته اند نیز، منجر گشته است. در آذربایجان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و ترکمن صحرا، توسعه مستقل سرمایه داری و تلاش‌های بورژوازی، برای تأسیس یک کشور مستقل تکوین نیافته، از این طریق، مسئله ملی در مفهوم کلاسیک آن، شکل نگرفت. اما سلطه دیکتاتوری پلیسی در کشور و سرکوب مداوم مردم کردستان، به تهاجم به هر تلاشی، برای استفاده از زبان مادری و اداره منطقه توسط ارگانهای انتخابی مردم، در مناطق یاد شده نیز منجر گشت (نظیر آذربایجان دهه ۲۰ شمسی). پیدایش یک ملت در شکل سیاسی آن، با بکارگیری یک زبان سراسری، و ایجاد ارگانهای قدرت سیاسی همراه است. از این رو، شکست یک جنبش ملی، خواست استفاده از زبان مادری و خودمختاری منطقه ای را، به یکی از مهمترین خواسته‌های شهروندی، در میان سایر مطالبات دموکراتیک مبدل میسازد. از این طریق، هر اعتراض محلی دیگر، علیه سرکوب و تحقیر از سوی حکومت مرکزی، خواست استفاده از زبان منطقه ای، و حق خودمختاری محلی را به جلو رانده، در شرایط وجود مسئله ملی در کشور، به مطالبات جنبش ملی موجود، پیوند میزند. از همین رو، خواسته های شهروندی بالا، بمثابة عوارض ناشی از نفی حقوق مردم کردستان، در این مناطق نیز، از خصلت تبعیض‌های ملی برخوردار شده، تأثیرات منفی متعدد ناشی از انکار آنها، طی دهها سال، مداوماً بر روی هم انباشته شده است.

در کنار عامل ذکر شده همچنین، رشد ناموزون سرمایه داری، تحقیر فرهنگی مردم از سوی لایه هایی از طبقه متوسط و خرده بورژوازی پایتخت، توسعه نیافته گی اقتصادی، فقر توده های زحمتکش، و سلطه مستقیم رژیمهای مرکزی، ستمی مضاعف را بر شهروندان مناطق فوق، تحمیل کرده است. در مناطق سیستان و بلوچستان، در بخشهایی از خوزستان، آذربایجان و ترکمن صحرا، علاوه بر نفی حقوق مردم در کاربرد زبان مادری، و اداره منطقه توسط شهروندان، عقب مانده گی اقتصادی نیز، محرومیت‌های وسیعی را بدنبال آورده است. این بویژه در سیستان و بلوچستان و خوزستان، در افراطی ترین نوع آن در ایران، به چشم می خورد. یک نظام دموکراتیک- شورایی، در این بخش از کشور نیز، با ارائه راه حل‌های دموکراتیک، بسرعت به برچیدن همه اشکال تبعیض‌های ملی و اقتصادی، اقدام خواهد نمود. در اولین گام، استفاده از زبان مادری در سیستم اداری-آموزشی، به رسمیت شناخته شده، خودمختاری وسیع اداری- اجرایی، تحقق خواهد یافت. همزمان، برنامه های همه جانبه توسعه به اجرا در آمده، شرایط اقتصادی- اجتماعی برای رفع کامل تبعیض‌های تاکنونی، مهیا میگردد. هر گام بعدی برای حل معضلات به جای مانده از رژیمهای سرکوبگر در این زمینه، از طریق نهاد های دموکراتیک توده ای و اراده مردم زحمتکش، معین میگردد.

توضیحات

* ۱- کارل مارکس